

اقسام نماز

«نماز» از نظر «وجوب» و «استحباب» به دو دسته تقسیم شده است:

الف - نمازهای واجب

(مسأله ۱) نمازهای واجب هفت قسم اند:

۱ - نماز یومیه که نماز جمعه نیز یکی از آنهاست.

۲ - نماز آیات.

۳ - نماز میّت.

۴ - نماز طواف واجب خانه کعبه.

۵ - نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر یا بنابر احتیاط بر بزرگترین

مرد وارث واجب است.

۶ - نمازی که با اجیر شدن یا نذر و یا عهد و یا قسم بر انسان واجب

می شود.

۷ - نماز عید فطر و قربان با حضور امام معصوم (ص)، و بنابر احتیاط با

وجود شرایط آن در زمان غیبت.

نمازهای واجب یومیه

(مسأله ۲) نمازهای واجب یومیه عبارتند از: نماز «ظهر»، «عصر»،

«مغرب»، «عشا» و «صبح». نمازهای ظهر و عصر و عشا هر کدام چهار رکعت

و نماز مغرب سه رکعت و نماز صبح دو رکعت است، ولی در مسافرت و

نیز در حال خوف با شرایطی که ذکر خواهد شد نمازهای چهار رکعتی دو

رکعت خوانده می شوند.

(مسأله ۳) در روز جمعه با وجود شرایطی که در مسائل «نماز جمعه»

گفته خواهد شد به جای نماز ظهر، دو رکعت نماز جمعه خوانده می شود و

چنانچه شرایط جمعه موجود نباشد نماز ظهر خوانده می شود.

وقت نمازهای یومیه:

(مسأله ۴) هر یک از نمازهای «ظهر»، «عصر»، «مغرب» و «عشا» دارای

«وقت مخصوص» و «وقت مشترک» می باشند، ولی نماز «صبح» شریک

ندارد تا وقت مشترک داشته باشد. «وقت مخصوص» وقتی است که خواندن

نماز یومیه ادای دیگر در آن صحیح نباشد، ولی در «وقت مشترک» خواندن

مسائل نماز

نماز دیگر، طبعاً صحیح است، گرچه ممکن است از جهت دیگری جایز نباشد.

وقت نماز ظهر و عصر:

(مسئله ۵) ظهر شرعی از راه آفتاب و نصب شاخص شناخته می‌شود. اگر چوب صافی را به صورت راست در زمین هموار فرو برند، صبح که آفتاب به آن می‌تابد سایه آن به سوی مغرب می‌افتد و هر چه خورشید بالاتر می‌رود، سایه ضمن آنکه به سمت مشرق در چرخش است کوتاهتر می‌شود. هنگامی که سایه چوب به آخرین درجه کوتاهی رسید و بار دیگر شروع به زیاد شدن نمود اول ظهر شرعی است. در بعضی شهرها مثل مکه مکرمه که گاهی موقع ظهر سایه بکلی از بین می‌رود، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد معلوم می‌شود ظهر شده است.

(مسئله ۶) وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر شرعی است تا هنگامی که به اندازه خواندن نماز ظهر، به حسب حال مکلف، بگذرد و وقت مخصوص نماز عصر هنگامی است که به اندازه خواندن یک نماز عصر، به حسب حال مکلف، به غروب بیشتر وقت نمانده باشد. اگر کسی تا این هنگام نماز ظهر را نخوانده باشد نماز ظهر او قضاست و باید در این وقت نماز عصر خود را به صورت ادا بخواند و فاصله میان وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر، وقت مشترک نماز ظهر و عصر است.

(مسئله ۷) اگر کسی در وقت مشترک از روی فراموشی تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بجا آورد نمازش صحیح است، ولی بنابر احتیاط واجب چهار رکعت نماز بعد از مردد بین ظهر و عصر و به قصد «آنچه بر عهده اوست» بجا آورد.

(مسئله ۸) اگر پیش از خواندن نماز ظهر از روی اشتباه مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک

مسائل نماز

باشد باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و پس از اتمام نماز، نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد بنا بر احتیاط واجب نیت را به نماز ظهر برگرداند و پس از اتمام نماز دوباره هر دو نماز را به ترتیب بخواند.

(مسأله ۹) بنا بر احتیاط واجب نماز ظهر و عصر را از غروب خورشید تأخیر نیندازند.

وقت نماز مغرب و عشا:

(مسأله ۱۰) وقت نماز مغرب از بعد غروب آفتاب شروع می‌شود. و احتیاط مستحب آن است که بعد از حمره مشرقیه شروع شود. حمره مشرقیه بدین صورت است که پس از غروب آفتاب در سمت مشرق سرخی مختصری دیده می‌شود، این سرخی در مدت ده تا پانزده دقیقه به تدریج کمرنگ شده تا حدی که دیگر دیده نمی‌شود و همزمان با زوال آن، سرخی مختصری در سمت مغرب دیده می‌شود و این آغاز وقت، وقت استحبابی نماز مغرب می‌باشد.

(مسأله ۱۱) وقت مخصوص نماز مغرب بعد از غروب است تا وقتی که از بعد از غروب به اندازه خواندن سه رکعت نماز، به حسب حال مکلف، بگذرد. و وقت مخصوص نماز عشا هنگامی است که به اندازه خواندن نماز عشا، به حسب حال مکلف، به نیمه شب مانده باشد و اگر کسی تا این هنگام نماز مغرب را نخوانده، باید نخست نماز عشا را بخواند و سپس نماز مغرب را بجا آورد. و میان وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا وقت مشترک نماز مغرب و عشا است.

(مسأله ۱۲) اگر کسی در وقت مشترک نماز مغرب و عشا از روی اشتباه نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز بفهمد نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد.

(مسأله ۱۳) اگر پیش از خواندن نماز مغرب از روی اشتباه مشغول نماز

مسائل نماز

عشا شود و در بین نماز بفهمد، یکی از دو صورت را دارد:

۱ - اگر تمام آنچه را خوانده در وقت مشترک نماز مغرب و عشا باشد، یکی از دو حالت را دارد:

الف - چنانچه به رکوع رکعت چهارم نرفته است، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و بنشیند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند.

ب - چنانچه به رکوع رکعت چهارم رفته است، باید نماز را تمام کند و بعد نماز مغرب را بخواند.

۲ - اگر آنچه را خوانده در وقت مخصوص نماز مغرب باشد نیز یکی از دو حالت را دارد:

الف - چنانچه به رکوع رکعت چهارم نرفته است، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و بنشیند و نماز را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب دوباره نماز مغرب را بخواند و پس از آن نماز عشا را بجا آورد.

ب - چنانچه به رکوع رکعت چهارم رفته است، بنا بر احتیاط آن را تمام کند و دوباره نماز مغرب و عشا را بجا آورد.

(مسأله ۱۴) آخر وقت نماز عشا نصف شب است و احتیاط آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند آن، شب را از اول غروب آفتاب تا اذان صبح حساب کنند و برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب نمایند.^۱

(مسأله ۱۵) اگر به واسطه عذری نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند، باید تا قبل از اذان صبح بجا آورد و بهتر است نیت ادا و قضا نکند، بلکه اگر از روی معصیت هم تا نصف شب نخوانده بنا بر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح آنها را بدون نیت ادا یا قضا بجا آورد.

۱. بنابراین تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی آخر وقت نماز مغرب و عشا است، گرچه در ایام سال کمی تفاوت می‌کند. و اول وقت نماز شب حدود دوازده ساعت بعد از ظهر شرعی است.

وقت نماز صبح:

(مسأله ۱۶) نزدیک اذان صبح سپیده‌ای در سمت مشرق به شکل عمودی پدیدار می‌شود که به آن «فجر اول» یا «فجر کاذب» می‌گویند، پس از دقایقی آن سپیده ناپدید می‌شود و سپیده دیگری به صورت افقی در همان سمت نمایان می‌گردد که به آن «فجر دوم» یا «فجر صادق» می‌گویند. هنگامی که فجر صادق نمایان شود آغاز وقت نماز صبح می‌باشد و پایان آن هنگامی است که آفتاب طلوع نماید.

(مسأله ۱۷) در شبهای مهتاب، احتیاط مستحب مؤکد آن است که برای نماز صبح صبر کنند تا سفیده صبح در افق ظاهر شود و بر روشنایی مهتاب غلبه کند؛ ولی برای روزه باید از جلوتر؛ یعنی مطابق ساعت و وقت شرعی امساک کنند. و این احتیاط در شب‌های ابری و در روشنایی برق جاری نیست.

احکام وقت نماز:

(مسأله ۱۸) هنگامی می‌توان مشغول نماز شد که به فرا رسیدن وقت نماز یقین یا اطمینان پیدا شود، هر چند این یقین یا اطمینان از راه دستگاههای تعیین وقت حاصل شود که توسط متخصصان مورد وثوق، استخراج گردیده است، همچنین اعتماد بر شهادت دو مرد عادل یا شهادت یک خبره که از گفته او وثوق پیدا شود یا انسان وقت شناس مورد وثوق، خواه عادل باشد یا نه، جایز است، ولی اعتماد به شهادت یک مرد عادل غیر خبره محل اشکال است.

(مسأله ۱۹) نابینایان و کسانی که در زندان هستند و قدرت تشخیص وقت را ندارند، بنا بر احتیاط واجب تا زمانی که یقین به فرا رسیدن وقت پیدا نکنند نباید مشغول نماز شوند.

(مسأله ۲۰) اگر انسان به واسطه ابر یا حوادث آسمانی دیگر، مانند خورشید گرفتگی، که مانع از یقین کردن همه مردم است نتواند در اول

مسائل نماز

وقت نماز به داخل شدن وقت یقین کند، چنانچه گمان داشته باشد وقت داخل شده می تواند مشغول نماز شود، هر چند احتیاط در تأخیر است و تا ممکن است این احتیاط ترک نشود.

(مسئله ۲۱) اگر کسی بدون احراز یکی از راههایی که در مسئله «۱۸» بیان شد مشغول نماز شود، نمازش باطل است، مگر اینکه معلوم شود که همه نماز در وقت واقع شده و قصد قربت نیز داشته است.

(مسئله ۲۲) اگر کسی با احراز یکی از راههایی که در مسئله «۱۸» گفته شد نماز بخواند و بعد از نماز معلوم شود که همه نمازش در خارج وقت خوانده شده، نمازش باطل است. و اگر مقداری از آن را داخل وقت خوانده باشد بنا بر مشهور صحیح است، ولی خالی از اشکال نمی باشد و بنا بر احتیاط دوباره آن را بخواند. و این ترک نشود.

(مسئله ۲۳) اگر با احراز یکی از راههایی که در مسئله «۱۸» گفته شد مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است و اگر در بین نماز وقت داخل شده باشد بنا بر مشهور نماز او صحیح است، ولی خالی از اشکال نمی باشد و بنا بر احتیاط دوباره آن را بخواند. و این احتیاط ترک نشود.

(مسئله ۲۴) اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند وقت رسیده یا نه، نماز باطل است، ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شک کند آنچه پیش از آن خوانده در وقت بوده یا نه، با احتمال توجه به وقت در اول نماز، نمازش صحیح است.

(مسئله ۲۵) اگر یقین کند که وقت نماز داخل شده و مشغول نماز شود و بعد از نماز شک کند که نمازش در وقت خوانده شده یا نه، بنا بر احتیاط مستحب نمازش را دوباره بخواند.

(مسئله ۲۶) اگر وقت نماز به قدری تنگ باشد که بجا آوردن کارهای مستحبی موجب می شود مقداری از نماز در خارج از وقت واقع شود، باید به

مسائل نماز

اندازه واجب اکتفا نمود و کارهای مستحبی را رها کرد.

(مسأله ۲۷) اگر وقت به قدری کم است که تنها یک رکعت از نماز در وقت قرار می گیرد، باید قصد ادا کند، ولی تأخیر انداختن نماز عمداً تا به این اندازه که تعدادی از رکعت‌های نماز در خارج وقت قرار گیرد گناه است.

(مسأله ۲۸) وقت مخصوص نماز «ظهر»، «عصر» و «عشا» نسبت به اشخاص تفاوت دارد، مثلاً وقت مخصوص نماز مسافر به اندازه خواندن یک نماز دو رکعتی و برای غیر مسافر به اندازه خواندن یک نماز چهار رکعتی است.

(مسأله ۲۹) کسی که مسافر نیست چنانچه تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر - هر دو - را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند، همچنین شخص غیر مسافر چنانچه تا نصف شب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا - هر دو - را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط نماز عشا را بخواند و بعداً نماز مغرب را بدون نیت ادا یا قضا بجا آورد. و کسی که به واسطه عذر یا در اثر معصیت، نماز مغرب و عشا را از نصف شب تأخیر انداخته نیز بنا بر احتیاط واجب تا اذان صبح همین جهت را رعایت نماید.

(مسأله ۳۰) کسی که مسافر است چنانچه تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر - هر دو - را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند، همچنین مسافر، چنانچه تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا - هر دو - را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط نماز عشا را بخواند و بعداً نماز مغرب را بدون نیت ادا یا قضا بجا آورد و اگر از نصف شب تأخیر انداخته است تا اذان صبح همین جهت را رعایت کند؛ یعنی نماز مغرب و عشا را به ترتیب، بدون نیت ادا و قضا بجا

مسائل نماز

آورد و در آخر وقت فقط عشا را بخواند.

(مسأله ۳۱) مستحب است نماز گزار نماز را در اول وقت بخواند و درباره آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثل اینکه صبر کند تا نماز را به جماعت بخواند.

(مسأله ۳۲) کسانی که عذر دارند و اگر بخواهند در اول وقت نماز بخوانند ناچارند مثلاً با تیمم یا لباس نجس نماز بخوانند، چنانچه احتمال دهند تا آخر وقت عذرشان برطرف می شود بنا بر احتیاط واجب باید صبر کنند و نماز خود را در آخر وقت بخوانند، ولی لازم نیست به قدری صبر کنند که وقت خواندن مستحبات نماز را نداشته باشند.

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود:

(مسأله ۳۳) انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

(مسأله ۳۴) اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است، نمی تواند نیت را به نماز عصر برگرداند، بلکه باید نماز را رها کند و نماز عصر را بخواند، همچنین است در نماز مغرب و عشا.

(مسأله ۳۵) اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیت را به نماز ظهر برگرداند و داخل رکن شود و بعد یادش بیاید که قبلاً نماز ظهر را خوانده، نمازش باطل است و باید نماز عصر را بخواند، ولی اگر پیش از داخل شدن در رکن یادش بیاید، باید نیت را به نماز عصر برگرداند و آنچه را به نیت ظهر خوانده باز هم به نیت عصر بخواند و بنا بر احتیاط نماز عصر را دوباره بخواند.

(مسأله ۳۶) اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا

مسائل نماز

نه، بنا بر احتیاط واجب نیت را به نماز ظهر برگرداند و بعد نماز عصر را بجا آورد، ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، مغرب می‌شود باید به نیت نماز عصر نماز را تمام کند و نماز ظهرش قضا ندارد. چون شک بعد از وقت است.

(مسئله ۳۷) اگر در بین نماز عشا پیش از رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، بنا بر احتیاط واجب، نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را سه رکعتی تمام کند و سپس نماز عشا را بخواند، ولی چنانچه وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، نصف شب می‌شود، باید به نیت عشا نماز را تمام کند و بعد نماز مغرب را بنا بر احتیاط بدون نیت ادا یا قضا بجا آورد.

(مسئله ۳۸) اگر در نماز عشا پس از رسیدن به رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، باید نماز را تمام کند و بعد بنا بر احتیاط واجب نماز مغرب را بخواند، ولی اگر این شک در وقت مخصوص نماز عشا باشد، خواندن نماز مغرب لازم نیست.

(مسئله ۳۹) برگرداندن نیت از «نماز قضا به نماز ادا» و از «نماز مستحب به نماز واجب» و نیز از «نماز مستحب به نماز مستحب» جایز نیست، همچنین نماز گزار نمی‌تواند نیت خود را از «نماز واجب به نماز مستحب» برگرداند، مگر برای رسیدن به نماز جماعت باشد که تفصیل آن بیان خواهد شد.

(مسئله ۴۰) اگر وقت «نماز ادا» وسعت داشته باشد، نماز گزار می‌تواند در بین نماز، نیت را به «نماز قضا» برگرداند، ولی باید برگرداندن نیت به نماز قضا ممکن باشد، مثلاً اگر مشغول نماز ظهر است در صورتی می‌تواند نیت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکعت سوم نشده باشد، بلکه اگر نماز قضایی که به عهده او می‌باشد فقط یک نماز است و یا چند نماز از همین روز، بنا بر احتیاط نیت را به آن برگرداند.

ب - نمازهای مستحب

نافله‌های شبانه‌روزی و وقت آنها:

(مسأله ۴۱) نمازهای مستحبی بسیار است و به آنها «نافله» می‌گویند. از میان نمازهای مستحبی به خواندن نافله‌های شبانه‌روز بیشتر سفارش شده است. نمازهای نافله شبانه‌روز در غیر روز جمعه، سی و چهار رکعت و در روز جمعه، سی و هشت رکعت است.

ترتیب نافله‌های شبانه‌روز به شرح زیر است:

الف - «نافله نماز ظهر» هشت رکعت است که به صورت چهار نماز دو رکعتی، پیش از نماز ظهر خوانده می‌شود و وقت آن بنابر مشهور، از اول ظهر است تا هنگامی که سایه شاخص^۱ دو هفتم آن شود.

ب - «نافله نماز عصر» هشت رکعت است که به صورت چهار نماز دو رکعتی، پیش از نماز عصر خوانده می‌شود و وقت آن بنابر مشهور، تا هنگامی است که سایه شاخص به چهار هفتم آن برسد. و اگر بخواهند نافله ظهر و عصر را بعد از دو وقتی که گفته شد بخوانند، بهتر است نافله ظهر را بعد از نماز ظهر و نافله عصر را بعد از نماز عصر بجا آورند و بنابر احتیاط واجب نیت ادا یا قضا نکنند.

ج - «نافله نماز مغرب» چهار رکعت است که به صورت دو نماز دو رکعتی، بعد از نماز مغرب خوانده می‌شود و وقت آن بنابر مشهور، پس از نماز مغرب تا وقتی است که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب آفتاب در آسمان پیدا می‌شود بکلی ناپدید شود، ولی بعید نیست که وقت آن تا آخر وقت نماز مغرب باشد، هر چند احتیاط آن است که در این صورت بدون نیت ادا یا قضا بجا آورند.

د - «نافله نماز عشا» دو رکعت است که بنابر احتیاط واجب نشسته

۱. معنای «شاخص» در مسأله «۵» بیان شده است.

مسائل نماز

می‌خوانند و دو رکعت آن یک رکعت ایستاده محسوب می‌شود و وقت آن بعد از تمام شدن نماز عشا تا نیمه شب است و بهتر است بلافاصله پس از نماز عشا خوانده شود.

هـ - «نافله نماز صبح» دو رکعت است و پیش از نماز صبح خوانده می‌شود و وقت آن بعد از گذشتن از نصف شب به مقدار خواندن یازده رکعت نماز شب است، ولی احتیاط آن است که قبل از فجر اول نخوانند، مگر آنکه متصل به نماز شب بخوانند که در این صورت مانعی ندارد. و پایان وقت نافله صبح هنگامی است که سرخی طرف مشرق نمایان شود.

و - «نافله شب» یازده رکعت است: هشت رکعت آن به نیت «نافله شب» - به صورت چهار نماز دو رکعتی - خوانده می‌شود و دو رکعت دیگر به نیت «نماز شفع» و یک رکعت به نیت «نماز وتر» می‌باشد. وقت نافله شب از نیمه شب تا اذان صبح است و بهتر آن است که نزدیک اذان صبح خوانده شود.

(مسأله ۴۲) در روز جمعه چهار رکعت به شانزده رکعت نماز نافله ظهر و عصر افزوده می‌شود؛ به این معنا که بیست رکعت نافله پیش از نماز ظهر و عصر خوانده می‌شود. و بهتر آن است که شش رکعت آن هنگام بالا آمدن آفتاب، شش رکعت نزدیک ظهر، دو رکعت هنگام ظهر و شش رکعت پس از نماز جمعه خوانده شود.

(مسأله ۴۳) اگر بخواند نافله ظهر و عصر را در غیر روز جمعه، پیش از ظهر بخواند، بنابر احتیاط به امید ثواب بخواند مگر آنکه بداند در وقت آن نمی‌تواند بخواند که در این صورت به قصد ورود نیز می‌تواند بجا آورد.

(مسأله ۴۴) نافله ظهر و عصر را نباید در سفر خواند، ولی نافله عشا را می‌توان در سفر بجا آورد و احتیاط آن است که به امید ثواب خوانده شود.

(مسأله ۴۵) نمازهای نافله را باید دو رکعتی بجا آورد، جز نماز وتر که یک رکعت می‌باشد. و مستحب است در رکعت دوم نمازهای نافله و نیز در

مسائل نماز

نماز وتر قنوت را بخوانند، ولی در نماز شفع اگر بخواهند قنوت را بجا آورند به امید ثواب باشد.

(مسأله ۴۶) نمازهای نافله را می‌توان نشسته خواند، ولی بهتر است دو رکعت نماز نافله نشسته را یک رکعت حساب کند.

(مسأله ۴۷) مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند آن را در اول شب بجا آورد.

نماز غفيله:

(مسأله ۴۸) «نماز غفيله» دو رکعت است و مستحب است بین نماز مغرب و عشا خوانده شود. وقت نماز غفيله بنا بر احتیاط بعد از نماز مغرب است تا هنگامی که سرخی خورشید از سمت مغرب به کلی ناپدید شود^۱ و اگر بخواهد بعد از این زمان بخواند به امید ثواب بجا آورد. در رکعت اول نماز غفيله باید پس از حمد بجای سوره این آیه را بخواند:

«وَالَّذِينَ إِذْ ذُهِبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ»^۲

و در رکعت دوم پس از حمد بجای سوره این آیه را بخواند:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي البُرِّ وَالبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»
و در قنوت آن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» و بجای عبارت «أَنْ تَفْعَلَ

۱. پس وقت «نماز غفيله» بنا بر احتیاط تا حدود یک ساعت و نیم بعد از غروب می‌باشد.

۲. انبیاء: ۲۱، ۸۷ و ۸۸.

بی کذا و کذا» حاجتهای خود را به زبان آورد؛ آنگاه بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي، فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَام، لَمَا قَضَيْتَهَا لِي».

احکام قبله

(مسأله ۴۹) خانه کعبه، در مکه معظمه، قبله مسلمانان جهان است. کسی که در مسجدالحرام و نزدیک کعبه است باید هنگام نماز به طور دقیق رو به کعبه ایستاده و کعبه را برابر خود قرار دهد، ولی کسانی که در جاهای دور قرار دارند اگر به گونه‌ای به سمت خانه خدا بایستند که گفته شود رو به قبله ایستاده‌اند کافی است.

(مسأله ۵۰) نماز خواندن به سمت قبله یکی از سه حالت را دارد:
الف - اگر ایستاده نماز می‌خواند، کافی است جلوی بدن، مانند: صورت و سینه، به سمت قبله باشد و لازم نیست سر زانوها و انگشتان پا هم به طرف قبله باشد.
ب - چنانچه مجبور باشد نشسته نماز بخواند، باید به گونه‌ای قرار گیرد که صورت، سینه و سر دو زانوی او رو به قبله باشد.

ج - اگر مجبور باشد خوابیده نماز بخواند، باید طوری به پهلو راست بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله قرار گیرد و اگر نمی‌تواند، باید به پهلو چپ به گونه‌ای بخوابد که جلوی بدن او به سمت قبله باشد و اگر به این طور هم نمی‌تواند، باید به پشت به گونه‌ای بخوابد که کف پاهای او رو به قبله قرار گیرد.

(مسأله ۵۱) نماز احتیاط و سجده یا تشهد فراموش شده حکم اصل نماز را دارد و باید رو به قبله خوانده شود همچنین بنا بر احتیاط واجب سجده سهو نیز همین حکم را دارد.

(مسأله ۵۲) نماز مستحبی را می‌توان در حال راه رفتن و یا سواره خواند و اگر کسی در این دو حال نماز مستحبی را بخواند لازم نیست رو به قبله

مسائل نماز

باشد.

(مسأله ۵۳) جستجو برای پیدا کردن سمت قبله واجب است و نماز گزار می‌تواند به گفته دو شاهد عادل که از روی نشانه‌های حسی شهادت می‌دهند، یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می‌شناسد و محل اطمینان است عمل کند و اگر هیچ یک از این راهها ممکن نشد، باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبور آنان یا از راههای دیگر پیدا می‌شود عمل نماید حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می‌شناسد گمان به قبله پیدا کند کافی است.

(مسأله ۵۴) کسی که گمان به قبله دارد چنانچه بتواند گمان قویتری پیدا کند، نمی‌تواند به گمان خود عمل نماید، مثلاً اگر میهمان از گفته صاحبخانه گمان به قبله پیدا کند، ولی بتواند از راه دیگر گمان بیشتری حاصل نماید، نباید به گفته صاحبخانه قناعت کند.

(مسأله ۵۵) اگر برای پیدا کردن قبله وسیله‌ای ندارد یا با اینکه کوشش کرده گمانش به طرفی نمی‌رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد بنابر احتیاط واجب چهار نماز به چهار طرف بخواند و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد به اندازه‌ای که وقت دارد نماز بخواند، مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد، باید نماز را به هر طرفی که می‌خواهد بخواند، و بنابر احتیاط قضای نماز را هم بجا آورد. و باید نمازها را به گونه‌ای بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده، یا انحراف آن به طرف دست راست یا دست چپ قبله نرسیده باشد؛ یعنی کمتر از ۴۵ درجه باشد.

(مسأله ۵۶) اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخواند، ولی احتیاط مستحب آن است که در صورت گمان، به هر چهار طرف نماز بخواند.

مسائل نماز

(مسأله ۵۷) کسی که باید به چند طرف نماز بخواند اگر بخواهد نماز «ظهر و عصر» یا «مغرب و عشا» را بخواند، بلکه لازم آن است که نماز اول را به هر چند طرف که واجب است بخواند سپس نماز دوم را شروع کند.

(مسأله ۵۸) کسی که یقین به قبله ندارد می‌تواند در کارهایی بجز نماز، مانند سر بریدن حیوان، که رو به قبله بودن در آن شرط است به گمان عمل نماید و اگر گمان ممکن نیست، به هر طرف که انجام دهد صحیح است، ولی در سر بریدن حیوان تا هنگامی که نیاز شدید پیدا نکرده بنا بر احتیاط ذبح نکند.

پوشاندن بدن در نماز

(مسأله ۵۹) نماز گزار اگر مرد باشد باید هنگام خواندن نماز عورت خود را بپوشاند، هر چند کسی او را نبیند، و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند. و اگر نماز گزار زن باشد باید تمام بدن را بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به اندازه‌ای که در وضو شسته می‌شود و دست تا مچ و پا تا مچ لازم نیست، اما برای آنکه یقین کند مقدار واجب را پوشانده است باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ را هم بپوشاند.

(مسأله ۶۰) موقعی که انسان قضای سجده یا تشهد فراموش شده را بجا می‌آورد، بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع سجده سهو هم باید خود را همانند وقتی که نماز می‌خواند بپوشاند.

(مسأله ۶۱) اگر نماز گزار عمدا عورت خود را بپوشاند نمازش باطل است، بلکه اگر از روی ندانستن مسأله هم باشد، چنانچه در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد، باید نمازش را دوباره بخواند، ولی اگر ندانستن او از روی داشتن عذری باشد؛ یعنی جاهل قاصر باشد نمازش صحیح است.

(مسأله ۶۲) اگر نماز گزار در بین نماز بفهمد جایی از بدن را که باید بپوشاند بپوشانده و پیدا بوده، احتیاط واجب آن است که فوراً آن را بپوشاند و نماز را تمام کند و دوباره هم بخواند، ولی چنانچه بعد از نماز بفهمد که

مسائل نماز

در بین نماز پیدا بوده نمازش صحیح است.

لباس نماز گزار

لباس نماز گزار دارای شش شرط است:

شرط اول: لباس نماز گزار باید پاک باشد، بنابراین اگر کسی از روی عمد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش باطل است.

(مسئله ۶۳) کسی که نمی دانسته با بدن و لباس نجس نماز باطل است و با آن حالت نماز خوانده، چنانچه توجه داشته و در یاد گرفتن مسئله کوتاهی کرده باشد نمازش باطل است و در غیر این صورت نیز بنا بر احتیاط نمازش را دوباره بخواند.

(مسئله ۶۴) کسی که در اثر ندانستن مسئله نجس بودن چیز نجسی را نمی دانسته و با آن نماز خوانده، چنانچه در یاد گرفتن مسئله کوتاهی کرده باشد نمازش باطل است و در غیر این صورت نیز بنا بر احتیاط نمازش را دوباره بخواند.

(مسئله ۶۵) کسی که پس از نماز متوجه نجس بودن بدن یا لباس خود شده نمازی که خوانده صحیح است و احتیاط مستحب آن است که اگر وقت مانده دوباره نماز را بخواند. و کسی که نجس بودن بدن یا لباس را می دانسته، ولی فراموش کرده، نمازهایی که خوانده باطل است و اگر وقت نماز گذشته بنا بر احتیاط واجب قضا نماید.

(مسئله ۶۶) اگر کسی در بین نماز متوجه شود که بدن یا لباس او نجس است و بعد از توجه چیزی از نماز را نخوانده باشد، یا بفهمد بدن یا لباس او نجس است و شك کند که همان وقت نجس شده یا قبلاً نجس بوده، یکی از دو صورت را دارد:

۱- صورتی که وقت نماز وسعت دارد و در این فرض نیز دو حالت وجود دارد:

الف: چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض کند یا بیرون آورد صورت نماز به هم می خورد یا اگر لباس را بیرون

مسائل نماز

آورد برهنه می ماند، باید نماز را رها کند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند.
ب: چنانچه به گونه ای باشد که صورت نماز به هم نمی خورد، باید بدن یا لباس را تطهیر و یا عوض نموده و نماز را تمام کند و نمازش صحیح است.

۲- صورتی که وقت نماز تنگ است و در این فرض هم دو حالت وجود دارد:

الف: چنانچه آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس صورت نماز را به هم می زند، باید با همان حال نماز را بخواند و نماز او صحیح است، ولی در صورتی که لباس او نجس بوده احتیاطاً قضای نماز را هم بجا آورد.
ب: چنانچه به گونه ای باشد که صورت نماز به هم نمی خورد، باید بدن یا لباس را آب بکشد و یا عوض کند و نماز را تمام نماید.

(مسئله ۶۷) کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد و قبلاً نیز یقین به نجاست آن نداشته و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده است، چنانچه بدون تفحص نماز خوانده بنا بر احتیاط، نماز خود را دوباره بخواند و اگر بعد از تفحص نماز خوانده نمازش صحیح است.
(مسئله ۶۸) اگر لباس را خودش آب بکشد و یقین کند که پاک شده و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده است، نمازش صحیح است.

(مسئله ۶۹) اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست مثلاً یقین کند که خون پشه است، چنانچه بعد از نماز بفهمد از خونهایی بوده که نمی شود با آن نماز بخواند، بنا بر احتیاط نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(مسئله ۷۰) هر گاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح می باشد، مثلاً یقین کند که خون زخم یا دمل است، چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، بنا بر احتیاط نماز را دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسائل نماز

(مسئله ۷۱) اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و در حال فراموشی بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است، ولی اگر بدنش با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و بدون اینکه خود را آب بکشد غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است. و نیز اگر جایی از اعضای وضو با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و پیش از آنکه آنجا را آب بکشد وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل می‌باشد.

(مسئله ۷۲) کسی که یک لباس دارد اگر بدن و لباس او هر دو نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشد، چنانچه به واسطه سرما یا مانند آن نتواند لباس را بیرون آورد باید بدنش را آب بکشد و در لباس نجس نماز بخواند. و اگر می‌تواند لباسش را بیرون آورد، پس در صورتی که وقت نماز وسعت دارد بنا بر احتیاط دو نماز بخواند: یکی در لباس نجس و یکی بدون لباس و اگر وقت تنگ است با همان لباس نجس نماز بخواند و احتیاطاً قضای آن را هم بجا آورد.

شرط دوم: لباس نماز گزار بنا بر احتیاط واجب باید مباح باشد، بنابراین کسی که می‌داند پوشیدن لباس غضبی حرام است چنانچه از روی عمد با لباس غضبی یا لباسی که نخ یا دکمه و یا چیز دیگر آن غضبی است نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بجا آورد.

(مسئله ۷۳) نماز کسی که غضبی بودن لباس را نمی‌دانسته یا فراموشی کرده و یا مثلاً برای حفظ جان خود در لباس غضبی نماز خوانده صحیح است، ولی اگر خودش آن لباس را غضب نموده باشد و فراموش کرده یا نداند که لباس غضبی نماز را باطل می‌کند، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را بجا آورد.

(مسئله ۷۴) اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده، و از مال

مسائل نماز

دیگری نیز آن را ادا نکرده، لباس بخرد یا آن را نسیه خریده باشد، ولی قصد دارد بدهی خود را از همان پول بدهد، بنا بر احتیاط واجب نماز خواندن در چنین لباسی باطل است.

(مسئله ۷۵) اگر چیز غصبی - مانند قلم یا پول - همراه او باشد و نماز خواندن با آن تصرف در آن چیز به حساب آید، بنا بر احتیاط واجب نمازش را دوباره بجا آورد.

شرط سوم: لباس نمازگزار باید از اجزای دارای روح حیوان مُرده‌ای که خون جهنده دارد^۱ نباشد، بلکه بنا بر احتیاط واجب از اجزای دارای روح حیوان مُرده‌ای که خون جهنده ندارد، مثل ماهی و مار، نیز نباشد. خواه در لباس او به کار رفته باشد یا همراه او باشد.

(مسئله ۷۶) چیزهایی نظیر مو و پشم مردار حلال گوشت که روح ندارد چنانچه همراه نمازگزار بوده یا در لباس او به کار رفته باشد اشکال ندارد.

شرط چهارم: لباس نمازگزار باید از اجزای حیوانات حرام گوشت نباشد، همچنین نباید از اجزای حیوان حرام گوشت، مانند موی گربه، به بدن یا لباس نمازگزار چسبیده باشد و یا اینکه همراه او باشد، هر چند، بنا بر احتیاط، آن حیوان خون جهنده نداشته باشد.

(مسئله ۷۷) اگر آب دهان یا بینی و یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت، مانند گربه، بر بدن لباس نمازگزار باشد، چنانچه تر باشد نماز باطل است و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد نماز صحیح است.

(مسئله ۷۸) اگر مو یا عرق و یا آب دهان انسان دیگری بر بدن یا لباس نمازگزار باشد اشکال ندارد.

(مسئله ۷۹) اگر نمازگزار شک داشته باشد که لباسش از اجزای حیوان

۱. یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن بجهد.

مسائل نماز

حلال گوشت است یا حرام گوشت، چه در داخل کشور اسلامی تهیه شده باشد یا در خارج از آن، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

(مسئله ۸۰) اگر با لباسی که نمی‌دانسته از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند نمازش صحیح است، ولی چنانچه می‌دانسته و فراموش کرده باشد بنا بر احتیاط آن نماز را دوباره بخواند.

(مسئله ۸۱) نماز خواندن با پوست و کُرک خز اشکال ندارد، ولی با پوست سنجاب محل اشکال است.

شرط پنجم: اگر نماز گزار مرد است لباس او نباید طلا باف باشد و نماز مرد با لباس طلا باف باطل است، بلکه پوشیدن لباس طلا باف برای مرد مطلقاً، چه در نماز باشد یا غیر نماز، حرام است.

(مسئله ۸۲) زینت کردن به طلا مانند آویختن طلا به گردن، انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت طلا به دست برای مردان، حرام و نماز خواندن با آن نیز بنا بر احتیاط باطل است و احتیاط واجب آن است که از عینک طلا هم استفاده نکنند، ولی زینت کردن به طلا برای زنان، چه در نماز یا غیر آن، اشکال ندارد.

(مسئله ۸۳) اگر از عینک یا انگشتر طلا در حال نماز استفاده نکند، بلکه فقط همراه داشته باشد، مثلاً در جیب خود بگذارد اشکال ندارد.

(مسئله ۸۴) زینت کردن مردان به انگشتر پلاتین و امثال آن که از طلا ساخته نشده باشند اشکال ندارد، همچنین گذاشتن دندان طلا، در صورتی که ظاهر نباشد برای مرد اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.

(مسئله ۸۵) اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتر یا لباسش از طلاست و با آن نماز بخواند نمازش صحیح است، همچنین اگر نداند که نماز خواندن در لباس طلا باف، حرام و موجب بطلان نماز است و با آن نماز بخواند، چنانچه در یاد گرفتن مسئله کوتاهی نکرده باشد نمازش صحیح است.

مسائل نماز

شرط ششم: اگر نمازگزار مرد است نباید لباس او از ابریشم خالص باشد و در غیر نماز نیز پوشیدن آن برای مرد حرام است، حتی اگر آستر لباس یا جزئی دیگر از لباس او از ابریشم خالص باشد بنا بر احتیاط واجب پوشیدن آن برای مرد حرام و نماز در آن باطل است. بلکه زن نیز بنا بر احتیاط در لباس ابریشم نماز نخواند، ولی می‌تواند در غیر نماز لباس ابریشمی بپوشد.

(مسئله ۸۶) کسی که نمی‌داند لباسش از ابریشم است یا چیز دیگر می‌تواند آن را بپوشد و در آن نماز بخواند.

(مسئله ۸۷) پوشیدن لباس غصبی، ابریشم خالص، طلا باف و لباسی که از اجزای حیوانات مُرده تهیه شده در حال ضرورت و ناچاری اشکال ندارد و کسی که ناچار است و لباس دیگری غیر از اینها ندارد و تا آخر وقت هم ناچاری او از بین نمی‌رود، می‌تواند با این لباسها نماز بخواند.

(مسئله ۸۸) انسان باید از پوشیدن «لباس شهرت»؛ یعنی لباسی که در نظر عرف زننده است و از جهت زنندگی انگشت نما و موجب هتک باشد خودداری کند، ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

(مسئله ۸۹) احتیاط واجب آن است که مرد، لباس زنانه و زن، لباس مردانه در ملاء عام نپوشد، ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد. و چنانچه پوشیدن آن به طور موقت و برای یک هدف عقلایی باشد مانعی ندارد.

(مسئله ۹۰) کسی که ناچار است خوابیده نماز بخواند، چنانچه برهنه باشد و لحاف یا تشک او نجس یا از ابریشم خالص و یا از اجزای حیوان حرام گوشت باشد، احتیاط واجب آن است که خود را در نماز با آنها نپوشاند.

مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد:

(مسئله ۹۱) در سه صورت اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد نماز

او صحیح است:

مسائل نماز

اول - اگر بدن یا لباس نمازگزار به وسیله زخم، جراحت و یا دملی که در بدن اوست خون آلود شده، به شرط آنکه آب کشیدن زخم و تعویض پانسمان آن به طور معمول سخت و مشکل باشد، نماز با آن اشکال ندارد، ولی اگر زخم جزئی بوده و خیلی زود خوب می شود و آب کشیدن آن ضرر ندارد و آسان است، باید هنگام نماز آن را آب کشید، مگر آنکه مقدار خون آن از مساحت یک درهم کمتر باشد.

دوم - اگر لباس نمازگزار به خون کمتر از یک درهم یا بدن او بنا بر احتیاط به خون کمتر از یک نخود آلوده شود نماز با آن اشکال ندارد.

سوم - اگر نمازگزار در تمام وقت نماز غیر از نماز خواندن با لباس نجس راه دیگری نداشته باشد.

(مسأله ۹۲) در دو صورت اگر فقط لباس نمازگزار نجس باشد نماز او

صحیح است:

اول - اگر لباس کوچک یا هر چیز کوچک دیگری که همراه نمازگزار است، مانند: جوراب، دستمال، چاقو و انگشتر، نجس باشد، به شرط آنکه از مردار و حیوان حرام گوشت برای زن و مرد، و از ابریشم و طلا برای مرد ساخته نشده باشد. و ملاک در کوچکی لباس آن است که نتوان عورت را با آن پوشاند، ولی همراه داشتن دستمال بزرگ و نجسی که می توان عورت را با آن پوشانید در نماز محل اشکال است.

دوم - اگر لباس مادری که پرستار کودک است، با ادرار پسر بچه نجس شده باشد، به شرط آنکه لباس دیگری نداشته و بنا بر احتیاط توان به دست آوردن آن را نیز نداشته باشد، ولی در هر شبانه روز باید یک مرتبه آن را بشوید و بنا بر احتیاط واجب آن را برای اولین نماز بعد از نجس شدن آب بکشد. و نیز اگر بیشتر از یک لباس

مسائل نماز

دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد، چنانچه شبانه‌روزی یک مرتبه به دستوری که گفته شد همه آنها را آب بکشد کافی است.

(مسئله ۹۳) اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد به رطوبت زخم نجس شود، نماز خواندن با آن جایز نیست، ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می‌شود به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

(مسئله ۹۴) اگر از زخمی که داخل دهان و بینی و مانند آن است خونی به بدن یا لباس برسد و به اندازه یک درهم یا بیشتر باشد، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند. ولی نماز خواندن با خون بواسیر اشکال ندارد، اگر چه دانه‌هایش در داخل باشد.

(مسئله ۹۵) کسی که بدنش زخم است اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر، بنا بر احتیاط واجب با آن نماز نخواند، مگر اینکه کمتر از اندازه درهم باشد.

(مسئله ۹۶) چرک یا دارویی که معمولاً همراه زخم بوده و نجس می‌باشد حکم جراحات یا دمل را دارد.

(مسئله ۹۷) اگر چند زخم در بدن باشد، چنانچه طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود، تا وقتی که همه خوب نشده‌اند نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد، ولی چنانچه به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم جدا حساب شود، هر کدام که خوب شد و اندازه آن بیشتر از درهم بود باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.

(مسئله ۹۸) اگر به اندازه سر سوزنی از خون حیض یا خون حیوان حرام گوشت یا خون مردار، بلکه بنا بر احتیاط واجب از خون نفاس یا استحاضه و یا خون انسانی دیگر در بدن یا لباس باشد، نماز باطل است، ولی خونهای دیگر مثل خون بدن خود انسان یا خون حیوان حلال گوشت اگر

مسائل نماز

چه در چند جای بدن یا لباس باشد در صورتی که مجموع آن کمتر از درهم در لباس یا کمتر از نخود در بدن باشد، نماز خواندن با آن اشکال ندارد. و در صورتی که شک کند به این مقدار رسیده یا نه، چنانچه قبلاً به این اندازه نبوده نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

(مسأله ۹۹) خونی که به لباس بدون آستر می‌ریزد و به پشت آن می‌رسد یک خون حساب می‌شود، ولی اگر پشت لباس جداگانه خونی شود و دو خون به هم برسند و یکی شوند، بنا بر احتیاط واجب باید هر کدام را جدا حساب نمود، پس اگر مجموع آنها به قدر یک درهم باشد نماز در آن صحیح نیست.

(مسأله ۱۰۰) اگر خون به لباسی که آستر دارد بریزد و به آستر آن برسد و یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جداگانه حساب نمود.

(مسأله ۱۰۱) اگر خون لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد، در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند نماز با آن باطل است، بلکه اگر مجموع رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند نماز خواندن با آن اشکال دارد، مگر اینکه رطوبت خشک شود و عین آن برطرف گردد، همچنین است حکم بدنی که به کمتر از یک نخود خون آلوده شده و رطوبتی از خارج به آن رسیده باشد.

(مسأله ۱۰۲) اگر بدن یا لباس به چیزی غیر از خون نجس شود، گرچه کمتر از یک درهم یا یک نخود باشد نماز با آن باطل است، همچنین است اگر به آب یا چیز دیگری که با خون نجس شده باشد، نجس شود.

مستحبات و مکروهات در لباس نمازگزار:

(مسأله ۱۰۳) چند چیز در لباس نمازگزار مستحب است، از جمله: عمامه با تحت‌الحنک، پوشیدن عبا و لباس سفید، پوشیدن پاکیزه‌ترین

مسائل نماز

لباس‌ها، استعمال بوی خوش، دست کردن انگشتر عقیق و پوشاندن قدم‌های پا برای زنها.

(مسأله ۱۰۴) چند چیز در لباس نماز گزار مکروه است، از جمله: پوشیدن لباس سیاه یا چرک و یا تنگ، پوشیدن لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس.

مکان نماز گزار

مکان نماز گزار دارای شش شرط است:

شرط اول: آنکه مباح باشد، پس نماز در جای غضبی، گرچه روی فرش یا تخت غیر غضبی باشد، باطل است، ولی نماز زیر سقف و خیمه غضبی باطل نیست.

(مسأله ۱۰۵) نماز خواندن در ملک که منفعت آن مال دیگری است بدون اجازه صاحب منفعت باطل است، پس اگر صاحبخانه یا دیگری در خانه اجازه‌ای بدون اجازه مستأجر نماز بخواند نمازش باطل است، همچنین نباید بدون اجازه در ملک که دیگری حقی دارد نماز خواند، مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد که یک سوم مال او را به مصرفی برسانند، تا وقتی که یک سوم را جدا نکرده‌اند بنا بر احتیاط در ملک او نماز نخوانند.

(مسأله ۱۰۶) کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غضب کند و در آن نماز بخواند نمازش باطل است و باید در محل دیگر نماز خود را دوباره بخواند.

(مسأله ۱۰۷) کسی که در خانه یا ملک با دیگری شریک است، چنانچه سهم او جدا نباشد بدون اجازه شریکش نمی‌تواند در آن خانه یا ملک تصرف کند و نماز بخواند.

(مسأله ۱۰۸) کسی که با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملک بخرد، تصرف در آن ملک حرام و نماز او نیز در آن باطل است، همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر به ذمه بخرد، ولی در موقع خریدن

مسائل نماز

قصدهش این باشد که مالی که خمس یا زکاتش را نداده پردازد.

(مسئله ۱۰۹) اگر در جایی که نمی‌داند غصبی است یا غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است، ولی در صورتی که خودش غاصب بوده و بعد فراموش کرده باشد احتیاطاً نمازش را دوباره بخواند.

(مسئله ۱۱۰) اگر بداند جایی غصبی است ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است و در آنجا نماز بخواند، در صورتی که ندانستن او به واسطه کوتاهی در یاد گرفتن باشد بنا بر احتیاط واجب نماز او باطل است.

(مسئله ۱۱۱) تصرف در ملک میّتی که خمس یا زکات در مال اوست حرام و نماز در آن باطل است؛ مگر آنکه بدهکاری او را بدهند.

(مسئله ۱۱۲) میّتی که به مردم بدهکار است یا خمس و زکات بدهکار می‌باشد، در صورتی که بدهکاری به اندازه همه مال باشد، تصرف در ملک او حرام و نماز در آن باطل است، ولی تصرفات جزئی که برای برداشت میّت معمول است اشکال ندارد. و اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و ورثه تصمیم داشته باشند که بدهی او را پردازند، تصرفی که غیر از فروختن یا مصرف کردن مال باشد اشکال ندارد. بلکه با زیاد بودن مال میّت فروختن یا مصرف کردن بعضی از آن در صورتی که مانع از پرداخت بدهکاری نباشد نیز اشکال ندارد.

(مسئله ۱۱۳) اگر بعضی از وارثان میّت، صغیر یا دیوانه و یا غایب باشند، تصرف در ملک آنها حرام و نماز در آن باطل است، ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میّت معمول است اشکال ندارد.

(مسئله ۱۱۴) نماز خواندن در مسافرخانه یا جاهایی که برای واردین آماده است، در صورتی که اطمینان پیدا شود که صاحبش راضی است اشکال ندارد و در صورت عدم اطمینان مشکل است. و در غیر این قبیل جاها در صورتی می‌توان نماز خواند که مالک آن اجازه دهد یا حرفی بزند

مسائل نماز

که از آن معلوم شود برای نماز خواندن اجازه داده است، مثلاً اجازه دهد تا در ملک او بنشیند یا بخوابد که از اینها فهمیده می‌شود برای نماز خواندن هم اجازه داده است.

(مسأله ۱۱۵) در زمین‌های بسیار وسیعی که دور از ده و چراگاه حیوانات است، گرچه صاحبان آن راضی نباشند، نماز خواندن و نشستن و خوابیدن اشکال ندارد. و در زمین‌های زراعتی که نزدیک ده است و دیوار ندارد - اگر چه مالکین آنها صغیر و دیوانه باشند، نماز و عبور و تصرفات جزئی که مضر به محصول زمین نیست اشکال ندارد، ولی اگر یکی از صاحبانش ناراضی باشد بنا بر احتیاط تصرف در آن حرام و نماز باطل است.

شرط دوم: مکان نماز گزار باید آرام و بدون حرکت باشد، بنابراین نماز خواندن در وسائل نقلیه در حال حرکت که قهراً موجب حرکت زیاد و تکان خوردن انسان می‌شوند باطل است، مگر در حال ناچاری - مانند تنگی وقت - که در این صورت نیز باید تا جایی که می‌تواند و صورت نماز هم به هم نمی‌خورد هنگام حرکت و تکان خوردن چیزی نخواند و هر گاه وسیله نقلیه از سمت قبله برگشت نماز گزار نیز خود را به سمت قبله بچرخاند.

(مسأله ۱۱۶) در جایی که به واسطه احتمال باد و باران یا زیادی جمعیت و مانند آن اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، اگر به امید پیش نیامدن مانع و تمام کردن نماز شروع به نماز نماید اشکال ندارد و چنانچه به مانعی بر نخورد نمازش صحیح است.

شرط سوم: از جاهایی نباشد که ماندن یا ایستادن در آن و یا نشستن روی آن حرام است، بنابراین نباید زیر سقفی که در آستانه ویرانی است، یا روی فرشی که نام خدا یا آیات قرآن روی آن نوشته شده نماز بخواند و اگر خواند احوط آن است که دوباره بخواند.

(مسأله ۱۱۷) نماز خواندن روی قبور معصومین (ع) بلکه روی قبور

مسائل نماز

علما و بزرگان دین در صورتی که بی‌احترامی به آنان باشد حرام است و بنا بر احتیاط باید نماز خود را دوباره بخواند.

(مسئله ۱۱۸) نماز گزار نباید در مشاهد مشرفه جلوتر از قبر پیامبر (ص) و امامان (ع) در صورتی که بی‌احترامی باشد، بایستد، بلکه در صورتی هم که بی‌احترامی نباشد نایستد. و مساوی قبور آن بزرگواران نیز اگر موجب بی‌احترامی شود، نماز نخواند و چنانچه نماز خواندن بی‌احترامی باشد حرام است و بنا بر احتیاط واجب باید دوباره بخواند.

(مسئله ۱۱۹) اگر میان قبر یا ضریح مطهر و نماز گزار چیزی مانند دیوار فاصله شود به طوری که موجب بی‌احترامی نباشد، نماز خواندن اشکال ندارد، ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه‌ای که روی آن افتاده کافی نیست.

(مسئله ۱۲۰) بنا بر احتیاط مستحب، زن در هنگام نماز عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او کمی عقب‌تر از جای ایستادن مرد باشد و چنانچه مساوی یا جلوتر از مرد بایستد نمازشان کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط در ترک است، ولی اگر میان زن و مرد چیزی مانند دیوار یا پرده فاصله شود و یا میان آنها حداقل ده ذراع (پنج متر) فاصله باشد کراهت نماز آنان برطرف می‌شود. و بنا بر احتیاط باید میان زن و مرد کمی فاصله باشد هر چند به اندازه یک وجب. و در حکمی که گفته شد میان زن و مرد محرم و نامحرم فرقی نیست.

(مسئله ۱۲۱) بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت محل اشکال است و احتیاط در نماز نخواندن در آنجاست، ولی اگر یکی از آنها مشغول نماز باشد و دیگری که با او نامحرم است وارد شود، نماز اولی اشکال ندارد. و «مکان خلوت» به جایی می‌گویند که در معرض رفت و آمد نبوده و برای ارتباط آن دو در آنجا عرفاً مانع و رادعی در کار نباشد.

(مسئله ۱۲۲) نماز خواندن در جایی که صدای لهُو و لعب شنیده

می‌شود یا انسان در معرض گناه دیگری قرار می‌گیرد محل اشکال است.

شرط چهارم: مکان نماز گزار باید به گونه‌ای باشد که نماز گزار بتواند راست بایستد و هنگام رکوع و سجده به راحتی و به طور صحیح به رکوع و سجده رود و اگر ناچار شود در جایی که سقف آن کوتاه یا مکان آن کوچک است نماز بخواند، به گونه‌ای که نتواند راست بایستد یا جای رکوع و سجده نداشته باشد، باید به قدری که ممکن است قیام و رکوع و سجود را بجا آورد.

شرط پنجم: اگر مکان نماز گزار نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس نماز گزار برسد و او را نجس کند، مگر نجاستی باشد که در نماز بخشیده شده است.^۱

(مسأله ۱۲۳) جایی که نماز گزار پیشانی را بر آن می‌گذارد در هر حال باید پاک باشد، پس در صورتی که نجاست آن خشک هم باشد نماز باطل می‌شود و احتیاط مستحب آن است که مکان نماز گزار به طور کلی پاک باشد.

شرط ششم: جای پیشانی نماز گزار در حال عادی نباید از جای زانوهای او بیشتر از چهار انگشت بسته بالاتر یا پایین تر باشد و احتیاط واجب آن است که از جای سر انگشتان پا و دو کف دست او هم بیشتر از این مقدار پست تر یا بلندتر نباشد.

جاهایی که خواندن نماز در آن مستحب یا مکروه است:

(مسأله ۱۲۴) در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها «مسجد الحرام» است، بعد از آن «مسجد النبی (ص)» در مدینه و بعد «مسجد کوفه» و «مسجد بیت المقدس» و سپس «مسجد جامع» در هر شهر و بعد از آن «مسجد محله» است.

۱. به مسائل «۹۱» و پس از آن مراجعه شود.

مسائل نماز

(مسأله ۱۲۵) نماز در حرم مطهر امامان(ع) مستحب، بلکه بهتر از بسیاری از مسجدهاست و نماز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) برابر دویست هزار نماز است.

(مسأله ۱۲۶) زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نماز گزار ندارد مستحب است و همسایه مسجد چنانچه عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.^۱

(مسأله ۱۲۷) نماز خواندن در چند جا مکروه می‌باشد، از جمله: داخل حمام، مقابل انسان، مقابل عکس و مجسمه هر چیزی که روح دارد، مگر اینکه روی آن پرده بکشند و نیز در محلی که عکس باشد، مقابل آتش و چراغ، مقابل قبر و یا روی قبر و یا بین دو قبر و یا داخل قبرستان، همچنین در کوچه‌ها و خیابان‌ها اگر برای کسانی که عبور می‌کنند زحمت نباشد و چنانچه زحمت باشد حرام است.

(مسأله ۱۲۸) کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند یا کسی رو به روی اوست، مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد و اگر چوب یا ریشمانی هم باشد کافی است.

اذان و اقامه

اذان برای اعلان وقت نماز است و اقامه برای انجام و بجا آوردن نماز به جماعت است. بنابراین در نماز انفرادی اذان و اقامه خطاب به نفس انسان است و یا برای تبلیغ نماز جماعت می‌باشد.

(مسأله ۱۲۹) مستحب است نماز گزار پیش از شروع نمازهای واجب یومیه اذان و اقامه بگوید، خواه نماز گزار مسافر باشد یا نه و نماز قضا باشد یا ادا، ولی پیش از نماز عید فطر و قربان مستحب است به جای اذان و اقامه سه مرتبه «الصلوة» گفته شود و در نمازهای واجب دیگر، مانند نماز میت، سه

۱. احکام و مسائل پیرامون مسجد در مسائل «۱۸۸» کتاب الطهارة و پس از آن بیان شده است.

مسائل نماز

مرتبه «الصلوة» را به امید ثواب بگویند.

(مسئله ۱۳۰) مستحب است در روز اولی که بچه به دنیا می‌آید یا پیش از آنکه بند نافش بیفتد، در گوش راست او «اذان» و در گوش چپش «اقامه» بگویند.

(مسئله ۱۳۱) اذان، هجده جمله است: چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»،^۱ دو مرتبه: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»،^۲ دو مرتبه: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»،^۳ دو مرتبه: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ»،^۴ دو مرتبه: «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ»،^۵ دو مرتبه: «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»^۶ دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»^۷ و دو مرتبه: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».^۸

(مسئله ۱۳۲) اقامه، هفده جمله است؛ یعنی دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، از اول اذان و یک مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» از آخر آن کم می‌شود، و بعد از گفتن «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ»^۹ اضافه می‌گردد. (مسئله ۱۳۳) جمله «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ»^{۱۰} جزو اذان و اقامه نیست، ولی خوب است پس از «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» به قصد قربت گفته شود.

(مسئله ۱۳۴) نباید میان جمله‌های اذان و اقامه بیش از مقدار معمول فاصله شود و گرنه باید آن را از سر بگیرد.

۱. یعنی: «خدای متعال بزرگتر از آن است که توصیف شود».

۲. یعنی: «گواهی می‌دهم جز خدای یکتا خدای دیگری [سزاوار پرستش] نیست».

۳. یعنی: «گواهی می‌دهم که حضرت محمد بن عبدالله (ع) پیامبر و فرستاده خداست».

۴. یعنی: «بشتاب به سوی نماز».

۵. یعنی: «بشتاب به سوی رستگاری».

۶. یعنی: «بشتاب به سوی بهترین کردار [که نماز است]».

۷. یعنی: «خدای متعال بزرگتر از آن است که توصیف شود».

۸. یعنی: «گواهی می‌دهم جز خدای یکتا خدای دیگری [سزاوار پرستش] نیست».

۹. یعنی: «به تحقیق نماز برپا شد».

۱۰. یعنی: «گواهی می‌دهم که حضرت علی (ع) ولی خدا [بر همه خلق] است».

مسائل نماز

(مسئله ۱۳۵) انسان نباید بین اذان و اقامه فاصله بیندازد و اگر بیشتر از معمول فاصله به طوری که اذان گفته شده اذان این اقامه حساب نشود، مستحب است دوباره اذان و اقامه را بگوید، همچنین اگر بین «اذان و اقامه» و «نماز» به قدری فاصله اندازد که اذان و اقامه آن نماز حساب نشود، مستحب است دوباره برای آن نماز اذان و اقامه بگوید.

(مسئله ۱۳۶) اذان و اقامه باید به عربی صحیح و به ترتیبی که گفته شد پس از فرا رسیدن وقت نماز گفته شود.

(مسئله ۱۳۷) اذان باید پیش از اقامه گفته شود و اگر پس از آن بگویند صحیح نیست.

(مسئله ۱۳۸) مستحب است انسان هنگام گفتن اذان رو به قبله بایستد و با وضو یا غسل باشد و دست‌ها را به گوش بگذارد و صدا را بلند نماید و بکشد و بین جمله‌های اذان کمی فاصله بیندازد و بین آنها حرف نزند.

(مسئله ۱۳۹) انسان در اقامه باید ایستاده و با وضو و بنا بر احتیاط واجب رو به قبله و بدنش آرام باشد و مستحب است اقامه را از اذان آهسته‌تر بگوید و جمله‌های آن را به هم نچسباند، ولی به اندازه‌ای که بین جمله‌های اذان فاصله می‌اندازد، بین جمله‌های اقامه فاصله نیندازد.

(مسئله ۱۴۰) مستحب است بین اذان و اقامه یک قدم بردارد یا بنشیند یا سجده کند یا ذکر بگوید یا دعا بخواند یا قدری ساکت باشد یا حرفی بزند و یا دو رکعت نماز بخواند، ولی حرف زدن میان اذان و اقامه نماز صبح مستحب نیست، بلکه بعید نیست مکروه باشد. و نماز خواندن بین اذان و اقامه نماز مغرب را به امید ثواب بجا آورد یا اصلاً بجا نیاورد.

(مسئله ۱۴۱) مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می‌کنند عادل و وقت شناس بوده و صدایش بلند باشد و اذان را در جای بلند بگوید.

(مسئله ۱۴۲) اذان و اقامه نماز جماعت را باید مرد بگوید، ولی در جماعت زنان، اگر زن اذان و اقامه بگوید کافی است.

مسائل نماز

(مسأله ۱۴۳) در پنج نماز اذان ساقط می‌شود:

اول - نماز عصر روز جمعه که به دنبال نماز جمعه خوانده می‌شود. **دوم** - نماز عصر روز عرفه که روز نهم ذی حجه است در عرفات. **سوم** - نماز عشاء شب عید قربان، برای حجاجی که از عرفات عازم مشعرالحرام هستند. **چهارم** - نماز عصر و عشاء زن مستحاضه. **پنجم** - نماز عصر و عشاء کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و یا مدفوع خود جلوگیری کند.

در این پنج نماز، اذان در صورتی ساقط می‌شود که با نماز قبلی فاصله نشود یا فاصله کمی بین آنها باشد، بلکه در هر جا که بین دو نماز جمع می‌کنند بنا بر احتیاط برای نماز دوم اذان نگویند. و ظاهراً با خواندن نافله حاصل می‌شود.

(مسأله ۱۴۴) اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

(مسأله ۱۴۵) اگر برای خواندن نماز جماعت به مسجد رود و ببیند جماعت تمام شده، در صورتی که برای آن جماعت اذان و اقامه گفته باشند، بنا بر احتیاط واجب تا هنگامی که صفها به هم نخورده و جمعیت پراکنده نشده باشد نمی‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

(مسأله ۱۴۶) کسی که اذان و اقامه دیگری را می‌شنود مستحب است آن را تکرار کند، ولی بهتر است بجای «حَى عَلَى الصَّلَاةِ» تا «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» به امید ثواب «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید و نیز بهتر است اقامه را به امید ثواب تکرار نماید.

(مسأله ۱۴۷) کسی که اذان و اقامه دیگری را شنیده، چه با او گفته باشد یا نه، در صورتی که بین آن اذان و اقامه و نمازی که می‌خواهد بخواند زیاد فاصله نشده باشد، می‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.

(مسأله ۱۴۸) اگر پیش از گفتن اقامه شك کند که اذان گفته یا نه بنا

بگذارد که نگفته است، ولی اگر مشغول اقامه است و شک کند که اذان گفته یا نه گفتن آن لازم نیست.

واجبات نماز

(مسأله ۱۴۹) واجبات نماز یازده چیز است:

- ۱- قیام؛ یعنی ایستادن ۲- قرائت ۳- تشهد ۴- سلام ۵- ذکر
- ۶- ترتیب ۷- موالات؛ یعنی پی در پی بودن اجزای نماز.
- (مسأله ۱۵۰) از میان واجبات نماز پنج مورد آن رکن است:
- ۱- نیت ۲- تکبیره الإحرام ۳- قیام در موقع گفتن تکبیره الإحرام و قیام متصل به رکوع؛ یعنی ایستادن پیش از رکوع ۴- رکوع ۵- دو سجده.

(مسأله ۱۵۱) بنابر مشهور اگر نماز گزار از روی عمد یا اشتباه، رکنی از ارکان نماز را ترک کند و یا اضافه نماید، نمازش باطل می شود، اما در غیر رکن اگر از روی اشتباه ترک و یا اضافه کند نماز باطل نیست و فقط در صورت عمد نمازش باطل می شود، ولی باید توجه داشت که زیاد شدن نیت در نماز متصور نیست و زیاد شدن قیام بدون زیاد شدن تکبیره الإحرام یا رکوع ممکن نمی باشد و باطل شدن نماز به زیاد شدن تکبیره الإحرام از روی اشتباه محل اشکال است.

شرح واجبات و ارکان نماز

۱- نیت:

(مسأله ۱۵۲) «نیت»؛ یعنی تصمیم و اراده بر انجام کار و اگر انسان به کاری که انجام می دهد توجه داشته باشد قهراً نیت و اراده آن کار را خواهد داشت. انسان باید عبادات و از جمله نماز را به نیت قربت؛ یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا به زبان بگوید که مثلاً: «چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قربتاً إلى الله»، بلکه در نماز احتیاط که در موارد شک در رکعات خوانده می شود نباید به زبان

مسائل نماز

بگوید.

(مسأله ۱۵۳) انسان باید فقط برای انجام فرمان خدا نماز بخواند و انگیزه دیگری نداشته باشد، پس اگر برای ریا؛ یعنی نشان دادن به مردم باشد یا خدا و مردم، هر دو، را در نظر بگیرد نماز او باطل است، اما اگر ریا در قلب نمازگزار خطور نماید ولی تأثیری در عمل او نداشته باشد نماز او صحیح است.

(مسأله ۱۵۴) اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا بجا آورد نماز باطل می‌شود، چه آن قسمت واجب باشد مثل حمد و سوره و چه مستحب باشد مانند قنوت، بلکه اگر تمام نماز را برای خدا بجا آورد، ولی نشان دادن به مردم در جای مخصوص مثل مسجد، یا در وقت مخصوص مثل اول وقت و یا به طرز مخصوصی مثلاً با جماعت، نماز بخواند نمازش باطل نیست و این را تظاهر گویند و چه بسا مطلوب و مستحب باشد.

(مسأله ۱۵۵) تعیین شماره رکعت‌های نماز لازم نیست، ولی نمازگزار باید هنگام شروع نماز متوجه باشد نمازی را که قصد دارد بخواند نماز ظهر است یا عصر نماز قضاست یا ادا و نیز در مثل نماز صبح و نافله آن که تعیین هر کدام متوقف بر قصد و جوب یا استحباب می‌باشد باید نیت و جوب یا استحباب نماید.

(مسأله ۱۵۶) انسان باید از آغاز تا پایان نماز یا هر عبادت دیگر به نیت خود باقی باشد و اگر مثلاً در بین نماز چنان غافل شود که اگر از او پرسند نداند چه می‌کند نمازش باطل است.

۲ - قیام (ایستادن):

(مسأله ۱۵۷) «قیام هنگام گفتن تکبیرة الإحرام» و قیام پیش از رکوع که آن را «قیام متصل به رکوع» می‌نامند، رکن است، ولی قیام موقع خواندن حمد و سوره و قیام پس از رکوع رکن نیست و اگر از روی فراموشی ترک شود نماز صحیح است.

مسائل نماز

(مسأله ۱۵۸) واجب است نماز گزار پیش از گفتن تکبیرة الإحرام و پس از آن، مقداری بایستد تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گفته است.

(مسأله ۱۵۹) نماز گزار هنگام قیام باید راست بایستد و از خم شدن به اطراف خود پرهیزد.

(مسأله ۱۶۰) موقعی که نماز گزار ایستاده است، بنا بر احتیاط واجب باید بدنش آرام باشد و از تکیه کردن به دیوار یا عصا و یا چیز دیگر خودداری کند، ولی اگر از روی ناچاری و یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد اشکال ندارد.

(مسأله ۱۶۱) اگر در موقعی که ایستاده از روی فراموشی بدن را حرکت دهد، یا به طرفی خم شود و یا به جایی تکیه کند اشکال ندارد، ولی در قیام موقع گفتن تکبیرة الإحرام و قیام متصل به رکوع، اگر چه از روی فراموشی باشد، بنا بر احتیاط نماز را تمام کند و دوباره بخواند، هر چند در صورت تکیه دادن یا حرکت از روی فراموشی صحت نماز خالی از قوت نیست، مگر آنکه ایستادن صدق نکند.

(مسأله ۱۶۲) کسی که می تواند درست بایستد اگر پاها را خیلی گشاد بگذارد که به حال ایستادن معمولی نباشد، نمازش باطل است.

(مسأله ۱۶۳) احتیاط واجب آن است که در موقع ایستادن هر دو پا روی زمین باشد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا انداخته شود. و حرکت دستها و انگشتها اشکال ندارد، گرچه بنا بر احتیاط مستحب آنها را هم حرکت ندهند.

(مسأله ۱۶۴) اگر در بین خواندن حمد و سوره یا تسبیحات، بدن نماز گزار بی اختیار حرکت کند به طوری که از حالت آرام بودن خارج شود، احتیاط آن است که پس از آرام گرفتن دوباره، همان جمله ای را که در حال حرکت خوانده بخواند.

مسائل نماز

(مسأله ۱۶۵) اگر نماز گزار بخواهد در نماز کمی جلو یا عقب رود یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، بنا بر احتیاط واجب باید در آن حال چیزی نگوید.

(مسأله ۱۶۶) بنا بر احتیاط واجب، در موقع گفتن ذکرهای واجب نماز، بلکه هنگام گفتن ذکرهای مستحبی نماز، باید بدن بی حرکت و آرام باشد، ولی جمله «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» را باید در حال برخاستن بگوید.

(مسأله ۱۶۷) اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلاً هنگام رفتن به رکوع یا سجده تکبیر بگوید، چنانچه آن را به قصد ذکر خاصی که در نماز دستور داده‌اند بگوید، باید احتیاطاً نماز را دوباره بخواند، مگر اینکه به واسطه ندانستن مسأله بوده و در یاد گرفتن هم کوتاهی نکرده باشد، ولی چنانچه به این قصد نگوید، بلکه بخواهد ذکر گفته باشد نماز او صحیح است.

(مسأله ۱۶۸) تا هنگامی که نماز گزار بتواند ایستاده و بدون تکیه زدن نماز بخواند نماز در حال تکیه باطل است و تا زمانی که بتواند با ایستادن و تکیه زدن نماز بخواند نماز در حال نشسته باطل است و تا هنگامی که بتواند نشسته و بدون تکیه نماز بخواند نماز نشسته در حال تکیه باطل است و اگر بتواند نشسته و با تکیه بخواند نماز در حال خوابیده باطل است.

(مسأله ۱۶۹) کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده بجا آورد باید بایستد، و از حال ایستاده به رکوع رود و اگر نتواند باید رکوع را هم نشسته بجا آورد، همچنین کسی که خوابیده نماز می‌خواند اگر در بین نماز بتواند بنشیند باید مقداری را که می‌تواند، نشسته بخواند و نیز اگر می‌تواند بایستد باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته نباید چیزی بخواند.

مسائل نماز

(مسأله ۱۷۰) اگر در بین نماز از هر گونه ایستادن عاجز شود باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود باید بخوابد، ولی تا بدنش آرام نگرفته نباید چیزی بخواند.

(مسأله ۱۷۱) اگر نماز گزار به هیچ صورت نمی تواند بنشیند، باید به طوری که در احکام قبله گفته شد به پهلو راست، رو به قبله بخوابد و اگر نمی تواند، به پهلو چپ و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد، به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

(مسأله ۱۷۲) کسی که می تواند ایستد اگر بترسد که به واسطه ایستادن مریض شود یا ضرری به او برسد، می تواند نشسته نماز بخواند و اگر از نشستن هم بترسد می تواند خوابیده نماز بخواند.

(مسأله ۱۷۳) کسی که احتمال می دهد تا آخر وقت عذرش برطرف می شود و می تواند ایستاده نماز بخواند، باید احتیاطاً صبر کند و در آخر وقت برابر وظیفه خود عمل نماید، همچنین کسی که احتمال می دهد در آخر وقت می تواند نشسته نماز بخواند، در اول وقت به طور خوابیده نماز نخواند، ولی اگر نماز را در اول وقت بخواند به قصد اینکه چنانچه در آخر وقت عذرش برطرف شد دوباره بخواند و عذرش نیز باقی بماند، نماز صحیح است.

(مسأله ۱۷۴) کسی که دارای عذر است و همه نماز یا بعضی از آن را نشسته یا خوابیده خوانده، چنانچه در وقت نماز عذرش برطرف شود بنا بر احتیاط دوباره نماز را کامل بخواند.

(مسأله ۱۷۵) مستحب است نماز گزار در حال ایستادن، شانه ها را پایین بیندازد، دست ها را روی رانها بگذارد، انگشتها را به هم بچسباند، جای سجده را نگاه کند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد و با خضوع و خشوع نماز را بجا آورد.

۳ - تکبیرة الإحرام:

مسائل نماز

(مسأله ۱۷۶) گفتن «الله أكبر» در آغاز هر نماز، واجب و رکن است و باید دو کلمه «الله» و «اکبر» و نیز حروف آن پشت سر هم گفته شود، همچنین نماز گزار باید این دو کلمه را به عربی صحیح بگوید و اگر به عربی غلط یا ترجمه آن را بگوید کفایت نمی کند.

(مسأله ۱۷۷) بنا بر احتیاط تکبیرة الإحرام نماز را به کلمه‌ای که پیش از آن می گوید، مثلاً به اقامه یا دعایی که پیش از آن می خواند نچسباند.

(مسأله ۱۷۸) اگر نماز گزار بخواهد «الله أكبر» را به کلمه‌ای که بعد از آن می گوید مثلاً به «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بچسباند، بنا بر احتیاط «ر» «اکبر» را ضمه بدهد.

(مسأله ۱۷۹) هنگام گفتن تکبیرة الإحرام باید بدن آرام باشد، پس چنانچه از روی عمد در حال حرکت، تکبیرة الإحرام را بگوید نمازش را دوباره بخواند. و اگر از روی اشتباه حرکت کند احتیاطاً نماز را تمام کند و دوباره بخواند، هر چند در این حالت صحت تکبیر و نماز خالی از قوت نیست، مگر اینکه ایستادن صدق نکند.

(مسأله ۱۸۰) مستحب است هنگام گفتن تکبیرة الإحرام و تکبیرهای دیگر نماز دست‌ها را تا برابر گوش یا برابر صورت بالا ببرد.

(مسأله ۱۸۱) تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود و اگر به واسطه سنگینی گوش یا ناشنوایی و یا سر و صدای زیاد نمی شنود، باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود.

(مسأله ۱۸۲) کسی که لال است یا زبان او بیماری دارد به گونه‌ای که نمی تواند تکبیرة الإحرام را درست بگوید، باید هر طوری که می تواند بگوید و اگر بکلی توان گفتن آن را ندارد، باید از قلب خود بگذراند و برای تکبیر، با انگشت اشاره کند و اگر می تواند زبان را هم حرکت دهد.

(مسأله ۱۸۳) اگر بعد از گفتن تکبیرة الإحرام، شک کند که آن را صحیح گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده و شک کرده به شک

مسائل نماز

خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده بنا بر احتیاط واجب صورت خود را از قبله برگرداند و سپس تکبیر را اعاده نماید و اگر با همان تکبیر نماز را تمام کند و دوباره بخواند بهتر است.

۴ - قرائت:

(مسأله ۱۸۴) در رکعت اول و دوم نمازهای یومیه باید پس از تکبیرة الإحرام نخست، سوره حمد و سپس بنا بر احتیاط یک سوره کامل از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد خوانده شود، ولی چنانچه وقت نماز چندان تنگ باشد که اگر سوره را بخواند قسمتی از نماز در خارج وقت خوانده می‌شود و یا ناچار شود که سوره را نخواند، مثلاً بترسد که دزد یا درنده و یا چیز دیگری به او صدمه بزند، نباید سوره را بخواند و چنانچه در کاری زیاد عجله داشته باشد می‌تواند سوره را نخواند.

(مسأله ۱۸۵) در یک رکعت می‌تواند پس از حمد بیش از یک سوره بخواند، هر چند در نماز واجب کراهت دارد، بلکه احوط ترک است.

(مسأله ۱۸۶) ترتیب در خواندن حمد و سوره لازم است؛ یعنی باید اول حمد و پس از آن سوره را بخواند. پس اگر از روی عمد سوره را پیش از حمد بخواند نمازش باطل است و چنانچه از روی اشتباه سوره را پیش از حمد بخواند و در بین آن یادش بیاید، سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد سوره را از اول بخواند و اگر بعد از خواندن حمد یادش بیاید که سوره را قبلاً خوانده است، لازم نیست حمد را دوباره بخواند بلکه فقط سوره را دوباره بخواند.

(مسأله ۱۸۷) کسی که حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کرده و پس از رسیدن به رکوع متوجه شود، نمازش صحیح است و بنا بر احتیاط واجب باید پس از نماز برای هر کدام که فراموش کرده دو سجده سهو بجا آورد، ولی اگر پیش از آنکه برای رکوع خم شود یا پس از خم شدن و پیش از رسیدن به حد رکوع متوجه شود، باید حمد یا سوره و یا هر دو را -

مسائل نماز

هر کدام را که فراموش کرده - بخواند.

(مسأله ۱۸۸) در نمازهای واجب انتخاب هر یک از سوره‌های قرآن بجز چهار سوره‌ای که سجده واجب دارد^۱ بلا اشکال است و اگر نماز گزار عمدا یکی از این چهار سوره را بخواند، پس اگر آیه سجده را خوانده باشد، بنا بر احتیاط واجب سجده را انجام دهد و سپس بایستد و حمد و سوره را بخواند و نماز را تمام نماید و دوباره آن را بجا آورد و اگر به آیه سجده نرسیده، بنا بر احتیاط آن را رها کند و سوره دیگری بخواند و نماز را هم دوباره بجا آورد.

(مسأله ۱۸۹) اگر از روی اشتباه مشغول خواندن سوره‌ای شود که سجده واجب دارد، چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، بنا بر احتیاط آن سوره را رها کند و سوره دیگری بخواند؛ و چنانچه پس از خواندن آیه سجده بفهمد، بنا بر احتیاط واجب در بین نماز سجده آن را بجا آورد و آن سوره را تمام کند و یک سوره دیگر هم به قصد قربت مطلقه^۲ بخواند و به احتیاط مستحب پس از آن دوباره نماز خود را بخواند.

(مسأله ۱۹۰) اگر نماز گزار در حالی که نماز می‌خواند آیه سجده را بشنود به اشاره سجده کند و نمازش صحیح است، ولی بعد از نماز احتیاطا سجده را دوباره بجا آورد. و چنانچه در حال نماز آیه سجده را گوش دهد حکم آن نظیر جایی است که آیه سجده را از روی اشتباه بخواند که در مسأله پیش گفته شد.

(مسأله ۱۹۱) در نماز مستحبی خواندن سوره لازم نیست، اگر چه آن نماز به واسطه نذر کردن واجب شده باشد، مگر آنکه نماز متعارف بین مردم را نذر کرده باشد که در این صورت باید سوره را بخواند. و اگر در بعضی از نمازهای مستحبی مثل «نماز وحشت» که سوره مخصوصی دارد بخواند

۱. سوره‌هایی که سجده واجب دارند عبارتند از: «سجده»، «فصلت»، «نجم» و «علق».
۲. «قصد قربت مطلقه»؛ یعنی: به قصد تقرب به خداوند، بدون نیت وجوب یا استحباب.

مسائل نماز

به دستور آن نماز رفتار کرده باشد، باید همان سوره را بخواند.

(مسأله ۱۹۲) اگر پس از حمد، یکی از سوره‌های «توحید»^۱ یا «کافرون»^۲ را شروع کند، نمی‌تواند آن را رها کرده و سوره دیگری بخواند، ولی اگر سوره دیگری را شروع کند، تا هنگامی که به نصف نرسیده می‌تواند آن را رها کند و سوره دیگری بخواند.

(مسأله ۱۹۳) در نماز جمعه و نیز نماز ظهر روز جمعه مستحب است در رکعت اول، پس از حمد «سوره جمعه» و در رکعت دوم، پس از حمد «سوره منافقین» خوانده شود و اگر کسی مشغول یکی از اینها شود بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگری بخواند، هر چند به نصف سوره نرسیده باشد.

(مسأله ۱۹۴) اگر نماز گزار در نماز جمعه یا نماز ظهر جمعه از روی فراموشی به جای سوره «جمعه» و «منافقین» سوره دیگری را بخواند، گرچه سوره «توحید» یا «کافرون» باشد، تا به نصف نرسیده می‌تواند آن را رها کند و سوره «جمعه» یا «منافقین» را بخواند، ولی اگر از روی عمد سوره «توحید» یا «کافرون» را بخواند، اگر چه به نصف نرسیده باشد، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند رها کند.

(مسأله ۱۹۵) اگر مقداری از سوره را فراموش کند یا از روی ناچاری، مثلاً به واسطه تنگی وقت، نشود آن را تمام نماید، می‌تواند آن سوره را رها نموده و سوره دیگری بخواند، اگر چه از نصف گذشته باشد یا سوره «توحید» یا «کافرون» باشد.

(مسأله ۱۹۶) دو سوره «فیل» و «قریش» با هم، و نیز دو سوره «الضحی» و «انشراح» با هم در نماز بنا بر احتیاط یک سوره محسوب می‌شوند و باید با همان ترتیبی که در قرآن آمده و با گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» برای

۱. یعنی: سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...».

۲. یعنی: سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ...».

مسائل نماز

هر کدام خوانده شوند.

(مسأله ۱۹۷) سوره‌ای که نمازگزار می‌خواهد بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آن را به تیت همان سوره بگوید، پس نمی‌تواند اول «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بگوید و بعد سوره را انتخاب نماید و یا آن را به قصد سوره‌ای بگوید و سوره دیگری بخواند.

(مسأله ۱۹۸) بر زن و مرد نمازگزار واجب است که حمد و سوره نماز «ظهر» و «عصر» را آهسته بخوانند و بر مرد، واجب است حمد و سوره نماز «صبح» و «مغرب» و «عشا» را بلند بخواند و باید مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها بلند خوانده شود.

(مسأله ۱۹۹) زن می‌تواند حمد و سوره نماز «صبح» و «مغرب» و «عشا» را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود بنا بر احتیاط مستحب آهسته بخواند و اگر موجب تحریک نامحرم باشد، بنا بر احتیاط واجب است که آهسته بخواند.

(مسأله ۲۰۰) ملاک در بلند و آهسته بودن صدا تشخیص عرف و نیز دارای جوهره بودن آن است، بنابراین اگر صدا به اندازه‌ای آهسته باشد که تنها خود او می‌شنود و به نظر مردم بلند به حساب نمی‌آید هر چند جوهره داشته باشد کافی نیست و نیز اگر صدای او جوهره ندارد، گرچه دیگران هم بشنوند، آهسته محسوب می‌شود و در جاهایی که باید بلند خوانده شود کفایت نمی‌کند.

(مسأله ۲۰۱) اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند، مثلاً فریاد بکشد، نمازش باطل است.

(مسأله ۲۰۲) اگر از روی عمد در جایی که باید حمد و سوره را بلند بخواند آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند بلند بخواند، نمازش باطل می‌شود، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد نمازش صحیح است. و چنانچه در بین خواندن متوجه اشتباه خود شد لازم نیست

مسائل نماز

مقداری را که خوانده دوباره بخواند، هر چند احوط است.

(مسئله ۲۰۳) بر هر فرد مسلمان واجب است که همه کلمات نماز را به شکل صحیح یاد بگیرد و هنگام خواندن نیز صحیح ادا کند؛ و افرادی که کلمات را درست نیاموخته‌اند باید در فراگیری آن بکوشند و کسی که به هیچ وجه نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد در صورت امکان بنا بر احتیاط، کسی کلمات را به او تلقین نماید و گرنه هر طور که می‌تواند بخواند و بنا بر احتیاط مستحب در صورتی که برای او سخت نباشد نماز را به جماعت بجا آورد.

(مسئله ۲۰۴) اگر یکی از کلمات حمد و سوره را نداند یا عمداً آن را نگوید یا به جای حرفی دیگر بگوید، مثلاً بجای «ض»، «ز» بگوید، یا جایی را که باید بدون زیر و زبر خوانده شود، زیر و زبر دهد و یا تشدید را نگوید، نماز او باطل است.

(مسئله ۲۰۵) اگر زیر و زبر کلمه‌ای را نداند باید یاد بگیرد، ولی اگر کلمه‌ای را که وقف کردن آخر آن جایز است همیشه وقف کند، یاد گرفتن زیر و زبر آن لازم نیست.

(مسئله ۲۰۶) تسیحات اربعه و نیز ذکرهای رکوع، سجود و تشهد باید به عربی صحیح خوانده شود و اگر مثلاً نداند کلمه‌ای به «س» است یا به «ص» باید یاد بگیرد و چنانچه به دو صورت بخواند نمازش باطل است.

(مسئله ۲۰۷) اگر کلمه‌ای را صحیح بداند و در نماز همان طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده، اگر در یاد گرفتن صحیح آن کوتاهی کرده بنا بر احتیاط واجب دوباره نماز را بخواند و در صورتی که کوتاهی نکرده و تصادفاً اشتباه یاد گرفته نماز او صحیح است.

(مسئله ۲۰۸) اگر بعد از «الف» یا «واو» یا «یاء» همزه یا حرفی که ساکن است بیاید و در یک کلمه باشند و قبل از الف «فتحه» و قبل از واو «ضمه» و قبل از یاء «کسره» باشد، بنا بر احتیاط واجب باید این سه حرف را با

مسائل نماز

مدّ بخوانند؛ یعنی آن را حداقل به اندازه تلفظ دو «الف» بکشند. مثلاً در «وَلَا الضَّالِّينَ» الف آن را با مدّ بخوانند.

(مسأله ۲۰۹) احتیاط آن است که در نماز «وقف به حرکت» ننمایند و معنای وقف به حرکت آن است که زیر (کسره) یا زبر (فتحه) و یا پیش (ضمه) کلمه‌ای را بگویند و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله بیندازند، مثلاً بگویند: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و میم «الرَّحِيمُ» را کسره بدهند و بعد قدری فاصله داده و کلمه بعدی را بخوانند.

همچنین احتیاط مستحب آن است که «وصل به سکون» ننمایند و معنای وصل به سکون آن است که کلمه‌ای را بدون حرکت آخرش به کلمه بعدی وصل نمایند، مثلاً بگویند: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و میم «الرَّحِيمُ» را کسره ندهند و بلافاصله کلمه بعدی را بخوانند.

(مسأله ۲۱۰) نماز گزار در رکعت سوم و چهارم نماز می‌تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید؛ یعنی سه بار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». همچنین می‌تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند.

(مسأله ۲۱۱) اگر تسبیحات اربعه را بیشتر از سه مرتبه به قصد ذکر بگوید اشکال ندارد، ولی اگر به قصد آنچه در نماز دستور داده‌اند بگوید جایز نیست.

(مسأله ۲۱۲) بنابر احتیاط در تنگی وقت نیز تسبیحات اربعه را سه مرتبه بگوید.

(مسأله ۲۱۳) بنابر احتیاط واجب باید مرد و زن در رکعت سوم و چهارم نماز حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند و چنانچه به جای تسبیحات، حمد بخوانند بنابر احتیاط واجب حتی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آن را هم آهسته بگویند.

مسائل نماز

(مسأله ۲۱۴) کسی که نمی‌تواند تسبیحات را یاد بگیرد یا درست بگوید باید در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند.

(مسأله ۲۱۵) اگر در یکی از دو رکعت اول نماز به خیال اینکه دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید، چنانچه پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند و اگر در رکوع یا بعد از آن بفهمد نمازش صحیح است و بنابر احتیاط واجب برای ترک هر یک از حمد و سوره دو سجده سهو بجا آورد و بنابر احتیاط در هر دو صورت برای زیادی تسبیحات نیز دو سجده سهو بجا آورد.

(مسأله ۲۱۶) اگر در یکی از دو رکعت آخر نماز به خیال اینکه در دو رکعت اول است حمد بخواند، یا در دو رکعت اول نماز به گمان اینکه در دو رکعت آخر است حمد بخواند، چه پیش از رکوع بفهمد و یا بعد از آن، نمازش صحیح است.

(مسأله ۲۱۷) اگر در رکعت سوم یا چهارم بخواند حمد بخواند و بدون قصد تسبیحات به زبانش بیاید، یا بخواند تسبیحات بخواند و حمد به زبانش بیاید، باید آن را رها کرده و دوباره حمد یا تسبیحات را با قصد بخواند، ولی اگر عادتش خواندن همان چیزی بوده که به زبانش آمده و در قلبش نیز قصد آن را داشته، می‌تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است.

(مسأله ۲۱۸) کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم، تسبیحات بخواند اگر بدون قصد مشغول خواندن حمد شود، باید آن را رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات را با قصد بخواند.

(مسأله ۲۱۹) اگر نماز گزار در رکعت سوم یا چهارم شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، یکی از چهار صورت را دارد:

الف - چنانچه پیش از خم شدن به رکوع در حالی که مشغول استغفار نیست شک کند، باید حمد یا تسبیحات را بخواند.

مسائل نماز

ب - اگر به گمان اینکه تسیحات را خوانده مشغول استغفار شود و شک کند، بنا بر احتیاط تسیحات را بخواند.

ج - اگر در حالی که خم شده ولی هنوز به حد رکوع نرسیده شک کند، بنا بر احتیاط بایستد و حمد یا تسیحات را بخواند.

د - اگر در حال رکوع و یا بعد از آن چنین شکی نماید، به شک خود اعتنا نکند.

(مسأله ۲۲۰) هر گاه شک کند که کلمه‌ای را درست گفته یا نه، اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول نشده بنا بر احتیاط واجب آن کلمه را به طور صحیح بگوید. و اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول شده، چنانچه آن چیز رکن باشد، مثل اینکه در رکوع شک کند کلمه‌ای از سوره را درست گفته یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند. و اگر رکن نباشد باز هم می‌تواند به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر احتیاطاً برگردد و آن کلمه را به طور صحیح بگوید اشکال ندارد و اگر چند مرتبه شک کند باز می‌تواند بگوید اما اگر به حد وسواس برسد نباید بگوید و اگر بگوید بنا بر احتیاط نمازش را دوباره بخواند.

(مسأله ۲۲۱) مستحب است نماز گزار، کلمات حمد و سوره و تسیحات را شمرده بخواند و در حمد و سوره، آخر آیات را وقف نموده و به معنای آیات توجه نماید و پس از خواندن سوره لحظه‌ای صبر کرده و سپس تکبیر پیش از رکوع را بگوید یا قنوت بخواند.

(مسأله ۲۲۲) مستحب است نماز گزار در رکعت اول پیش از خواندن حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر، امام جماعت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید؛^۱ ولی در نماز فرادی بلند گفتن آن خالی از اشکال نیست. و اگر نماز را به

۱. ولی همان گونه که گذشت در نماز «صبح» و «مغرب» و «عشا» باید مردان تمام حمد و سوره را بلند بخوانند.

مسائل نماز

جماعت می‌خواند بعد از تمام شدن سوره حمد امام و اگر فردی می‌خواند پس از تمام شدن سوره حمد خودش، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

(مسئله ۲۲۳) مستحب است نماز گزار پس از خواندن سوره «توحید» - در رکعت اول باشد یا دوم - یک یا دو یا سه مرتبه بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا»؛ و این ذکر ارتباطی به قنوت ندارد و نباید پس از سوره‌های دیگر گفته شود.

(مسئله ۲۲۴) مستحب است در رکعت سوم و چهارم پس از خواندن تسیحات استغفار کند، مثلاً بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» یا «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

(مسئله ۲۲۵) مکروه است نماز گزار در تمام نمازهای یک شبانه‌روز سوره «توحید» را ترک کند، همچنین سوره‌ای را که در رکعت اول خوانده مکروه است در رکعت دوم بخواند، ولی اگر سوره «توحید» را در هر دو رکعت بخواند مکروه نیست.

۵ - رکوع:

(مسئله ۲۲۶) انسان باید در هر رکعت پس از حمد و سوره یا پس از خواندن تسیحات با قصد رکوع به طور معمول به طرف جلو به اندازه‌ای خم شود که کف دستها به سر زانوها برسد و بنا بر احتیاط دستها را به زانوها بگذارد.

(مسئله ۲۲۷) اگر به قصد کار دیگری غیر از رکوع، مثلاً برای کشتن جانور، خم شود، نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه باید بایستد و دوباره برای رکوع خم شود و به واسطه این عمل رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.

(مسئله ۲۲۸) کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد، مثلاً دستهای کوچک یا پاهایش بلندتر از معمول است، باید به اندازه متعارف مردم خم شود به گونه‌ای که بگویند رکوع کرده است.

مسائل نماز

(مسأله ۲۲۹) کسی که نشسته نماز می‌خواند باید برای رکوع به اندازه‌ای خم شود که اگر ایستاده رکوع می‌کرد کمرش را خم می‌نمود و بهتر است به قدری خم شود که صورتش نزدیک جای سجده برسد. و کسی که خوابیده نماز می‌خواند باید برای رکوع و سجده اشاره کند.

(مسأله ۲۳۰) هر گاه نتواند به اندازه رکوع خم شود باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند باید به هر اندازه می‌تواند خم شود و اشاره هم بنماید و اگر هیچ نتواند خم شود باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن در حال قیام با سر اشاره کند.

(مسأله ۲۳۱) کسی که در حال ایستاده می‌تواند برای رکوع با سر اشاره کند و در حال نشسته هم نمی‌تواند رکوع کند، ولی می‌تواند کمی خم شود، باید ایستاده نماز بخواند و احتیاط واجب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر می‌تواند برای رکوع خم شود.

(مسأله ۲۳۲) کسی که پس از خم شدن و رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن از رکوع سر بردارد و دوباره به قصد رکوع به اندازه رکوع خم شود، نمازش باطل است و باید دوباره بخواند.

(مسأله ۲۳۳) نماز گزار باید در رکوع «ذکر» بگوید و گفتن هر ذکری کافی است ولی احتیاط واجب آن است که اگر «سُبْحَانَ اللَّهِ» را خواست بگوید سه مرتبه بگوید و اگر غیر آن را خواست بگوید نیز سه مرتبه بگوید و از اندازه سه مرتبه: «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد و احوط آن است که تسبیحی را که بیان شد اختیار نماید.

(مسأله ۲۳۴) مستحب است نماز گزار در رکوع ذکر «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» را سه یا پنج یا هفت مرتبه، بلکه بیشتر بگوید، ولی در حال

مسائل نماز

بیماری، گفتن یک مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» کفایت می‌کند.

(مسئله ۲۳۵) ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود، همچنین باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و در ذکر مستحب نیز چنانچه آن را به قصد ذکر که برای رکوع دستور داده‌اند بگویند بنا بر احتیاط واجب آرام بودن بدن لازم است.

(مسئله ۲۳۶) اگر موقعی که ذکر واجب را می‌گویند بی‌اختیار یا از روی اشتباه به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود، بنا بر احتیاط واجب پس از آرام گرفتن بدن دوباره آن را به قصد قربت مطلقه^۱ بگویند، ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود اشکال ندارد.

(مسئله ۲۳۷) اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمداً ذکر رکوع را بگویند، در صورتی که به همین ذکر اکتفا کند نمازش باطل است، بلکه اگر دوباره در حال آرامش بدن ذکر را بگویند بنا بر احتیاط واجب نمازش را تمام کرده و دوباره بخواند.

(مسئله ۲۳۸) اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است و اگر از روی اشتباه سر بردارد، چنانچه پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده، باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگویند و اگر بعد از آنکه از حال رکوع خارج شد یادش بیاید نماز او صحیح است و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.

(مسئله ۲۳۹) اگر نتواند به مقدار ذکر واجب در رکوع بماند، چنانچه بتواند پیش از آنکه از حد رکوع بیرون رود ذکر را بگویند، باید در آن حال ذکر را تمام کند و اگر نتواند بنا بر احتیاط در حال برخاستن سه مرتبه

۱. یعنی: به قصد تقرب به خدای متعال، بدون نیت وجوب یا استحباب.

مسائل نماز

«سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید تا حداقل یکی از آنها در حال رکوع گفته شود.

(مسئله ۲۴۰) اگر به واسطه بیماری و مانند آن نتواند در رکوع آرام بگیرد نمازش صحیح است، ولی باید پیش از آنکه از حالت رکوع خارج شود ذکر واجب را بگوید.

(مسئله ۲۴۱) پس از تمام شدن ذکر رکوع باید راست بایستد و پس از آرام گرفتن بدن به سجده رود و اگر عمدا پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل می‌شود.

(مسئله ۲۴۲) اگر نمازگزار رکوع را فراموش کند، پس اگر پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید، باید بایستد و بعد به رکوع رود و اگر به حالت خمیدگی به رکوع برگردد نمازش باطل است. و اگر بعد از آنکه پیشانی به زمین رسید یا بعد از سجده اول و پیش از شروع سجده دوم یادش بیاید، بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دو سجده سهو برای سجده زیادی بجا آورد و دوباره هم نماز را بخواند.

(مسئله ۲۴۳) مستحب بلکه احوط است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر گوید و حتی الامکان ترک نشود و برای تکبیر، دستها را بلند کند و در رکوع پشت را صاف نگه دارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و بین دو قدم را نگاه کند و پیش از گفتن ذکر یا بعد از آن صلوات بفرستد و بعد از آنکه از رکوع برخاست و راست ایستاد در حال آرامی بدن بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».

(مسئله ۲۴۴) مستحب است در رکوع مرد زانوها را به عقب دهد، و زن دستها را از زانو بالاتر بگذارد و زانوها را به عقب ندهد.

۶ - سجود:

(مسئله ۲۴۵) نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب پس از رکوع دو سجده کند. و «سجده» آن است که پیشانی، کف

مسائل نماز

دو دست، سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پا را روی زمین قرار دهد. (مسأله ۲۴۶) لازم نیست تمام پیشانی روی زمین قرار گیرد، بلکه به اندازه‌ای که عرفاً سجده گفته شود کفایت می‌کند. و بنا بر احتیاط جای سجده از مقدار یک بند انگشت کمتر نباشد و بهتر است به مقدار یک درهم باشد و اگر همین مقدار متفرق بوده ولی نظیر دانه‌های تسبیح به هم اتصال داشته باشد اشکال ندارد.

(مسأله ۲۴۷) در یک رکعت دو سجده با هم یک رکن به حساب می‌آید، پس اگر نماز گزار در یک رکعت نماز واجب از روی عمد یا فراموشی دو سجده را ترک کند یا دو سجده دیگر اضافه نماید، نمازش باطل است.

(مسأله ۲۴۸) اگر عمداً یک سجده کم یا زیاد کند نماز باطل می‌شود، ولی اگر از روی فراموشی یک سجده کم کند یکی از دو صورت را دارد:

الف - اگر پیش از رسیدن به رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و آن را بجا آورد و سپس آنچه را خوانده دوباره بخواند و بنا بر احتیاط برای هر یک از ایستادن و ذکر بیجا دو سجده سهو بجا آورد.

ب - اگر پس از رسیدن به رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید بعد از نماز قضای آن سجده را بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو نیز انجام دهد.

(مسأله ۲۴۹) اگر پیشانی را عمداً یا اشتباهاً به زمین نگذارد سجده نکرده است؛ اگر چه جاهای دیگر به زمین برسد، ولی اگر پیشانی را به زمین بگذارد و اشتباهاً جاهای دیگر را به زمین نرساند یا اینکه ذکر نگوید سجده صحیح است.

(مسأله ۲۵۰) جای پیشانی نماز گزار نباید از جای زانوها و بنا بر احتیاط واجب از جای سر انگشت‌های پا بیش از حدود چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلندتر باشد، همچنین در زمین سر اشیب که سر اشیبی آن درست معلوم

مسائل نماز

نیست احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پا و سر زانوهای او از این مقدار پست تر یا بلندتر نباشد.

(مسئله ۲۵۱) باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می کند چیزی مانع نباشد. پس اگر مهر به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مهر نرسد سجده باطل است، ولی اگر رنگ مهر تغییر کرده باشد اشکال ندارد.

(مسئله ۲۵۲) مهر یا چیزی که بر آن سجده می کند باید پاک باشد، ولی اگر مثلاً مهر را روی فرش نجس بگذارد یا یک طرف مهر نجس و خشک باشد و پیشانی را به طرف پاک آن بگذارد اشکال ندارد.

(مسئله ۲۵۳) در سجده باید کف دستها را بر زمین بگذارد، ولی در حال ناچاری پشت دستها هم مانعی ندارد و اگر پشت دست ممکن نباشد باید مچ دست را بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند باید تا آرنج هر جا را که می تواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست گذاشتن بازو کافی است.

(مسئله ۲۵۴) در سجده بنا بر احتیاط باید سر دو انگشت بزرگ پا را بر روی زمین بگذارد و اگر روی دو انگشت بزرگ یا زیر آنها و یا فقط انگشتهای دیگر پا و یا روی پا را بر زمین بگذارد، یا به واسطه بلند بودن ناخن سر شست به زمین نرسد، نماز باطل است و کسی که به واسطه ندانستن مسئله، نمازهای خود را این طور خوانده، چنانچه در یاد گرفتن کوتاهی کرده بنا بر احتیاط واجب دوباره بخواند.

(مسئله ۲۵۵) اگر به طور غیر معمول سجده کند، مثلاً سینه و شکم را به زمین بچسباند یا پاها را دراز کند، اگر چه هفت عضوی که گفته شد به زمین برسد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.

(مسئله ۲۵۶) اگر در پیشانی، زخم یا مانند آن باشد چنانچه ممکن است باید با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر زخم تمام پیشانی را گرفته باشد به طوری که هیچ جای آن را نتواند بر زمین بگذارد، باید با یکی از دو

مسائل نماز

طرف پیشانی سجده کند و بنا بر احتیاط واجب، ابرو را هم بر زمین بگذارد، هر چند به تکرار نماز باشد و بنا بر احتیاط، طرف راست را بر چپ مقدم دارد و اگر ممکن نیست، با چانه و بینی و گرنه با هر جایی از صورت که ممکن است سجده کند و اگر به هیچ جایی از صورت نیز ممکن نیست با جلوی سر سجده نماید.

(مسأله ۲۵۷) کسی که نمی‌تواند پیشانی را بر زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است روی جای بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد. و اگر هیچ نمی‌تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند و اگر نتواند باید با چشمها اشاره نماید و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که اگر می‌تواند به قدری مهر را بلند کند که پیشانی را بر آن گذاشته و تا ممکن است کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بر زمین بگذارد و اگر با سر یا چشمها هم نمی‌تواند اشاره کند، باید در قلب خود نیت سجده نماید و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره کند.

(مسأله ۲۵۸) کسی که نمی‌تواند بنشیند باید ایستاده نیت سجده کند، و چنانچه می‌تواند، برای سجده با سر اشاره کند و اگر نمی‌تواند، با چشمها اشاره نماید و اگر این را هم نمی‌تواند در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

(مسأله ۲۵۹) اگر پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود چنانچه ممکن است نباید دوباره به جای سجده برساند، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه. و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد روی هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد باید به قصد

مسائل نماز

قربت مطلقه^۱ بگوید.

(مسئله ۲۶۰) جایی که انسان ناچار است تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز بجای دیگر برود ولی اگر بتواند بر حصیر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است طوری سجده کند که به زحمت نیفتد، نباید بر فرش و مانند آن سجده نماید.

(مسئله ۲۶۱) اگر بر چیزی که بدن روی آن آرام نمی گیرد سجده کند باطل است، ولی اگر روی تشک یا چیز دیگری که بعد از سر گذاشتن و مقداری پایین رفتن آرام می گیرد سجده کند اشکال ندارد.

(مسئله ۲۶۲) نماز گزار باید در سجده ذکر بگوید و گفتن هر ذکری کافی است، ولی احتیاط واجب آن است که اگر خواست «سُبْحَانَ اللَّهِ» را بگوید سه مرتبه بگوید، و اگر غیر آن را خواست بگوید نیز سه مرتبه بگوید و از اندازه سه مرتبه: «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد و احوط آن است که تسبیحی را که بیان شد اختیار نماید.

(مسئله ۲۶۳) مستحب است نماز گزار در سجده، ذکر «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» را سه یا پنج یا هفت مرتبه، بلکه بیشتر بگوید، ولی در حال بیماری گفتن یک مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» کفایت می کند.

(مسئله ۲۶۴) ذکر سجده باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود. همچنین باید به مقدار ذکر واجب بدن آرام باشد و در ذکر مستحب هم چنانچه آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده اند بگوید بنا بر احتیاط واجب آرام بودن بدن لازم است.

(مسئله ۲۶۵) اگر به واسطه بیماری و مانند آن نتواند در سجده آرام بگیرد نمازش صحیح است، ولی باید پیش از آنکه از حالت سجده خارج

۱. یعنی: به قصد تقرب به خداوند، بدون نیت وجوب یا استحباب.

مسائل نماز

شود ذکر واجب را بگوید.

(مسئله ۲۶۶) اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد عمداً ذکر سجده را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد نمازش باطل می‌شود.

(مسئله ۲۶۷) اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد از روی اشتباه ذکر سجده را بگوید، چنانچه پیش از آنکه سر از سجده بردارد بفهمد، باید دوباره در حال آرام بودن ذکر سجده را بگوید و اگر در حال آرام نبودن بدن اشتباه ذکر را گفته است بنا بر احتیاط دوباره ذکر را به قصد قربت مطلقه بگوید. و چنانچه بعد از آنکه سر از سجده برداشت بفهمد، نمازش صحیح است.

(مسئله ۲۶۸) اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، چنانچه بجز پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد.

(مسئله ۲۶۹) اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده از روی اشتباه پیشانی را از زمین بردارد، نمی‌تواند دوباره بر زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر یکی از شش عضو را - بجز پیشانی - اشتباه از زمین بردارد، باید بر زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

(مسئله ۲۷۰) اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و در همین حالت دوباره به سجده رود اشکال دارد و احتیاط شود و اگر در سجده اول، پیشانی خاک آلود شده باید برای سجده بعد خاک را برطرف نماید.

(مسئله ۲۷۱) هر گاه در حال سجده بفهمد چیزی مانند موی سر، بین پیشانی و مهر فاصله شده، نباید پیشانی را بلند نماید، بلکه باید به هر شکل ممکن چیزی را که فاصله شده برطرف نماید.

(مسئله ۲۷۲) بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشینند تا بدن آرام

مسائل نماز

گیرد و دوباره به سجده رود.

(مسئله ۲۷۳) بنا بر احتیاط در هر رکعت از نماز که تشهد ندارد باید بعد از سجده دوم قدری بی حرکت بنشیند و سپس برخیزد.
(مسئله ۲۷۴) سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می‌باشد و اینکه بعضیها مقابل قبر امامان (ع) پیشانی را به زمین می‌گذارند فقط در صورتی اشکال ندارد که برای خدا و شکر او باشد.
چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است:

(مسئله ۲۷۵) سجده بر زمین و چیزهای غیر خوراکی و غیر پوشاکی که از زمین می‌روید مانند چوب و برگ درخت صحیح است، گرچه مانند علف و کاه، خوراک حیوانات باشد. ولی سجده بر مواد پوشاکی و یا خوراکی انسان مانند گندم، جو، نان و نیز بر مواد معدنی مانند طلا و نقره و بنا بر احتیاط واجب بر عقیق و فیروزه و نظیر اینها باطل است، همچنین سجده بر چیزهایی که از نفت گرفته می‌شود صحیح نیست.

(مسئله ۲۷۶) سجده بر سنگ‌های معدنی مانند سنگ مرمر، سنگ‌های سیاه، سنگ آهک و سنگ گچ، آهک پخته، آجر و کوزه گلی هم اشکال ندارد، هر چند احوط ترک آن است.

(مسئله ۲۷۷) احتیاط واجب آن است که بر برگ درخت مو، چنانچه تازه باشد سجده نکنند.

(مسئله ۲۷۸) سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند صحیح است، ولی سجده بر داروهای خوراکی که از زمین می‌روید مانند گل بنفشه و گل گاو زبان بنا بر احتیاط صحیح نیست.

(مسئله ۲۷۹) سجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها یا در بعضی از اوقات معمول است و در شهرهای دیگر یا اوقات دیگر معمول نیست و نیز سجده بر میوه نارس صحیح نیست.

(مسئله ۲۸۰) اگر کاغذ از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته

مسائل نماز

شده باشد می‌توان بر آن سجده کرد، ولی سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال دارد.

(مسئله ۲۸۱) بهترین چیز برای سجده، تربت حضرت سیدالشهداء (ع) است و پس از آن، خاک و سپس سنگ و بعد از سنگ گیاه می‌باشد.

(مسئله ۲۸۲) اگر چیزی را که سجده بر آن صحیح است ندارد یا اگر دارد به دلیلی نمی‌تواند بر آن سجده کند بر پنبه یا کتان رشته نشده، و اگر نبود بر قیر و مواد معدنی دیگر و اگر نبود بر لباس خود و اگر لباس هم ندارد بر پشت دست سجده صحیح است و لباسی که از کتان یا پنبه باشد بر لباس‌های دیگر مقدم است.

(مسئله ۲۸۳) اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می‌کرده گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد، چنانچه وقت تنگ است باید به ترتیبی که در مسئله پیش گفته شد عمل نماید و اگر وقت وسعت دارد بنا بر احتیاط نماز را به ترتیبی که در مسئله پیش گفته شد تمام کند و آن را دوباره بخواند.

(مسئله ۲۸۴) هر گاه در حال سجده بفهمد پیشانی را بر چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است، اگر ممکن باشد باید پیشانی را از روی آن بر روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد و سر را بلند نکند و اگر ممکن نباشد بنا بر احتیاط بر هر چه ممکن است از معادن و لباس و غیر آنها سجده کند و نماز را تمام کرده و دوباره بخواند.

(مسئله ۲۸۵) اگر بعد از سجده و بلند کردن پیشانی بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است، بنا بر احتیاط واجب یک سجده بر چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد و نماز را هم دوباره بخواند.

مستحبات و مکروهات سجده:

(مسأله ۲۸۶) چند چیز در سجده مستحب است از آن جمله:

- ۱ - کسی که ایستاده نماز می‌خواند بعد از آنکه سر از رکوع برداشت و کاملاً ایستاد و کسی که نشسته نماز می‌خواند بعد از آنکه کاملاً نشست، برای رفتن به سجده «الله اکبر» بگوید و دستها را برای تکبیر بلند کند.
- ۲ - موقعی که مرد می‌خواهد به سجده برود ابتدا دستها را روی زمین قرار دهد و زن ابتدا زانوهای را بر زمین بگذارد.
- ۳ - بینی را بر مهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد.
- ۴ - در سجده دعا کند و از خدا حاجت بخواهد و مستحب است این دعا را بخواند:
«يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ أَرْزُقْنِي وَأَرْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ؛ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^۱.
- ۵ - در حال سجده انگشتان را به هم بچسباند و برابر صورت بگذارد به طوری که سر آنها رو به قبله باشد.
- ۶ - پس از سجده بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.
- ۷ - هنگامی که پس از هر سجده نشست و بدنش آرام گرفت «الله اکبر» بگوید و دستها را برای تکبیر بلند کند.
- ۸ - هنگامی که پس از سجده اول، بدنش آرام گرفت «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید.
- ۹ - برای رفتن به سجده دوم در حال آرامی بدن، دستها را بلند کند و «الله اکبر» بگوید.
- ۱۰ - سجده را طول دهد و در سجده صلوات بفرستد.

۱. یعنی: «ای بهترین کسی که از او سؤال می‌کنند و ای بهترین عطاکنندگان! روزی بده به من و عیال من از فضل خودت؛ پس به درستی که تو دارای فضل بزرگ هستی».

مسائل نماز

۱۱ - پس از سجده در حال نشستن دستها را روی رانها بگذارد.

۱۲ - هنگام برخاستن دستها را بعد از زانوها از زمین بردارد.

و برای سجده مستحبات دیگری نیز می‌باشد که در کتاب‌های مفصل آمده است.

(مسئله ۲۸۷) خواندن قرآن در سجده مکروه است و نیز مکروه است برای برطرف کردن گرد و غبار جای سجده را فوت کند و اگر در اثر فوت کردن دو حرف از دهان بیرون آید نمازش باطل می‌شود. و مکروهات دیگری هم در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

سجده واجب قرآن:

(مسئله ۲۸۸) در هر یک از سوره‌های: سی و دوم (سجده)، چهل و یکم (فصلت)، پنجاه و سوم (نجم) و نود و ششم (علق) یک آیه سجده واجب وجود دارد، هر گاه انسان یکی از این چهار آیه را بخواند یا به آن گوش دهد، باید فوراً سجده کند. و اگر فراموش نمود هر وقت یادش آمد باید سجده کند و نیز اگر گوش ندهد، ولی به گوش او بخورد بنا بر احتیاط سجده نماید.

(مسئله ۲۸۹) اگر آیه سجده را از بچه‌ای که خوبی و بدی را نمی‌فهمد یا از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد یا از رادیو و یا ضبط صوت بشنود، بنا بر احتیاط واجب سجده نماید، ولی اگر گوش بدهد، بدون اشکال واجب است سجده کند.

(مسئله ۲۹۰) اگر هنگام خواندن یکی از آیات سجده از دیگری هم بشنود بنا بر احتیاط واجب دو سجده بجا آورد.

(مسئله ۲۹۱) در بجا آوردن سجده واجب قرآن، وضو و غسل، رو به قبله بودن و پاک بودن بدن و لباس شرط نیست، ولی باید جای او غصبی نباشد و مواضع هفتگانه را بر زمین قرار دهد و پیشانی را بر روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد، بنا بر احتیاط واجب جای پیشانی او از

مسائل نماز

جای زانو‌ها و سر انگشتان بیش از چهار انگشت بسته‌تر نباشد و بنا بر احتیاط باید جای پیشانی پاک باشد و نیز عورت او پوشیده باشد، همچنین باید لباس او، در صورتی که سجده کردن تصرف در آن باشد، غضبی نباشد. (مسأله ۲۹۲) در بجا آوردن سجده واجب قرآن باید طوری عمل کند که بگویند سجده کرده است و بنا بر احتیاط ذکر بگوید، ولی ذکر خاصی معتبر نیست، گرچه بهتر است بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبُّ تَعْبُدًا وَ رِقًّا، لَا مُسْتَنْكِفًا وَ لَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

۷ - تشهد:

(مسأله ۲۹۳) نمازگزار باید در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و مستحب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نمازهای چهارم رکعتی، پس از سجده دوم بنشیند و در حالی که بدنش آرام است بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». و البته «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ» کفایت میکند.

(مسأله ۲۹۴) کلمات تشهد باید به عربی صحیح و به طوری که معمول است پشت سر هم گفته شود.

(مسأله ۲۹۵) اگر نمازگزار تشهد را عمدا نخواند، نمازش باطل است و اگر آن را فراموش کند و بایستد یکی از دو صورت را دارد:

الف - چنانچه پیش از رسیدن به رکوع متوجه شود، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و تسیحات یا حمد را بخواند و پس از سلام نماز بنا بر احتیاط برای هر یک از ایستادن بیجا و چیرهایی که خوانده - اگر خوانده باشد - دو سجده سهو بجا آورد.

مسائل نماز

ب - چنانچه در رکوع یا پس از آن متوجه شود، باید نماز را تمام کند و پس از سلام نماز بنا بر احتیاط، تشهد را قضا نماید و نیز برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو نیز بجا آورد.

(مسأله ۲۹۶) مستحب است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد و پیش از تشهد بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» یا بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ»؛ همچنین مستحب است دستها را بر رانها بگذارد و انگشتها را به یکدیگر بچسباند و به دامان خود نگاه کند، و پس از تمام شدن تشهد، چنانچه در رکعت آخر نباشد بگوید: «وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ أَرْفَعْ دَرَجَتَهُ».

۸ - سلام نماز:

(مسأله ۲۹۷) پس از تشهد رکعت آخر مستحب است نمازگزار در حالی که نشسته و بدنش آرام است بگوید: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»؛ و پس از آن واجب است بگوید: «الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» یا بگوید: «الْسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، ولی اگر این سلام را بگوید، احتیاط مستحب آن است که بعد از آن «الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» را هم بگوید.

(مسأله ۲۹۸) اگر نمازگزار از روی عمد، سلام واجب نماز را نگوید نمازش باطل است، ولی اگر آن را فراموش نماید و پس از اندک زمانی یادش آید یکی از سه صورت را دارد:

الف - اگر صورت نماز به هم نخورده و کاری که با نماز منافات دارد انجام نداده باشد، سلام را بگوید و نمازش صحیح است.

ب - اگر کاری که فقط عمدی آن نماز را باطل می کند از روی اشتباه انجام داده، مثلاً حرف زده باشد، سلام نماز را بگوید و دو سجده سهو نیز بجا آورد.

مسائل نماز

ج - اگر کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد و نماز را نیز دوباره بخواند.

(مسئله ۲۹۹) سلام نماز نیز باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود و بدن نماز گزار در حال گفتن سلام آرام باشد.

۹ - ذکر:

(مسئله ۳۰۰) نماز گزار باید در رکوع و سجده و تشهد «ذکر» بگوید و احکام هر کدام در جای خود بیان شده است.

(مسئله ۳۰۱) نماز گزار مخیر است بجز حمد و سوره و تسیحات که احکام آن گذشت، بقیه ذکرهای واجب یا مستحب نماز را، مثل: تکبیرة الإحرام، ذکر رکوع و سجده، قنوت، تشهد و سلام نماز را بلند یا آهسته بخواند.

۱۰ - ترتیب:

(مسئله ۳۰۲) «ترتیب» در نماز به این معناست که واجبات نماز را به همان ترتیبی که گفته شد انجام دهد، پس کسی که عمداً ترتیب نماز را به هم بزند، مثلاً حمد را پس از سوره یا سجده را پیش از رکوع انجام دهد نمازش باطل است.

(مسئله ۳۰۳) اگر رکنی از نماز را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است بجا آورد، یکی از دو صورت را دارد:

الف - اگر آنچه بعد از آن است و بجا آورده رکن باشد، مثلاً رکوع را فراموش کرده و دو سجده نموده باشد، نمازش باطل است.

ب - اگر آنچه بعد از آن است و بجا آورده رکن نباشد، مثلاً پیش از آنکه دو سجده کند تشهد بخواند، باید رکن را بجا آورد و آنچه را که از روی اشتباه پیش از آن خوانده دوباره بخواند و بنا بر احتیاط واجب برای هر زیاده، دو سجده سهو بنماید.

مسائل نماز

(مسأله ۳۰۴) اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و مشغول بعد از آن شود، یکی از دو صورت را دارد:

الف - اگر آنچه بعد از آن است و بجا آورده رکن باشد، مثلاً حمد را فراموش کرده و مشغول رکوع شده باشد، نمازش صحیح است و برای حمد فراموش شده بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو بنماید.

ب - اگر آنچه بعد از آن است و بجا آورده رکن نباشد، مثلاً حمد را فراموش کرده و سوره را خوانده باشد، چنانچه وقتی که مشغول رکن بعد شده یادش بیاید، باید بگذرد و نماز او صحیح است و برای هر واجب فراموش شده، بنا بر احتیاط واجب، دو سجده سهو بجا آورد و چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد، باید آنچه را فراموش کرده بجا آورد و بعد از آن چیزی را که از روی اشتباه جلوتر خوانده بخواند، و برای هر زیاده، بنا بر احتیاط واجب، دو سجده سهو بجا آورد.

(مسأله ۳۰۵) اگر سجده اول را به خیال اینکه سجده دوم است یا سجده دوم را به خیال اینکه سجده اول است بجا آورد، نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول، و سجده دوم او سجده دوم حساب می‌شود.

۱۱ - موالات:

(مسأله ۳۰۶) «موالات»؛ یعنی آنکه نمازگزار، کارهای نماز، مانند: رکوع، سجود و تشهد را پشت سر هم و بدون فاصله عرفی بجا آورد و چیزهایی را که در نماز می‌خواند به طوری که معمول است پشت سر هم بخواند، پس اگر موالات نماز را به هم بزند و ذکرها و قرائت و کارهای نماز را پشت سر هم انجام ندهد به طوری که از صورت نمازگزار بیرون رود، نمازش باطل است.

(مسأله ۳۰۷) اگر در نماز از روی اشتباه، میان حرفها یا کلمات فاصله بیندازد و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز به هم بخورد، ولی صورت کلمه یا قرائت یا ذکر از بین برود، چنانچه مشغول رکن بعد نشده باید آن

مسائل نماز

کلمات را دوباره به طور معمول بخواند، ولی اگر مشغول رکن بعد شده باشد نمازش صحیح است، مگر در تکبیره الإحرام.

(مسأله ۳۰۸) طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ موالات را به هم نمی‌زند.

قنوت:

(مسأله ۳۰۹) در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است «قنوت» خوانده شود، مگر در «نماز جمعه» که در رکعت اول، پیش از رکوع، و در رکعت دوم، پس از رکوع خوانده می‌شود و در «نماز وتر» که یک رکعت است و قنوت در همان رکعت خوانده می‌شود. و قنوت را در «نماز شفع» به امید ثواب بخواند. و در «نماز آیات» پنج قنوت مستحب است، و در «نماز عید فطر و قربان» بنا بر احتیاط واجب نه قنوت، به ترتیبی که در جای خود گفته خواهد شد خوانده می‌شود.

(مسأله ۳۱۰) نماز گزار باید در حال قنوت دستها را بلند کند و خوب است به امید ثواب، کف دو دست را برابر صورت بلند کند و در کنار هم به سوی آسمان نگه دارد و بجز شست بقیه انگشتها را به هم بچسباند و به کف دستها نگاه کند.

(مسأله ۳۱۱) در قنوت هر ذکری گفته شود، گرچه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد کافی است و بهتر است این ذکر خوانده شود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

(مسأله ۳۱۲) مستحب است نماز گزار قنوت را بلند بخواند، مگر در نماز جماعت که اگر امام جماعت صدای او را بشنود بلند خواندن آن مستحب نیست.

(مسأله ۳۱۳) اگر کسی عمدا قنوت را نخواند قضا ندارد، ولی اگر

مسائل نماز

فراموش کرده باشد، چنانچه پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود، یادش بیاید مستحب است بایستد و بخواند و اگر در رکوع یا پس از رکوع یادش بیاید، مستحب است پس از رکوع قضا نماید و چنانچه در سجده یا بعد از آن متوجه شود، مستحب است پس از سلام نماز آن را قضا نماید.

تعقیبات نماز:

(مسأله ۳۱۴) مستحب است نمازگزار پس از نماز، سجده شکر بجا آورد و همین اندازه که پیشانی خود را به قصد شکر بر زمین بگذارد کافی است، گرچه بهتر است در حال سجده صد مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه: «شُكْرًا لِلَّهِ» یا «شُكْرًا» و یا «عَفْوًا» بگوید. همچنین مستحب است هر گاه نعمتی به انسان می‌رسد یا بلایی از او دور می‌شود سجده شکر بجا آورد.

صلوات بر پیامبر اکرم (ص):

(مسأله ۳۱۵) مستحب است هر گاه انسان نام مبارک حضرت رسول اکرم (ص) مانند: «محمّد (ص)» و «احمد (ص)» و یا لقب و کنیه آن حضرت مانند: «مصطفی (ص)» و «ابوالقاسم (ص)» را به زبان آورد یا از کسی بشنود، گرچه در نماز باشد صلوات بفرستد و هنگام نوشتن هم مستحب است صلوات را بنویسد و نیز بهتر است هر وقت آن حضرت را یاد می‌کند صلوات بفرستد.

مبطلات نماز

دوازده چیز نماز را باطل می‌کند و به آنها «مبطلات نماز» می‌گویند:

اول - آنکه در بین نماز یکی از شرطهای صحت آن، مانند پوشش لازم برای زن و مرد از بین برود.

دوم - آنکه در بین نماز از روی عمد یا اشتباه و یا ناچاری چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثل اینکه بول از او بیرون آید.

مسائل نماز

(مسأله ۳۱۶) کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول یا مدفوع خود جلوگیری کند و در بین نماز از او خارج شود، چنانچه به دستوری که در احکام وضو^۱ گفته شد رفتار نماید نمازش باطل نمی‌شود و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد نمازش صحیح است.

(مسأله ۳۱۷) کسی که بی‌اختیار خوابش برده، چنانچه تمام شدن نماز را نداند و شک کند که بین نماز خوابش برده یا بعد از آن، باید نمازش را دوباره بخواند، ولی اگر تمام شدن نماز را بداند و شک کند که خواب در بین نماز بوده یا بعد از آن، نمازش صحیح است.

سوم - آنکه مانند بعضی از اهل سنت دستها را روی هم قرار دهد که بنابر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

(مسأله ۳۱۸) هر گاه برای ادب، دستها را روی هم بگذارد - اگر چه مثل اهل سنت نباشد - بنابر احتیاط واجب باید دوباره نماز را بخواند، ولی اگر از روی فراموشی یا ناچاری - مثل تقیه - یا برای کار دیگری، مثل خاراندن دست، دستها را روی هم بگذارد اشکال ندارد.

چهارم - آنکه پس از خواندن حمد «آمین» بگوید، ولی اگر از روی اشتباه یا تقیه باشد اشکال ندارد.

پنجم - آنکه از روی عمد، پشت به قبله نماید یا به سمت راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر از روی عمد به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است نمازش باطل می‌شود، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد.

(مسأله ۳۱۹) اگر از روی اشتباه در تشخیص قبله پشت به قبله نماز بخواند و در وقت نماز بفهمد نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته بنابر

۱. به مسائل «۳۰۳» تا «۳۰۸» کتاب الطهارة مراجعه شود.

مسائل نماز

احتیاط واجب قضا نماید و چنانچه از روی اشتباه به طرف راست یا چپ قبله نماز بخواند و در وقت بفهمد نماز را دوباره بخواند و اگر پس از وقت بفهمد قضا لازم نیست و اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده نماز او صحیح است.

(مسأله ۳۲۰) بعید نیست که مقصود از هر یک از «پشت به قبله» و «طرف راست» و «طرف چپ» آن، یک چهارم دایره باشد.

(مسأله ۳۲۱) اگر از روی عمد همه صورت را به گونه‌ای به طرف راست یا چپ قبله برگرداند که بتواند پشت سر را ببیند نمازش باطل است، بلکه اگر از روی اشتباه نیز همین کار را بکند بنا بر احتیاط واجب نماز باطل می‌شود، ولی اگر سر را کمی برگرداند، از روی عمد باشد یا اشتباه - نمازش باطل نمی‌شود، مگر اینکه صورت او از حد استقبال خارج شود.

ششم - آنکه از روی عمد کلمه‌ای را که در نماز نیست بگوید و از آن قصد معنا کند، اگر چه معنا نداشته باشد یا یک حرف باشد، بلکه اگر از آن معنایی را هم قصد نکند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند، ولی اگر از روی اشتباه بگوید نماز باطل نمی‌شود.

(مسأله ۳۲۲) سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن کلماتی مانند: آخ و آه چنانچه از روی عمد باشد نماز را باطل می‌کند.

(مسأله ۳۲۳) گفتن هر ذکری در تمام حالات نماز اشکال ندارد، همچنین اگر کلمه‌ای مانند «الله اکبر» را به قصد ذکر بگوید ولی در موقع گفتن آن صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد، اما اگر آن را به قصد اینکه چیزی را به دیگری بفهماند بگوید، اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد نماز باطل می‌شود.

(مسأله ۳۲۴) خواندن قرآن در نماز - بجز چهار سوره‌ای که سجده

مسائل نماز

واجب دارند^۱ - و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد، ولی احتیاط واجب آن است دعا را به عربی بگویند.

(مسئله ۳۲۵) اگر کلمه‌ای از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمدا یا از روی احتیاط چند مرتبه بگویند اشکال ندارد، به شرط آنکه به حد وسواس نرسد.

(مسئله ۳۲۶) نماز گزار در حال نماز نباید به کسی سلام کند، ولی اگر دیگری به وی سلام کند لازم است بلافاصله پاسخ دهد. و اگر از روی فراموشی یا عمد به اندازه‌ای جواب را تأخیر بیندازد که جواب آن سلام به حساب نیاید، چنانچه در نماز باشد نباید جواب دهد و اگر در نماز نباشد لازم نیست پاسخ دهد و در صورت تأخیر عمدی، گناه کرده ولی نمازش صحیح است.

(مسئله ۳۲۷) نماز گزار در حال نماز بنا بر احتیاط پاسخ سلام را به گونه‌ای دهد که مطابق سلام باشد و کلمه «سلام» در اول جمله قرار گیرد، مثلاً بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» یا «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» و اگر پاسخ را «عَلَیْكُمْ السَّلَام» بدهد صحیح نیست و در پاسخ سلام زن بگوید: «سَلَامٌ عَلَیْکَ»؛ یعنی کاف را بدون حرکت بگوید.

(مسئله ۳۲۸) باید جواب سلام را طوری بگویند که سلام کننده بشنود. ولی اگر سلام کننده ناشنوا باشد و انسان به طور معمول جواب او را بدهد کافی است و بنا بر احتیاط واجب اگر می‌تواند با حرکات لب یا اشاره بفهماند.

(مسئله ۳۲۹) نماز گزار در حال نماز می‌تواند جواب سلام را به قصد جواب بگوید و چنانچه به قصد دعا هم بگوید مانعی ندارد.

(مسئله ۳۳۰) اگر زن یا مرد نامحرم یا بچه‌ای که خوب و بد را

۱. سوره‌هایی که سجده واجب دارند عبارتند از: «سجده»، «فصلت»، «نجم» و «علق».

مسائل نماز

می فهمد به نماز گزار سلام کند نماز گزار باید جواب او را بدهد، ولی جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می کند واجب نیست. و احتیاط واجب آن است که در جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان ذمی بگوید: «سلام» یا «علیک».

(مسأله ۳۳۱) اگر کسی به نماز گزار غلط سلام کند، در صورتی که عرفاً سلام حساب شود بنا بر احتیاط جواب او را صحیح بدهد.

(مسأله ۳۳۲) اگر کسی به عده‌ای که در حال نمازند سلام کند پاسخ آن بر همه واجب است، ولی اگر یکی از آنان پاسخ دهد کافی است.

(مسأله ۳۳۳) اگر به عده‌ای سلام کند و کسی که بین آنها مشغول نماز است شک کند که سلام کننده قصد سلام به او را داشته یا نه، نباید جواب دهد، همچنین است اگر بداند قصد او را هم داشته، ولی دیگری جواب سلام را بدهد. ولی اگر بداند که قصد او را هم داشته و دیگری جواب ندهد باید جواب او را بدهد.

هفتم - آنکه عمداً با صدا بخندد، بلکه خنده صدادار سهوی هم اگر انسان را از صورت نماز گزار خارج نماید نماز را باطل می کند، ولی تبسم و لبخند نماز را باطل نمی کند.

(مسأله ۳۳۴) اگر نماز گزار برای جلوگیری از صدای خنده به خود بیچد و حالش دگرگون شود، مثلاً رنگش سرخ شود بنا بر احتیاط باید نماز را دوباره بخواند.

هشتم - آنکه برای کار دنیایی عمداً و با صدا گریه کند و اگر به اختیار خود بی صدا نیز گریه کند اشکال دارد، ولی اگر بی صدا و بدون اختیار به گریه افتاد و یا برای طلب حاجت مشروع دنیایی از خداوند گریه نماید اشکال ندارد. و چنانچه برای ترس از خدا و آخرت گریه کند - با صدا باشد یا بی صدا - نه تنها اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

نهم - آنکه کاری انجام دهد که انسان را از صورت نماز گزار خارج

مسائل نماز

کند؛ کم باشد یا زیاد، عمدا باشد یا از روی اشتباه و فراموشی، ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند - مثل اشاره کردن با دست - اشکال ندارد.

(مسئله ۳۳۵) اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند نمازش باطل می شود.

(مسئله ۳۳۶) اگر در بین نماز کاری انجام دهد یا مدتی ساکت شود و شک کند که نماز به هم خورده یا نه، نمازش صحیح است.

دهم - خوردن و آشامیدن اگر به گونه ای باشد که صورت نماز را بر هم زند و نگویند نماز می خواند، از روی عمد باشد یا فراموشی، نماز را باطل می کند.

(مسئله ۳۳۷) احتیاط واجب آن است که در نماز، هیچ چیز نخورد و نیشامد، چه موالات نماز به هم بخورد یا نه، و چه بگویند نماز می خواند یا نگویند.

(مسئله ۳۳۸) اگر در بین نماز، غذایی را که لای دندانها مانده فرو برد نمازش باطل نمی شود، ولی اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان بگذارد یا مانده باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود نمازش اشکال پیدا می کند.

یازدهم - شک در شماره رکعتهای نمازهای دو رکعتی، سه رکعتی و در دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی به گونه ای که در «شکیات نماز» گفته خواهد شد نماز را باطل می کند.

دوازدهم - اگر یکی از رکنهای نماز را از روی اشتباه یا عمد انجام ندهد یا آن را زیاد کند و یا چیزی را که رکن نیست از روی عمد کم یا زیاد نماید.

(مسئله ۳۳۹) اگر بعد از نماز شک کند در بین نماز کاری که نماز را باطل می کند انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.

چیزهایی که در نماز مکروه است

مسائل نماز

(مسأله ۳۴۰) مکروه است نماز گزار صورت را، به گونه‌ای که از سمت قبله برنگردد، کمی به راست یا چپ بگرداند^۱ و نیز مکروه است چشمها را ببندد، یا به طرف راست و چپ بنگرد، یا با ریش و دست خود بازی کند و انگشتها را داخل هم نماید، یا موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر برای شنیدن حرف کسی ساکت شود، بلکه هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد مکروه می‌باشد.

(مسأله ۳۴۱) هنگامی که انسان خواب‌آلود است و نیز هنگام خودداری از ادرار و مدفوع مکروه است نماز بخواند، همچنین پوشیدن جوراب تنگ که پا را فشار دهد در نماز مکروه است. و بجز موارد ذکر شده مکروهات دیگری هم در کتابهای مفصل گفته شده است.

مواردی که می‌توان نماز واجب را رها کرد

(مسأله ۳۴۲) بنابر احتیاط واجب رها کردن و به هم زدن نمازهای واجب در حال اختیار جایز نیست، ولی رها کردن آن در موارد زیر جایز، بلکه واجب می‌باشد:

- ۱- اگر حفظ جان خود انسان یا کسی که حفظ جان او واجب است بدون شکستن نماز ممکن نباشد.

- ۲- اگر حفظ مالی که نگهداری آن لازم است بدون شکستن نماز ممکن نباشد، ولی شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد مکروه است.

- ۳- اگر وقت نماز وسعت دارد و نماز گزار در بین نماز متوجه نجس بودن مسجد شود و به گونه‌ای باشد که اگر بخواهد در حال نماز مسجد را تطهیر کند نماز به هم می‌خورد، ولی چنانچه وقت تنگ و یا در اواخر نماز باشد به شکلی که ادامه دادن نماز به فوریت تطهیر مسجد لطمه نزند، نماز خود را تمام کند و بعد فوراً مسجد را تطهیر نماید.

- ۴- اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار در بین نماز طلب خود را

۱. و چنانچه از طرف قبله برگردد نمازش باطل می‌شود؛ چنانکه گذشت.

مسائل نماز

درخواست کند و نتواند در بین نماز طلب او را بدهد.
(مسأله ۳۴۳) کسی که باید نماز را بشکند چنانچه نماز را تمام کند معصیت کرده، ولی نماز او صحیح است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که دوباره بخواند.

شکیات نماز

(مسأله ۳۴۴) حکم گمان در هر جای نماز حکم یقین است، چه در رکعات نماز باشد یا در افعال آن و در دو رکعت اول نماز باشد یا دو رکعت آخر آن، هر چند در مظنه‌ای که در غیر دو رکعت آخر از نمازهای چهار رکعتی باشد خوب است بنا بر احتیاط مستحب نماز را تمام کند و دوباره بخواند. و حکم شک و سهو و گمان در نمازهای واجب یومیه و نمازهای واجب دیگر فرقی ندارد، مثلاً اگر در نماز آیات شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت، چون شک او در نماز دو رکعتی است نمازش باطل می‌شود.

(مسأله ۳۴۵) اگر در ابتدا گمانش به یک طرف بیشتر باشد ولی بعد، دو طرف در نظر او مساوی شود، باید به دستور شک عمل نماید و اگر در ابتدا دو طرف، در نظر او مساوی باشد و به طرفی که وظیفه اوست بنا بگذارد بعد گمانش به طرف دیگر برود، باید همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند.

(مسأله ۳۴۶) کسی که شک دارد گمانش به یک طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظر او مساوی است، چنانچه حالت گذشته‌اش را می‌داند بر طبق آن عمل کند و چنانچه نمی‌داند حکم شک بر آن جاری می‌شود.

(مسأله ۳۴۷) اگر شک او از بین برود و شک دیگری برایش پیش آید، باید به دستور شک دوم عمل نماید.

(مسأله ۳۴۸) شکیات نماز ۲۳ قسم است: هشت قسم آن شکهایی است که نماز را باطل می‌کند و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد و نه قسم دیگر آن

صحیح است و نماز گزار، نماز را به ترتیبی که گفته می شود تمام می نماید.

قسم اول - شکهایی که نماز را باطل می کنند:

(مسأله ۳۴۹) شکهایی که نماز را باطل می کنند از این قرارند:

۱ - شک در شماره رکعتهای نماز واجب دو رکعتی مانند: نماز صبح، نماز جمعه و نماز مسافر، ولی شک در شماره رکعتهای نماز مستحب دو رکعتی نماز را باطل نمی کند

۲ - شک در شماره رکعتهای نماز سه رکعتی (نماز مغرب).

۳ - آنکه در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا

بیشتر.

۴ - آنکه در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر.

۵ - شک بین دو رکعت و پنج رکعت، یا دو و بیشتر از پنج.

۶ - شک بین سه رکعت و شش رکعت، یا سه و بیشتر از شش.

۷ - شک در رکعتهای نماز به گونه ای که نداند چند رکعت خوانده

است.

۸ - شک بین چهار رکعت و شش رکعت، یا چهار و بیشتر از شش رکعت، پیش از تمام شدن سجده دوم، ولی اگر پس از سجده دوم چنین شک پیش آید، بنابر احتیاط واجب بنا را بر چهار گذاشته، نماز را تمام کند و پس از نماز دو سجده سهو بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

(مسأله ۳۵۰) اگر یکی از شکهای باطل کننده برای انسان پیش آید بنابر احتیاط واجب فوراً نماز را به هم نزنند، بلکه اول مقداری فکر کند اگر شک پا برجا شود به هم زدن نماز مانعی ندارد.

قسم دوم - شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد:

(مسأله ۳۵۱) اگر در بین نماز شک کند که یکی از کارهای واجب آن را انجام داده یا نه، مثلاً شک کند که حمد را خوانده یا نه، چنانچه

مسائل نماز

مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد نشده باید آنچه را که در انجام آن شک کرده بجا آورد و اگر مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد شده به شک خود اعتنا نکند.

(مسئله ۳۵۲) اگر در بین خواندن آیه‌ای شک کند که آیه پیش از آن را خوانده یا نه، یا وقتی آخر آیه‌ای را می‌خواند شک کند که اول آن را خوانده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

(مسئله ۳۵۳) اگر بعد از بلند شدن از رکوع یا سجود شک کند که کارهای واجب آن را، مانند ذکر یا آرام بودن بدن، انجام داده است یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

(مسئله ۳۵۴) اگر در حالی که به سجده می‌رود شک کند که رکوع را بجا آورده یا نه، یا شک کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه، بنابر احتیاط به شک خود اعتنا نکند ولی نماز را نیز دوباره بخواند.

(مسئله ۳۵۵) اگر در حال برخاستن شک کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید برگردد و بجا آورد و بنابر احتیاط تشهد را به قصد قربت مطلقه^۱ بجا آورد.

(مسئله ۳۵۶) کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند، اگر موقعی که حمد یا تسبیحات را می‌خواند شک کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و چنانچه پیش از آنکه مشغول حمد یا تسبیحات شود شک کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید بجا آورد. ولی چنانچه با توجه و التفات، نشستن یا خوابیدن را به جای ایستادن انجام داده و پیش از شروع در حمد یا تسبیحات شک کرده است، پس اگر در تشهد شک کرده آن را به قصد قربت مطلقه بجا آورد و نماز او صحیح است و اگر در سجده شک کرده آن را بجا آورد و نماز را تمام کرده و

۱. یعنی به قصد تقرب به خداوند، بدون نیت وجوب یا استحباب.

مسائل نماز

بنابر احتیاط واجب دوباره بخواند.

(مسأله ۳۵۷) اگر شك کند یکی از رکتهای نماز را بجا آورد یا نه، دو

صورت دارد:

الف - چنانچه مشغول کار بعد از آن نشده، مثلاً پیش از خواندن تشهد شك کند که دو سجده را بجا آورده یا نه، باید بجا آورد و چنانچه بعد یادش بیاید که آن رکن را انجام داده بوده، چون رکن زیاد شده نمازش باطل است.

ب - چنانچه مشغول کار بعد از آن شده، مثلاً مشغول خواندن تشهد است و شك کند دو سجده بجا آورده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند و اگر یادش بیاید که آن را انجام نداده، در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید بجا آورد؛ و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است. بنابراین اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید که دو سجده را انجام نداده، باید برگردد و بجا آورد و نمازش صحیح است و اگر در رکوع یا پس از آن یادش بیاید نمازش باطل است.

(مسأله ۳۵۸) اگر شك کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه،

دو حالت دارد:

الف - چنانچه مشغول کار بعد از آن نشده، مثلاً پیش از شروع سوره شك کند که حمد را خوانده است یا نه، باید آن را بجا آورد و اگر بعد از انجام آن یادش بیاید که آن را انجام داده بوده نمازش صحیح است.

ب - چنانچه مشغول کار بعد از آن شده، مثلاً مشغول خواندن سوره است و شك کند که حمد را خوانده یا نه، باید به شك خود اعتنا نکند و اگر یادش بیاید که آن را انجام نداده، در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش صحیح است. بنابراین اگر مثلاً در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده باید برگردد و بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است، ولی بعد از نماز بنابر احتیاط

مسائل نماز

واجب دو سجده سهو بجا آورد.

(مسأله ۳۵۹) اگر شك کند سلام نماز را گفته یا نه، یا شك کند درست گفته یا نه، چنانچه مشغول تعقیبات نماز یا مشغول نماز دیگر شده یا به واسطه انجام کاری که نماز را به هم می‌زند از حال نماز گزار بیرون رفته است به شك خود اعتنا نکند و اگر پیش از اینها شك کند، پس اگر در اصل گفتن سلام شك کرده باید سلام را بگوید و اگر در صحیح گفتن سلام شك کرده بنابر احتیاط واجب آن را بگوید.

(مسأله ۳۶۰) اگر پس از سلام نماز شك کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شك کند رکوع را بجا آورده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شك باطل باشد، مانند آنکه در نماز چهار رکعتی شك کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

(مسأله ۳۶۱) اگر پس از گذشتن وقت نماز شك کند که نماز را خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست، ولی اگر پیش از گذشتن وقت شك کند یا گمان کند که نخوانده، باید آن نماز را بخواند، بلکه اگر گمان کند که خوانده نیز آن را بجا آورد.

(مسأله ۳۶۲) اگر پس از گذشتن وقت شك کند که نماز را درست خوانده یا نه، به شك خود اعتنا نکند.

(مسأله ۳۶۳) کسی که بیش از مقدار متعارف شك می‌کند و حال او به گونه‌ای شده که معمولاً سه نماز پی در پی بدون شك بر او نمی‌گذرد «کثیر الشک» است و باید به شك خود اعتنا نکند، ولی اگر زیاد شك کردن او موقت و به دلیل ترس یا پریشانی و یا از روی خشم باشد کثیرالشک شمرده نمی‌شود.

(مسأله ۳۶۴) اگر کثیرالشک در بجا آوردن چیزی شك کند، چنانچه انجام آن نماز را باطل نمی‌کند باید بنا بگذارد که آن را بجا آورده است،

مسائل نماز

مثلاً اگر شك کند رکوع کرده یا نه، باید بنا بگذارد که رکوع کرده است. و چنانچه بجا آوردن آن، نماز را باطل می کند باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده است، مثلاً اگر شك کند که در یک رکعت یک رکوع کرده یا بیشتر، چون زیاد شدن رکوع نماز را باطل می کند باید بنا بگذارد که بیشتر از یک رکوع نکرده است.

(مسأله ۳۶۵) کسی که در یک چیز نماز زیاد شك می کند، چنانچه احوالاً در چیزهای دیگر نماز شك کند باید در آنها به دستور شك عمل نماید، مثلاً کسی که در بجا آوردن سجده زیاد شك می کند، اگر در انجام رکوع شك کند باید به دستور آن رفتار نماید؛ یعنی اگر ایستاده است رکوع را بجا آورد و اگر به سجده رفته اعتنا نکند، همچنین است اگر در نماز مخصوصی - مثلاً نماز ظهر - زیاد شك می کند، در صورتی که در نمازهای دیگر شك کند باید به دستور شك رفتار نماید.

(مسأله ۳۶۶) اگر نماز گزار شك کند که کثیرالشک شده یا نه، باید به دستور شك عمل نماید، ولی کثیرالشک تا هنگامی که یقین نکند به حال معمولی برگشته باید به شك خود اعتنا نکند.

(مسأله ۳۶۷) اگر کثیرالشک شك کند رکعی را بجا آورده یا نه و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید آن را انجام نداده، چنانچه مشغول رکن بعد نشده باید آن را بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است.

(مسأله ۳۶۸) اگر کثیرالشک شك کند چیزی را که رکن نیست بجا آورده یا نه و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را انجام نداده، چنانچه از محل بجا آوردن آن نگذشته؛ یعنی داخل رکن بعد نشده، باید برگردد و آن را انجام دهد و اگر از محل آن گذشته نمازش صحیح است و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.

(مسأله ۳۶۹) حکم کثیرالشک که نباید به شك خود اعتنا کند اختصاص به نماز دارد و در غیرنماز باید مطابق وظیفه شك عمل نماید، اما

مسائل نماز

اگر شك به حد وسواس برسد در هيچ عملي نبايد به آن توجه شود. (مسأله ۳۷۰) اگر امام جماعت در شماره ركتهای نماز شك كند، چنانچه مأوم يقين يا گمان داشته باشد و به امام جماعت بفهماند، امام بايد به آن عمل نموده و نماز را تمام نمايد و خواندن نماز احتياط لازم نيست، همچنين اگر مأوم در شماره ركتهای نماز شك كند و امام جماعت يقين يا گمان داشته باشد، بايد به شك خود اعتنا ننمايد.

(مسأله ۳۷۱) اگر در شماره ركتهای نماز مستحبي شك كند، چنانچه طرف بيشتري شك نماز را باطل مي كند بايد بنا را بر كمتربگذارد، مثلاً اگر در نافله صبح شك كند كه دو ركعت خوانده يا سه ركعت، بنا بگذارد كه دو ركعت خوانده است. و اگر طرف بيشتري شك نماز را باطل نمي كند، مثلاً شك كند كه دو ركعت خوانده يا يك ركعت، به هر طرف شك عمل نمايد نمازش صحيح است و بهتر است بنا را بر كمتربگذارد.

(مسأله ۳۷۲) كم شدن ركن بنا بر احتياط واجب، نماز نافله (نماز مستحبي) را باطل مي كند و در زياد شدن ركن نيز احتياط شود، پس اگر يكي از كارهای نافله را فراموش كند و موقعي يادش بيايد كه مشغول ركن بعد از آن شده، آن كار را انجام دهد و دوباره آن ركن را بجا آورد و نماز را نيز دوباره بخواند و يا نماز را رها كند و از سر بگيرد.

(مسأله ۳۷۳) اگر در يكي از كارهای نماز نافله شك كند - خواه ركن باشد يا غير ركن - چنانچه محل آن نگذشته آن را بجا آورد و اگر محل آن گذشته به شك خود اعتنا نكند.

(مسأله ۳۷۴) در نماز مستحبي بايد به ظن و گمان خود عمل كند، مثلاً اگر گمانش به يك ركعت مي رود احتياطاً يك ركعت ديگر بخواند.

(مسأله ۳۷۵) اگر در نماز نافله كاري كند كه براي آن در نماز واجب سجده سهو واجب مي شود يا يك سجده يا تشهد را فراموش نمايد، لازم نيست پس از نماز، سجده سهو يا قضای سجده يا تشهد فراموش شده را بجا

مسائل نماز

آورد، ولی می‌تواند به امید ثواب انجام دهد.

(مسأله ۳۷۶) اگر شك کند که نماز مستحبی را خوانده یا نه، چنانچه آن نماز وقت معین نداشته باشد یا وقت معین داشته باشد و پیش از گذشتن وقت شك کند، بنا بگذارد که نخوانده است، ولی چنانچه وقت معین داشته و پس از گذشتن وقت شك کند به شك خود اعتنا نکند.

قسم سوم - شکهای صحیح:

(مسأله ۳۷۷) در نه صورت اگر نماز گزار در شماره رکعتهای نماز چهار رکعتی شك نماید باید فوراً فکر کند، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شك پیدا نمود همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و در غیر این صورت به دستورهایی که گفته می‌شود عمل نماید. و آن نه صورت از این قرارند:

۱ - پس از سر برداشتن از سجده دوم شك کند دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، که باید بنا را بر رکعت سوم گذاشته یک رکعت دیگر بخواند و پس از سلام نماز بلافاصله و بدون انجام دادن کاری که نماز را باطل می‌کند بنا بر احتیاط واجب یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد.

۲ - پس از سر برداشتن از سجده دوم شك کند دو رکعت خوانده یا چهار رکعت؛ که باید بنا را بر رکعت چهارم گذاشته نماز را تمام کند و پس از سلام نماز بلافاصله دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

۳ - پس از سر برداشتن از سجده دوم شك کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت و یا چهار رکعت؛ که باید بنا را بر رکعت چهارم گذاشته نماز را تمام کند، و پس از سلام نماز بلافاصله دو رکعت نماز ایستاده و سپس دو رکعت نماز احتیاط نشسته بخواند.

و اگر پس از پایان ذکر سجده دوم و پیش از سر برداشتن از سجده دوم یکی از سه شك پیش آید، بنا بر احتیاط واجب به همین دستور عمل کرده و نماز را نیز دوباره بخواند.

مسائل نماز

۴ - پس از سر برداشتن از سجده دوم شك کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، که باید بنا را بر رکعت چهارم بگذارد و نماز را تمام کند و پس از نماز بلافاصله دو سجده سهو^۱ انجام دهد، ولی اگر پس از سجده اول یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم این شك برای او پیش آید، باید بنا بر احتیاط واجب به همین دستور عمل نماید و نماز را نیز دوباره بخواند.

۵ - شك کند سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، که در هر جای نماز باشد باید بنا را بر رکعت چهارم گذاشته و نماز را تمام کند و پس از آن بلافاصله یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد، گرچه بهتر است دو رکعت نشسته را بخواند.

۶ - در حال ایستاده شك کند در رکعت چهارم است یا پنجم، که باید بنشیند و نماز را با تشهد و سلام به پایان برد و سپس دستور شك بین سه و چهار را انجام دهد و بنا بر احتیاط دو سجده سهو برای ایستادن و دو سجده سهو هم برای ذکرهای بیجا انجام دهد.

۷ - در حال ایستاده شك کند در رکعت سوم است یا پنجم، که باید بنشیند و نماز را با تشهد و سلام به پایان برد و سپس دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و بنا بر احتیاط دو سجده سهو برای ایستادن و دو سجده سهو هم برای ذکرهای بیجا انجام دهد.

۸ - در حال ایستاده شك کند در رکعت سوم است یا چهارم یا پنجم، که باید بنشیند و نماز را با تشهد و سلام به پایان برد و پس از نماز بلافاصله دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت هم نشسته بجا آورد و بنا بر احتیاط دو سجده سهو برای ایستادن و دو سجده سهو برای ذکرهای بیجا انجام دهد.

۹ - در حال ایستاده شك کند در رکعت پنجم است یا ششم، که باید

۱. دستور سجده سهو در مسأله «۴۰۴» آمده است.

مسائل نماز

بنشینند و نماز را با تشهد و سلام به پایان برد و بلافاصله دو سجده سهو بجا آورد و بنا بر احتیاط دو سجده سهو دیگر هم برای ایستادن و دو سجده سهو برای ذکرهای بیجای دیگر انجام دهد. و بنا بر احتیاط مستحب مؤکد در چهار صورت آخر، نماز را نیز دوباره بخواند.

(مسأله ۳۷۸) اگر یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید بنا بر احتیاط واجب نباید نماز را بشکند و اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، مثل رو گرداندن از قبله، نماز را از سر گیرد نماز دومش هم باطل است، همچنین است بنا بر احتیاط واجب در صورتی که نماز احتیاط بر او واجب باشد و پیش از خواندن آن، نماز را از سر بگیرد، ولی در هر دو صورت اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند دوباره مشغول نماز شود نماز دومش صحیح است.

(مسأله ۳۷۹) اگر یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید چنانکه گفته شد باید فوراً فکر کند، ولی اگر چیزهایی که به واسطه آنها یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا می‌شود از بین نمی‌رود، چنانچه کمی بعد هم فکر کند اشکال ندارد، مثلاً اگر در سجده شک کند می‌تواند تا بعد از سجده فکر کردن را تأخیر بیندازد.

(مسأله ۳۸۰) اگر پیش از آنکه مشغول تشهد شود یا در رکعتی که تشهد ندارد پیش از ایستادن شک کند که دو سجده را بجا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شکهایی که بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است برایش پیش آید نمازش باطل است.

(مسأله ۳۸۱) کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید یک رکعت نشسته بجا آورد و نیز اگر شکی کند که باید برای آن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند باید به جای آن دو رکعت نشسته بجا آورد.

نماز احتیاط

(مسأله ۳۸۲) کسی که نماز احتیاط بر او واجب شده باید پس از سلام نماز بلافاصله نیت نماز احتیاط کند و تکبیره الاحرام بگوید و پس از آن فقط سوره حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده را بجا آورد، حال اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب بوده پس از سجده دوم تشهد را بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب بوده باید پس از سجده دوم یک رکعت دیگر بخواند و پس از تشهد سلام دهد و نماز را تمام کند.

(مسأله ۳۸۳) اگر نماز احتیاط و قضای یک سجده یا قضای یک تشهد یا دو سجده سهو بر او واجب شود، باید اول نماز احتیاط را بجا آورد. (مسأله ۳۸۴) اگر در شماره رکعتهای نماز شک کند به گونه‌ای که نماز احتیاط بر او واجب شود، ولی بعد از نماز شک او برطرف گردد، چند صورت دارد:

الف - اگر پیش از شروع در نماز احتیاط بفهمد نمازی که خوانده درست بوده، لازم نیست نماز احتیاط را بخواند و اگر در بین نماز احتیاط بفهمد لازم نیست آن را تمام نماید.

ب - اگر پیش از شروع در نماز احتیاط بفهمد رکعتهای نمازش کم بوده، چنانچه کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند انجام نداده باید آنچه را از نماز نخوانده بخواند و برای سلام بیجا دو سجده سهو بیجا بجا آورد و اگر سهوا کلام بیجایی هم گفته باشد دو سجده سهو نیز برای کلام بیجا بجا آورد. و چنانچه کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده باید نماز را دوباره بجا آورد.

ج - اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش به مقدار نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط بخواند و بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، نمازش صحیح است.

مسائل نماز

د- اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش کمتر از نماز احتیاط یا بیشتر از نماز احتیاط بوده، چنانچه کاری که نماز را باطل می کند بجا نیاورده بنا بر احتیاط واجب کسری نماز را به نماز متصل نموده و دو سجده سهو برای سلام بیجا انجام دهد و نماز را هم دوباره بخواند و چنانچه کاری که نماز را باطل می کند انجام داده فقط نماز را دوباره بخواند.

- - اگر در بین نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش بیشتر و یا کمتر از نماز احتیاط بوده، بنا بر احتیاط واجب نماز احتیاط را رها کند و کسری نماز را بجا آورد و دو سجده سهو برای سلام بیجا انجام دهد و نماز را هم دوباره بخواند.

و- اگر در بین نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش به اندازه نماز احتیاط بوده، بنا بر احتیاط واجب نماز احتیاط را تمام کند و نماز را هم دوباره بجا آورد.

(مسأله ۳۸۵) اگر شک کند نماز احتیاطی را که بر او واجب بوده بجا آورده یا نه، چنانچه وقت نماز گذشته است به شک خود اعتنا نکند. و اگر وقت دارد در صورتی که مشغول کار دیگری نشده و از جای نماز برنخاسته و کاری هم که نماز را باطل می کند انجام نداده است باید نماز احتیاط را بخواند و اگر مشغول کار دیگری شده یا کاری که نماز را باطل می کند بجا آورده و یا بین نماز و شک او زیاد طول کشیده است بنا بر احتیاط نماز احتیاط را بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند، هر چند در فرض اول اگر نماز احتیاط را بخواند و در فرض دوم و سوم اگر نماز را دوباره بخواند کافی است.

(مسأله ۳۸۶) اگر شک دارد که یکی از موارد وجوب نماز احتیاط برای او پیش آمده یا نه، لازم نیست آن را بجا آورد، ولی اگر احتیاطاً آن را انجام دهد اشکال ندارد.

(مسأله ۳۸۷) اگر موقعی که مشغول نماز احتیاط است در یکی از

مسائل نماز

کارهای آن شک کند، چنانچه محل آن نگذشته باید بجا آورد و اگر محلس گذشته باید به شک خود اعتنا نکند.

(مسئله ۳۸۸) اگر در شماره رکتهای نماز احتیاط شک کند بنا را بر بیشتر بگذارد و اگر طرف بیشتر شک نماز را باطل می کند بنا را بر کمتر بگذارد و آن را تمام نماید. و در هر دو صورت بنا بر احتیاط مستحب دوباره نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم از سر بگیرد.

(مسئله ۳۸۹) اگر بعد از سلام نماز احتیاط شک کند که یکی از اجزا یا شرایط آن را بجا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

(مسئله ۳۹۰) اگر در نماز احتیاط رکنی را زیاد کند یا مثلاً به جای یک رکعت دو رکعت بخواند نماز احتیاط باطل می شود و بنا بر احتیاط دوباره نماز احتیاط را بخواند و بعد اصل نماز را نیز بخواند، ولی چنانچه چیزی که رکن نیست از روی اشتباه کم یا زیاد شود نمازش صحیح است و بنا بر احتیاط دو سجده سهو هم بجا آورد.

(مسئله ۳۹۱) اگر در نماز احتیاط تشهد یا یک سجده را فراموش کند احتیاط واجب آن است که بعد از سلام نماز آن را قضا نماید و دو سجده سهو هم بجا آورد.

سجده سهو

(مسئله ۳۹۲) سجده سهو در دو مورد و مطابق دستوری که گفته خواهد شد، واجب می شود:

۱ - هر گاه در نماز چهار رکعتی پس از سجده دوم شک کند چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت.

۲ - هر گاه تشهد را فراموش نماید که پس از قضای آن باید دو سجده سهو بجا آورد.

همچنین در پنج مورد بنا بر احتیاط باید بعد از سلام نماز دو سجده سهو بجا آورد:

مسائل نماز

- ۱ - هر گاه در بین نماز از روی اشتباه حرفی بزند.
- ۲ - هر گاه بیجا سلام نماز را بگوید، مثلاً در رکعت اول از روی اشتباه سلام دهد.
- ۳ - هر گاه یک سجده را فراموش کند که بعد از قضای آن بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.
- ۴ - هر گاه جایی که باید بایستد از روی اشتباه بنشیند، یا جایی که باید بنشیند از روی اشتباه بایستد.
- ۵ - هر گاه از روی اشتباه چیزی به نماز اضافه و یا کم نماید.
- و احکام این موارد در مسائل آینده بیان می‌شود.
- (مسئله ۳۹۳) اگر انسان از روی اشتباه یا به خیال اینکه نمازش تمام شده حرف بزند بنا بر احتیاط واجب باید دو سجده سهو بجا آورد.
- (مسئله ۳۹۴) برای حرفی که از آه کشیدن، سرفه کردن و مانند آن پیدا می‌شود سجده سهو واجب نیست، ولی اگر مثلاً از روی اشتباه آه یا آخ بگوید بنا بر احتیاط واجب باید دو سجده سهو بجا آورد.
- (مسئله ۳۹۵) اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره به طور صحیح بخواند، برای دوباره خواندن آن سجده سهو لازم نیست.
- (مسئله ۳۹۶) اگر از روی اشتباه تسیحات اربعه را نگوید بنا بر احتیاط واجب پس از نماز دو سجده سهو بجا آورد.
- (مسئله ۳۹۷) اگر در جایی که نباید سلام نماز را بدهد از روی اشتباه بگوید: «الْسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» یا بگوید: «الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» یا مقداری از این دو سلام را بگوید بنا بر احتیاط واجب باید دو سجده سهو بجا آورد.
- (مسئله ۳۹۸) اگر در جایی که نباید سلام دهد از روی اشتباه هر سه سلام را بگوید دو سجده سهو کافی است.
- (مسئله ۳۹۹) اگر سجده سهو واجب را عمداً انجام ندهد گناه کرده و

مسائل نماز

واجب است هر چه زودتر آن را بجا آورد و اگر از روی فراموشی بجا نیاورد باید هر گاه متوجه شد آن را انجام دهد. و در هر دو صورت لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

(مسأله ۴۰۰) اگر سجده سهو را فراموش کند و در نماز واجب بعد یادش بیاید، باید پس از اتمام نماز فوراً آن را بجا آورد.

(مسأله ۴۰۱) اگر شک دارد که یکی از موارد سجده سهو برای او پیش آمده یا نه، لازم نیست آن را بجا آورد، ولی اگر احتیاطاً آن را انجام دهد اشکال ندارد.

(مسأله ۴۰۲) کسی که شک دارد مثلاً یک بار دو سجده سهو بر او واجب شده یا دو بار، اگر یک بار دو سجده سهو بجا آورد کافی است.

(مسأله ۴۰۳) اگر بداند در دو سجده سهو از روی اشتباه، سجده‌ای کم یا زیاد شده است بنا بر احتیاط دوباره دو سجده سهو بجا آورد.

دستور سجده سهو:

(مسأله ۴۰۴) دستور سجده سهو آن است که نمازگزار پس از سلام نماز بلافاصله نیت دو سجده سهو کند و بنا بر احتیاط واجب پیشانی را روی چیزی که سجده بر آن صحیح است گذاشته و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»؛ ولی بهتر، بلکه احوط آن است که بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ». آنگاه سر از سجده برداشته، بار دیگر به سجده رود و همین ذکر را بگوید و پس از آن تشهد بخواند و سلام آخر را بگوید.

(مسأله ۴۰۵) بنا بر احتیاط واجب آنچه در سجده نماز معتبر است، مانند: وضو داشتن، پاک بودن بدن و لباس، پوشش بدن، رو به قبله بودن، گذاشتن هفت موضع بر زمین، نهادن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن

مسائل نماز

صحیح است و نشستن میان دو سجده، در سجده سهو نیز رعایت شود.
(مسئله ۴۰۶) هنگامی که پس از سلام نماز قصد سجده سهو می کند
تیت سجده سهو را به زبان جاری نکند، بلکه باید تنها توجه به انجام آن
داشته باشد.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

(مسئله ۴۰۷) اگر نماز گزار سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از
رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید بنشیند و آن را انجام دهد و پس از اتمام
نماز بنا بر احتیاط برای هر یک از قیام و ذکر بیجا دو سجده سهو انجام دهد،
ولی اگر پس از رسیدن به رکوع یا بعد از آن متوجه شود، باید پس از سلام
با رعایت تمام شرایط نماز، قضای آن را بجا آورد و بعد از آن دو سجده
سهو نیز انجام دهد.

(مسئله ۴۰۸) سجده یا تشهد فراموش شده یکی از دو صورت را دارد:

الف - آنکه سجده یا تشهد فراموش شده از رکعت آخر نماز باشد و
پس از سلام نماز یادش بیاید، که در این صورت چنانچه کاری که عمدی و
سهوی آن نماز را باطل می کند، مثل رو گرداندن از قبله، انجام نداده باشد،
بنا بر احتیاط واجب بدون قصد ادا و قضا سجده یا تشهد فراموش شده را
انجام دهد و پس از آن نماز را در صورت قضای سجده یا تشهد و سلام و
در صورت قضای تشهد با سلام تمام کند و علاوه بر دو سجده سهوی که
برای قضای تشهد یا سجده بجا می آورد برای هر یک از سلام یا تشهد بیجا
و یا کلام بیجا دو سجده سهو بجا آورد.

ب - آنکه سجده یا تشهد فراموش شده مربوط به رکعات دیگر باشد،
که باید پس از سلام نماز قضای آن را تیت کرده و بجا آورد و سپس دو
سجده سهو نیز انجام دهد.

(مسئله ۴۰۹) اگر سجده یا تشهد را چند مرتبه فراموش کند، مثلاً یک
سجده از رکعت اول و یک سجده از رکعت دوم فراموش نماید، باید پس

مسائل نماز

از نماز قضای هر دو را با سجده‌های سهوی که برای آنها لازم است بجا آورد و بنابر احتیاط قضای اول را اول و قضای دوم را دوم بجا آورد و بعد سجده‌های سهو را نیز انجام دهد.

(مسئله ۴۱۰) اگر یک سجده و یک تشهد را فراموش کند احتیاط واجب آن است که هر کدام را اول فراموش کرده اول قضا نماید و اگر نداند کدام یک اول فراموش شده احتیاطاً یک سجده و یک تشهد و بعد یک سجده دیگر بجا آورد، یا یک تشهد و یک سجده و بعد یک تشهد دیگر بجا آورد تا یقین کند سجده و تشهد را به ترتیبی که فراموش کرده قضا نموده است.

(مسئله ۴۱۱) اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که اگر عمداً یا از روی اشتباه در نماز اتفاق بیفتد نماز باطل می‌شود، مثلاً پشت به قبله نماید، باید قضای سجده و تشهد را بجا آورد و نمازش صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که نماز را هم دوباره بخواند.

(مسئله ۴۱۲) اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می‌شود - مثلاً از روی اشتباه حرف بزند - باید سجده یا تشهد را قضا کند و علاوه بر دو سجده سهوی که برای قضای سجده یا تشهد بجا می‌آورد بنابر احتیاط مستحب دو سجده سهو دیگر هم انجام دهد.

(مسئله ۴۱۳) اگر نداند که سجده را فراموش کرده یا تشهد را، باید هر دو را قضا نماید و هر کدام را اول بجا آورد اشکال ندارد.

(مسئله ۴۱۴) اگر شک دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه، واجب نیست قضا نماید.

(مسئله ۴۱۵) کسی که باید سجده یا تشهد را قضا نماید اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شود، بنابر احتیاط واجب باید بعد از نماز ابتدا سجده یا تشهد را قضا نماید و سپس سجده‌های سهو را بجا آورد.

مسائل نماز

(مسأله ۴۱۶) اگر شك دارد قضای سجده یا تشهد فراموش شده را انجام داده یا نه، چنانچه وقت نماز نگذشته باید قضا کند، بلکه اگر وقت نماز گذشته باشد بنابر احتیاط واجب قضای آن را بجا آورد.

کم یا زیاد کردن اجزا و شرایط نماز

(مسأله ۴۱۷) هر گاه نماز گزار چیزی از واجبات نماز را عمدا کم یا زیاد کند، اگر چه یک حرف باشد، نمازش باطل می شود.

(مسأله ۴۱۸) اگر به دلیل ندانستن مسأله چیزی از اجزای نماز را کم یا زیاد کند، چنانچه آن چیز رکن باشد نمازش باطل است و اگر رکن نباشد، چنانچه در دانستن مسأله کوتاهی نکرده باشد نمازش صحیح است و گرنه بنابر احتیاط واجب آن را دوباره بخواند.

(مسأله ۴۱۹) هر گاه نماز گزار در بین نماز متوجه شود وضو یا غسل خود را انجام نداده یا باطل انجام داده است، نماز را به هم بزند و دوباره آن را با وضو یا غسل بخواند و چنانچه بعد از نماز بفهمد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بجا آورد، و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(مسأله ۴۲۰) اگر پیش از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده است، باید مقداری را که فراموش کرده بجا آورد.

(مسأله ۴۲۱) اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده، چنانچه کاری انجام داده که انجام آن از روی عمد یا اشتباه موجب باطل شدن نماز می شود - مثلاً پشت به قبله کرده - نمازش باطل است؛ و اگر چنین کاری نکرده باید فوراً مقداری را که فراموش کرده بجا آورد و بنابر احتیاط واجب برای هر یک تشهد و سلام و کلام بیجا دو سجده سهو انجام دهد.

(مسأله ۴۲۲) اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید. و اگر بفهمد پشت به قبله یا به طرف

مسائل نماز

راست و یا به طرف چپ قبله بجا آورده باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته در صورتی که پشت به قبله خوانده بنا بر احتیاط واجب قضا نماید و اگر به طرف راست یا چپ بوده قضا لازم نیست، مگر اینکه عمل او از روی جهل به حکم شرعی بوده باشد.

نماز مسافر

سفر شرعی یعنی آنچه موجب **صعوبة** و سختی از راه سفر برای شخص مکلف می شود.

(مسأله ۴۲۳) «مسافر» با هشت شرط باید نمازهای «ظهر»، «عصر» و «عشا» را شکسته؛ یعنی دو رکعتی بجا آورد و روزه نیز از او صحیح نیست.

شرط اول: آنکه سفر او کمتر از سفر شرعی نباشد.

(مسأله ۴۲۴) اگر رفتن و برگشتن او سفر شرعی باشد باید نماز را شکسته بخواند، چه بخواند در همان شب و روز برگردد یا در غیر آن شب و روز، به شرط اینکه نخواهد ده روز در مقصد بماند.

(مسأله ۴۲۵) کسی که رفتن و برگشتن او سفر شرعی است، در صورتی باید نمازش را شکسته بخواند که رفتن او کمتر از سفر شرعی نباشد، بنابراین اگر راه رفتن کمتر از سفر شرعی و راه برگشتن بیشتر از سفر شرعی باشد باید نماز را تمام بخواند.

(مسأله ۴۲۶) اگر سفر او مختصری از سفر شرعی کمتر باشد یا نداند که سفرش شرعی است یا کمتر، نباید نماز را شکسته بخواند و در صورت شک اگر تحقیق برای او مشقت دارد باید نمازش را تمام بخواند و اگر مشقت ندارد بنا بر احتیاط واجب باید تحقیق کند و اگر دو عادل بگویند یا میان مردم معروف باشد که سفر او شرعی است باید نماز را شکسته بخواند.

(مسأله ۴۲۷) در صورتی که تنها یک عادل خبر دهد که سفر انسان شرعی است چنانچه از گفته او اطمینان پیدا کند باید نمازش را شکسته بخواند و گرنه بنا بر احتیاط واجب نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و

مسائل نماز

روزه را بگیرد و قضای آن را هم بجا آورد.

(مسأله ۴۲۸) کسی که یقین دارد سفر او شرعی است اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که شرعی نبوده، باید آن را چهار رکعتی بجا آورد و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(مسأله ۴۲۹) کسی که یقین دارد سفرش شرعی نیست یا شک دارد که هست یا نه، اگر در بین راه بفهمد که شرعی بوده، چنانچه باقیمانده راه به مقدار مسافت شرعی نباشد بنا بر احتیاط واجب نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی اگر باقیمانده راه به مقدار مسافت شرعی باشد پس از حرکت از آنجا باید نمازش را شکسته بخواند.

(مسأله ۴۳۰) اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از شرعی است چند مرتبه رفت و آمد کند، اگر چه روی هم شرعی شود باید نماز را تمام بخواند.

(مسأله ۴۳۱) اگر محلی دو راه دارد و یکی از دو راه کمتر از شرعی باشد، چنانچه از راهی که کمتر است مسافرت کند باید نمازش را تمام بخواند و اگر از راه دیگر مسافرت کند باید نمازش را شکسته بخواند.

(مسأله ۴۳۲) مبدأ شرعی آغاز قصد سفر است و در این جهت بلاد صغیره و کبیره (شهرهای کوچک و بزرگ) فرقی ندارند. شرط دوم: آنکه از ابتدا قصد سفر شرعی را داشته باشد.

(مسأله ۴۳۳) اگر به جایی که کمتر از سفر شرعی است مسافرت کند و پس از رسیدن به آنجا قصد کند بجایی برود که با هم سفر شرعی می شود، چون از ابتدا قصد سفر شرعی را نداشته باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواهد از آنجا سفر شرعی برود یا به وطنش یا جایی که می خواهد ده روز بماند برگردد که مجموع رفت و برگشت فعلی شرعی می شود، باید نماز را شکسته بخواند.

(مسأله ۴۳۴) مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند که تصمیم

مسائل نماز

داشته باشد سفر شرعی برود، پس کسی که از شهر بیرون می‌رود و مثلاً قصدش این است که اگر رفیق پیدا کند سفر شرعی برود، چنانچه اطمینان دارد رفیق پیدا می‌کند باید نماز را شکسته بخواند و اگر اطمینان ندارد باید تمام بخواند.

(مسئله ۴۳۵) کسی که نمی‌داند سفرش شرعی خواهد بود، مانند کسی که در جستجوی گمشده می‌رود، باید نماز را تمام بخواند، ولی هنگام برگشتن تا وطنش یا جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند اگر سفر شرعی باشد باید نماز را شکسته بخواند، همچنین اگر در بین رفتن قصد کند که سفر شرعی برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

(مسئله ۴۳۶) کسی که قصد سفر شرعی نموده، اگر چه در هر روز مقدار کمی راه برود، هنگامی که از مبدأ به اندازه‌ای دور شود که خود را در حال سفر می‌بیند، چنانچه بخواند نماز باید شکسته بجا آورد.

(مسئله ۴۳۷) کسی که در سفر در اختیار دیگری است، مانند خدمتگزاری که از خود اختیار ندارد و یا متهمی که با مأمور سفر می‌کند، اگر می‌داند که سفر او شرعی است باید نماز را شکسته بخواند و اگر نمی‌داند بنا بر احتیاط بپرسد، ولی اگر نمی‌تواند بپرسد نماز خود را تمام بخواند.

(مسئله ۴۳۸) کسی که در سفر در اختیار دیگری است، اگر بداند یا گمان داشته باشد که در سفر شرعی از او جدا می‌شود و سفر نمی‌کند باید نماز را تمام بخواند.

شرط سوم: آنکه در بین راه از قصد سفر شرعی منصرف نشود، پس اگر در میزان و ملاک سفر شرعی از قصد خود برگردد یا تردید پیدا کند باید نماز را تمام بخواند.

(مسئله ۴۳۹) اگر مسافر از ادامه سفر شرعی منصرف شود و بخواند همانجا بماند یا بعد از ده روز برگردد یا در رفتن و ماندن مردد شود، باید

مسائل نماز

نماز را تمام بخواند، ولی اگر تصمیم داشته باشد قبل از ده روز برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

(مسئله ۴۴۰) اگر برای رفتن به محلی که سفر شرعی است حرکت کند و بعد از رفتن مقداری از راه بخواند جای دیگری برود، چنانچه از محل اولی که حرکت کرده تا جایی که می‌خواهد برود سفر شرعی - به طور مستقیم یا رفت و برگشت - باشد باید نماز را شکسته بخواند، هر چند مسیر او عوض شده باشد.

(مسئله ۴۴۱) اگر پیش از آنکه به سفر شرعی برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و هنگامی که مردد است راه نرود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود، باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند، همچنین است اگر در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که سفر شرعی دیگر برود.

(مسئله ۴۴۲) اگر پیش از آنکه به سفر شرعی برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و هنگامی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود، چنانچه راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از تصمیم جدید می‌رود روی هم شرعی باشد، بنا بر احتیاط واجب نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

شرط چهارم: آنکه نخواهد پیش از رسیدن به شرعی از وطن خود بگذرد یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند، پس کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به سفر شرعی از وطن عبور کند یا در محلی ده روز بماند یا نمی‌داند از وطن عبور می‌کند یا در محلی ده روز با قصد می‌ماند یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

(مسئله ۴۴۳) کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به شرعی از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند و نیز کسی که مردد است از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند، اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف

مسائل نماز

شد باز هم باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر باقیمانده راه شرعی باشد و بخواهد برود و برگردد، باید پس از حرکت جدید نماز را شکسته بخواند.

شرط پنجم: آنکه اصل سفر او حرام نباشد یا برای انجام کار حرامی سفر نکرده باشد، بنابراین کسی که سفر برای او ضرر دارد یا مثلاً برای سرقت یا خرید و فروش چیزهای حرام، مانند مشروبات الکلی سفر کرده باشد باید نماز را تمام بخواند.

(مسئله ۴۴۴) اگر زن بدون اجازه شوهر یا فرزند با نهي پدر و مادر سفری بروند که برای آنان واجب نباشد باید نماز را تمام بخوانند، ولی اگر سفر آنها مثل سفر حج واجب باشد باید شکسته بخوانند.

(مسئله ۴۴۵) سفر غیر واجبی که موجب آزار و اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه را هم بگیرد.

(مسئله ۴۴۶) کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند، گرچه در سفر معصیتی هم انجام دهد، مثلاً غیبت کند باید نماز را شکسته بجا آورد.

(مسئله ۴۴۷) اگر مخصوصاً برای آنکه یکی از واجبات را ترک کند مسافرت نماید نمازش تمام است، اما اگر مخصوصاً برای ترک واجب مسافرت نکند ولی در مسافرت یکی از واجبات را ترک نماید باید نماز را شکسته بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بجا آورد. و اگر برای اینکه روزه نگیرد مسافرت کند اشکال ندارد.

(مسئله ۴۴۸) اگر سفر او حرام نباشد ولی وسیله‌ای که با آن مسافرت می‌کند غصبی باشد یا در زمین غصبی مسافرت کند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بجا آورد.

(مسئله ۴۴۹) کسی که به خواست خود همراه ظالمی سفر می‌کند، اگر سفر او کمک به ظالم یا تقویت او باشد سفرش حرام است و باید نماز خود را تمام بخواند، ولی اگر ناچار باشد یا مثلاً برای نجات دادن مظلومی با او

مسائل نماز

مسافرت کند نمازش شکسته است.

(مسأله ۴۵۰) اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کن حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

(مسأله ۴۵۱) اگر برای لهو و خوشگذرانی به شکار برود نمازش تمام است، ولی چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود نمازش شکسته است. و اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود احتیاط واجب آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بجا آورد، بلکه روزه را بگیرد و قضا هم بنماید.

(مسأله ۴۵۲) کسی که برای معصیت سفر کرده، چنانچه هنگام برگشتن توبه کند و راه بازگشت او شرعی باشد باید در بازگشت نماز را شکسته بخواند و اگر توبه نکرده باشد بنا بر احتیاط واجب هم شکسته و هم تمام بخواند.

(مسأله ۴۵۳) کسی که سفر او معصیت است اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد، چنانچه باقیمانده راه شرعی باشد و بخواهد برود و قبل از ده روز برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

(مسأله ۴۵۴) کسی که برای معصیت سفر نکرده، اگر در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود باید نماز را تمام بخواند، ولی نمازهایی را که شکسته خوانده در صورتی که مقدار مسافت طی شده شرعی بوده صحیح است و اگر شرعی نبوده بنا بر احتیاط واجب اعاده نماید.

شرط ششم: آنکه از صحرائشینی نباشد که در بیابان گردش می کنند و هر جا آب و خوراک پیدا کنند می مانند و پس از چندی به جای دیگر می روند، پس این گونه صحرائشینیان در این مسافرتها باید نماز را تمام بخوانند و روزه ها را هم بگیرند.

(مسأله ۴۵۵) اگر یکی از صحرائشینیان صرفاً برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند و سفر او شرعی باشد، احتیاط واجب آن است که نمازش را هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسائل نماز

(مسأله ۴۵۶) اگر صحرانشین صرفاً برای زیارت، حج، تجارت یا مانند آن سفر کند باید نماز را شکسته بخواند.

شرط هفتم: آنکه شغل او مسافرت نباشد، بنابراین راننده، کشتی‌بان، شتر دار، چوب‌دار و مانند آنها در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند، ولی در سفر اول - اگر چه طول بکشد - نمازشان شکسته است، مگر اینکه سفر بسیار طولانی باشد و به حدی برسد که عرفاً بگویند سفر شغل آنان شده یا پس از رسیدن به مقصد بدون بازگشت به وطن به جاهای دیگر مسافرت نمایند، که در این صورت نمازشان تمام است.

(مسأله ۴۵۷) کسی که شغلش مسافرت است چنانچه برای کاری دیگر مانند: زیارت یا حج سفر کند باید نماز را شکسته بخواند، ولی به عنوان مثال اگر راننده‌ای اتومبیل خود را برای زیارت کرایه دهد و خودش هم همراه باشد باید نماز را تمام بخواند.

(مسأله ۴۵۸) حمله دار (مدیر کاروان حج) چنانچه شغلش مسافرت باشد باید نماز خود را هنگام حمله‌داری تمام بخواند، ولی اگر شغلش مسافرت نیست نمازش شکسته است، مگر اینکه حمله‌داری او در تمام سال یا بیشتر آن طول بکشد که در این صورت نمازش تمام است.

(مسأله ۴۵۹) بازرگانان و پیشه‌وران سیار، فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی یا معلمانی که محل کارشان ثابت نیست، مأموران گشت مانند سیمبانان و راهبانان، مهمانداران هواپیما و قطار و کشتی و نیز کسانی که محل کارشان چند شهر است و همواره در بین شهرها رفت و آمد می‌کنند باید نمازشان را تمام خوانده و روزه را هم بگیرند، بلکه اشخاصی که هر روز یا بیشتر روزها از منزل به محل کارشان سفر می‌کنند، در صورتی که این امر موقت نبوده، بلکه همیشگی باشد نمازشان تمام است. همچنین است کسانی که دکان و محل کار دارند ولی هر روز یا بیشتر روزها برای خرید و فروش جنس مغازه یا کارخانه‌شان سفر می‌کنند.

مسائل نماز

- (مسأله ۴۶۰) دانشجو یا هر شخص دیگر که مجبور است در هر هفته معمولاً چند روز به شهر دیگری که به مقدار مسافت شرعی است برای درس یا تدریس یا کار دیگری سفر کند در حکم «دائم السفر» است و نمازش تمام و روزه اش صحیح می‌باشد، ولی در سفر اول حکم مسافر را دارد.
- (مسأله ۴۶۱) چوپانهای سیار که محل مخصوصی را برای چرای گوسفندان انتخاب نکرده‌اند و در تمام سال یا بیشتر آن به دنبال گوسفندان در حرکتند نمازشان تمام است.
- (مسأله ۴۶۲) مهمانداران هواپیما، قطار یا کشتی که نوعاً در مسافرتند و سایر کسانی که شغل آنان مسافرت است، چنانچه ده روز را در یک مکان بمانند و پس از آن دوباره مسافرت کنند، در سفر اول پس از ده روز باید نمازشان را شکسته بخوانند، ولی در بقیه سفرها نمازشان تمام است.
- (مسأله ۴۶۳) کسی که در هر هفته معمولاً چند روز در وطن خود مشغول به کار است و چند روز هم در خارج از شهر مشغول رانندگی است و به مقدار مسافت شرعی سفر می‌کند، چنانچه رانندگی او موقت نبوده و شغل او محسوب شود نمازش تمام و روزه بر او واجب می‌باشد.
- (مسأله ۴۶۴) راننده‌ای که در مسیر معینی سفر می‌کند اگر اتفاقاً مسیر خود را برای کارش تغییر دهد، گرچه یک مرتبه هم باشد، نمازش تمام است.
- (مسأله ۴۶۵) راننده‌ای که سفر غیر شرعی شهر رفت و آمد می‌کند چنانچه اتفاقاً سفر شرعی برود باید نماز را شکسته بخواند.
- (مسأله ۴۶۶) کسی که شغلش مسافرت نیست، به عنوان مثال اگر در شهر یا در دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرت‌های پی در پی می‌کند باید نماز را شکسته بخواند.
- (مسأله ۴۶۷) کسی که در مقداری از سال مثلاً چهار ماه یا بیشتر شغلش مسافرت است باید در سفری که مشغول به کارش می‌باشد نماز را تمام بجا آورد، و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسائل نماز

(مسأله ۴۶۸) کسی که در شهرها گردش می‌کند و برای خود وطنی انتخاب نکرده باید نماز را تمام بخواند.

(مسأله ۴۶۹) کسی که از وطنش صرف نظر کرده و می‌خواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند، چنانچه شغلش مسافرت نباشد باید در سفر نماز را شکسته بخواند.

(مسأله ۴۷۰) کسی که شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از ابتدا قصد ماندن ده روز را داشته باشد یا بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که پس از ده روز می‌رود نماز را شکسته بخواند، ولی اگر کمتر از ده روز بماند در سفر اول نیز نماز او تمام است، هر چند اگر پنج روز یا بیشتر بماند ولی ده روز نشود، احتیاط مستحب آن است که در سفر اول نماز ظهر و عصر را هم شکسته و هم تمام بجا آورد، ولی نماز عشا را تمام بخواند و روزه را هم بگیرد.

(مسأله ۴۷۱) کسی که شغلش مسافرت است اگر در غیر وطن خود ده روز بماند، چه از ابتدا قصد ماندن ده روز را داشته باشد یا بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که پس از ده روز می‌رود نماز را شکسته بخواند، هر چند در صورتی که ده روز بدون قصد بماند بنا بر احتیاط مستحب در سفر اول هم شکسته و هم تمام بجا آورد.

شرط هشتم: به اندازه‌ای از محل سکونت خود دور شود که وارد در سفر شرعی شده که «حد ترخّص» می‌گویند. بنابراین کسی که قصد سفر شرعی را دارد تا هنگامی که به حد ترخّص نرسیده نباید نماز را شکسته بخواند یا روزه را افطار نماید.

(مسأله ۴۷۲) مسافری که به وطن خود بازمی‌گردد، تا زمانی که به حد ترخّص نرسیده است باید نماز را شکسته بخواند، ولی هنگامی که به حد ترخّص برسد - گرچه نخواهد وارد شهر شود - باید نماز را تمام بجا آورد.

مسائل نماز

(مسأله ۴۷۳) مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، وقتی به حد ترخص آن محل رسید بنا بر احتیاط واجب نماز را به تأخیر بیندازد تا به آن محل برسد، یا هم شکسته و هم تمام بجا آورد.

(مسأله ۴۷۴) مسافری که در سفر از وطن خود عبور می‌کند، باید نماز را تمام بخواند و اگر از کنار وطن عبور می‌کند، به گونه‌ای که داخل حد ترخص می‌شود، ولی داخل وطن نمی‌شود، بنا بر احتیاط واجب نماز را در آنجا هم شکسته و هم تمام بجا آورد.

(مسأله ۴۷۵) مسافری که در بین مسافرت به وطنش رسیده، تا وقتی در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواهد از آنجا سفر شرعی برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

(مسأله ۴۷۶) اگر هنگام رفتن بخواهد در محلی نماز بخواند که شک دارد به حد ترخص رسیده یا نه، باید نماز را تمام بخواند، همچنین هنگام برگشتن اگر شک کند که به حد ترخص رسیده یا نه، باید شکسته بخواند. و از آنجا که در بعضی از موارد اشکال پیدا می‌کند، باید در آنجا نماز بخواند یا هم شکسته و هم تمام بجا آورد.

چیزهایی که سفر را قطع می‌کند:

الف - رسیدن به وطن:

(مسأله ۴۷۷) محل تولد انسان در صورتی که در آنجا سکونت و اقامت نداشته و ندارد و عملاً از آنجا اعراض کرده باشد حکم وطن را ندارد.

(مسأله ۴۷۸) «اعراض از وطن» به معنای انصراف از سکونت در آنجاست و تنها به قصد و نیت متحقق نمی‌شود، بلکه باید عملاً اعراض کرده باشد و تشخیص آن با عرف است و به گونه‌ای باشد که اقامتگاه فعلی او حساب نشود.

مسائل نماز

(مسأله ۴۷۹) «زوجه» به طور اطلاق در توطن (انتخاب وطن) تابعیت همسر را ندارد، بلکه در صورتی که زن و شوهر بنا داشته باشند با هم زندگی کنند محل زندگی شوهر برای همسرش نیز وطن محسوب می‌شود، ولی با توافق شوهر نخواهد در وطن شوهر زندگی کند، هر جا را که برای خودش وطن قرار دهد وطن او می‌باشد همچنین «اولاد» در صورتی که بالغ و رشید باشند،^۱ می‌توانند در انتخاب وطن و محل زندگی مستقل بوده و از تابعیت پدر و مادر خارج شوند.

(مسأله ۴۸۰) جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده هنگامی وطن او حساب می‌شود که قصد نداشته باشد بعد از مدتی از آنجا برود و لازم نیست قصد ماندن همیشگی داشته باشد، بلکه اگر قصد دارد بعد از چندین سال از آنجا برود، ولی مدت ماندن او در محل طولانی باشد و آنجا اقامتگاه فعلی او محسوب شود، به گونه‌ای که وقتی در آنجا وارد می‌شود به خانه و زندگی خود وارد شده و دیگر به او مسافر نگویند، آنجا هم حکم وطن را خواهد داشت.

(مسأله ۴۸۱) کسی که نیمی از سال در یک شهر و نیمی از آن را در شهر دیگر زندگی می‌کند، هر دو شهر وطن اوست و نیز اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی اختیار کرده باشد همه آنها وطن او محسوب می‌شوند.

(مسأله ۴۸۲) مسافر اگر به جایی برسد که وطن او بوده، ولی از آنجا به طور کلی صرف نظر کرده نمازش شکسته است، هر چند در آنجا ملک داشته باشد و وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد، مگر اینکه بخواهد همیشه در شهرها سیاحت کند و اصلاً برای خود وطنی انتخاب ننماید که در این صورت نماز او در همه جا تمام است.

ب - قصد اقامه:

۱. یعنی خودشان اهل درک و تشخیص باشند.

مسائل نماز

به جایی که وطن انسان نیست ولی می‌خواهد حداقل ده روز در آنجا بماند «محل اقامه» گفته می‌شود.

(مسئله ۴۸۳) مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در یک محل بماند یا می‌داند ناخواسته ده روز در یک محل می‌ماند، باید نمازهای خود را در آن محل تمام بخواند.

(مسئله ۴۸۴) مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند لازم نیست قصد ماندن شب اول و شب یازدهم را داشته باشد و همین که قصد کند از اذان صبح روز اول تا مغرب روز دهم بماند باید نماز را تمام بخواند، همچنین به عنوان مثال اگر قصدش این باشد که از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم بماند باید نماز را تمام بخواند.

(مسئله ۴۸۵) مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند در صورتی باید نماز را تمام بخواند که بخواند تمام ده روز را در یک جا بماند، پس اگر قصد ماندن در دو محل را داشته باشد، مانند کسی که بخواند در دو شهر نزدیک به هم بماند، باید نماز را در هر دو محل شکسته بخواند.

(مسئله ۴۸۶) میزان در وحدت یا تعدد محل، حکم عرف است، پس اگر در یک شهر قصد ده روز کند گردش او در محله‌های آن شهر مانعی ندارد، هر چند آن شهر بزرگ باشد، مگر آنکه محله‌های آن شهر به گونه‌ای از یکدیگر دور و جدا باشند که چند محل حساب شوند و شخصی را که از یک محله به محله دیگر رفته بگویند مسافرت کرده است.

(مسئله ۴۸۷) مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، اگر از اول قصد داشته باشد در بین ده روز به اطراف آنجا هم برود، در صورتی به قصد او ضرر نمی‌زند که آن اطراف نیز در نظر مردم جزو همان محل به حساب آید، مانند باغها و قبرستان اغلب شهرها، گرچه کمی از حد ترخص بگذرد و در غیر این صورت به قصد او ضرر می‌زند، هر چند زود برود و برگردد، پس کسانی که محل اقامه را مقرر خود قرار می‌دهند، ولی بنا دارند

مسائل نماز

- در ضمن ده روز به دهات اطراف نیز بروند باید نماز را شکسته بخوانند.
- (مسئله ۴۸۸) مسافری که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند، اگر چه احتمال بدهد که برای ماندن او مانعی پیش آید، در صورتی که احتمال او ضعیف و غیر قابل توجه باشد باید نماز را تمام بخواند.
- (مسئله ۴۸۹) مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی ادا، از ماندن منصرف شود یا مردد شود که در آنجا بماند یا بجای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر چه پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی ادا، از ماندن منصرف یا مردد شود، تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.
- (مسئله ۴۹۰) اگر به خیال اینکه رفقایش می‌خواهند ده روز در محلی بمانند قصد کند که ده روز در آنجا بماند و پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد نکرده‌اند، اگر چه خودش هم از ماندن منصرف شود، تا مدتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.
- (مسئله ۴۹۱) مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود، چنانچه یک نماز چهار رکعتی ادا، خوانده باشد روزه اش صحیح است، و تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند و روزه‌هایش را بگیرد و اگر یک نماز چهار رکعتی ادا نخوانده باشد روزه آن روزش صحیح است، ولی باید نمازهای خود را شکسته بجا آورد و در روزهای بعد هم روزه نگیرد.
- (مسئله ۴۹۲) مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، چنانچه از ماندن منصرف شود و شک کند پیش از آنکه از قصد ماندن برگشته یک نماز چهار رکعتی خوانده است یا نه، باید نمازهای خود را شکسته بجا آورد، مگر اینکه شک او بعد از وقت باشد که در این صورت باید نمازهای خود را تمام بخواند.
- (مسئله ۴۹۳) اگر مسافر به نیت اینکه نماز را شکسته بخواند مشغول

مسائل نماز

نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر در آنجا بماند، باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید.

(مسأله ۴۹۴) مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر در بین نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد یکی از سه حالت را دارد:

الف - چنانچه مشغول رکعت سوم نشده است، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و تا وقتی در آنجا هست نمازهای دیگرش را شکسته بخواند.

ب - چنانچه مشغول رکعت سوم شده، ولی هنوز به رکوع نرفته است، باید بنشیند و نماز را دو رکعتی تمام کند و بنا بر احتیاط برای هر یک از ایستادن بیجا و ذکر که گفته دو سجده سهو بجا آورد و تا وقتی در آنجا هست نمازهای دیگرش را شکسته بخواند.

ج - چنانچه به رکوع رکعت سوم رسیده است، بنا بر احتیاط واجب نماز را تمام کند و یک نماز شکسته هم بخواند و تا وقتی در آنجا هست نمازهایش را هم شکسته و هم تمام بجا آورد.

(مسأله ۴۹۵) مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی ادا تصمیم بگیرد به یک جا که کمتر از سفر شرعی است یک مرتبه یا چند مرتبه برود و به محل اقامه خود برگردد و ده روز بماند، باید در رفتن و برگشتن و محل اقامه نماز را تمام بخواند.

(مسأله ۴۹۶) مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی ادا بخواهد بجایی که کمتر از سفر شرعی است برود و پیش از ماندن ده روز به محل اقامه اولش برگردد و از آنجا نیز پیش از ماندن ده روز به وطنش یا به محل دیگری که سفر شرعی است برود، یکی از دو صورت را دارد:

الف - اگر وسائل و اثاثیه خود را از محل اقامه جمع آوری کرده و برگشتن او به محل اقامه فقط به عنوان عبور باشد، در این صورت در مسیر رفتن به جایی که کمتر از سفر شرعی است و نیز در آنجا بنا بر احتیاط

مسائل نماز

واجب نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی در برگشتن به محل اقامه و در محل اقامه و بعد از آن شکسته بخواند.

ب - اگر وسائل و اثاثیه خود را از محل اقامه‌اش جمع‌آوری نکرده، بلکه می‌خواهد پس از بازگشت به محل اقامه چند روزی در آنجا بماند و از آنجا به قصد وطن یا جای دیگری که سفر شرعی است حرکت کند، در این صورت بنا بر احتیاط واجب در مسیر رفتن به آنجا و در آنجا و در برگشتن به محل اقامه و خود محل اقامه نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و پس از حرکت به وطن یا محل دیگری که سفر شرعی است شکسته بخواند.

(مسئله ۴۹۷) مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، چنانچه بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی ادا بخواند به جای دیگری که کمتر از سفر شرعی است برود و ده روز در آنجا بماند، باید در مسیر رفتن و در جایی که قصد ماندن ده روز کرده نماز را تمام بخواند، ولی اگر جایی که می‌خواهد برود سفر شرعی باشد، باید هنگام رفتن نماز را شکسته بخواند و چنانچه در آنجا قصد ماندن ده روز کند نماز را تمام بجا آورد.

(مسئله ۴۹۸) مسافری که قصد کرده است ده روز در محلی بماند اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده باید نماز را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

(مسئله ۴۹۹) مسافری که قصد کرده است ده روز در محلی بماند باید روزه واجب خود را بگیرد و می‌تواند روزه مستحبی را هم بجا آورد و نماز جمعه و نافله ظهر و عصر را هم بخواند.

ج - توقف یک ماه بدون قصد:

(مسئله ۵۰۰) مسافری که پس از رسیدن به سفر شرعی در حال تردید در محلی مانده و نمی‌داند ده روز می‌ماند یا نه، چنانچه سی روز به حال تردید بماند باید نماز را شکسته بخواند، ولی پس از سی روز - گرچه مدت کمی بماند - باید نماز را تمام بخواند و اگر پیش از رسیدن به سفر شرعی در

مسائل نماز

رفتن بقیه راه مردد شود، از وقتی که مردد می‌شود باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر به سفر شرعی رسیده و تصمیم دارد قبل از ده روز به محل خود برگردد باید نماز را شکسته بجا آورد.

(مسأله ۵۰۱) مسافری که سی روز مردد بوده، در صورتی بعد از سی روز باید نماز را تمام بخواند که تمام مدت سی روز را در یک جا بماند، پس اگر مقداری از آن را در جایی و مقداری را در جای دیگر بماند، پس از سی روز هم، اگر قصد ماندن ده روز را ندارد باید نماز را شکسته بجا آورد.

مواردی که مسافر می‌تواند نماز را تمام بخواند:

(مسأله ۵۰۲) اگر مسافر بخواهد در قسمتهایی که اول جزو مسجد الحرام یا مسجد النبی (ص) و یا مسجد کوفه نبوده و بعدها به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب شکسته بخواند.

(مسأله ۵۰۳) کسی که می‌داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر در غیر چهار مکانی که گفته شد عمداً تمام بخواند نمازش باطل است.

چند مسأله متفرقه:

(مسأله ۵۰۴) مسافری که تصمیم ندارد ده روز در محلی بماند، بلکه قصدش این است که اگر رفیقش بیاید یا منزل خوبی پیدا کند ده روز بماند، باید نماز را شکسته بخواند.

(مسأله ۵۰۵) در هر موردی که وظیفه انسان آن است که نمازش را هم تمام و هم شکسته بخواند، باید روزه‌اش را نیز بگیرد و قضای آن را هم بجا آورد.

(مسأله ۵۰۶) مسافری که باید نماز را شکسته بجا آورد در صورتی که تمام بخواند چند صورت دارد:

مسائل نماز

- الف** - اگر می‌داند مسافر باید نماز را شکسته بجا آورد و بدون توجه و از روی عادت تمام بخواند، نمازش باطل است.
- ب** - اگر به طور کلی نمی‌دانسته که مسافر باید نماز را شکسته بجا آورد، چنانچه تمام خوانده است نمازش صحیح است.
- ج** - اگر سفر خود و حکم مسافر را - هر دو را - فراموش کرده باشد^۱ و تمام بخواند، در صورتی که وقت باقی است باید نماز را دوباره شکسته بخواند و اگر وقت گذشته بنا بر احتیاط واجب به طور شکسته قضا نماید.
- د** - اگر می‌داند مسافر باید نماز را شکسته بخواند، ولی بعضی خصوصیات آن را، مانند اینکه مثلاً در سفر شرعی باید شکسته بخواند، نداند و تمام بخواند، در صورتی که وقت باقی است باید نماز را شکسته بجا آورد و اگر وقت گذشته بنا بر احتیاط واجب به طور شکسته قضا نماید.
- هـ** - اگر می‌داند مسافر باید نماز را شکسته بجا آورد، ولی به گمان اینکه سفر او شرعی نیست تمام بخواند، وقتی که فهمید سفرش شرعی بوده بنا بر احتیاط واجب نماز را شکسته بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.
- و** - اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید باید شکسته بجا آورد و اگر بعد از وقت یادش آید قضای آن لازم نیست.
- ز** - اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند، باید آن را شکسته بجا آورد و اگر وقت گذشته بنا بر احتیاط واجب قضا نماید.
- (مسأله ۵۰۷) کسی که باید نماز را تمام بخواند اگر شکسته بجا آورد، در هر صورت نمازش باطل است، حتی اگر قصد ماندن ده روز در جایی را داشته باشد و از روی ندانستن، شکسته بجا آورد بنا بر احتیاط واجب باید دوباره آن را تمام بخواند.

۱. یعنی فراموش کرده باشد مسافر باید نماز خود را شکسته بخواند و نیز فراموش کرده باشد که او در حال سفر است.

مسائل نماز

(مسأله ۵۰۸) اگر مشغول نماز چهار رکعتی شود و در بین نماز یادش بیاید که مسافر است، چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته باید بنشیند و نماز را دو رکعتی تمام نماید و اگر به رکوع رکعت سوم نرفته نمازش باطل است. و در صورتی که به مقدار خواندن یک رکعت هم وقت داشته باشد باید نماز را شکسته بخواند.

(مسأله ۵۰۹) مسافری که نماز خود را نخوانده اگر در وقت به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند برسد، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بعد از وقت به وطن برسد باید قضای آن را شکسته بخواند.

(مسأله ۵۱۰) مسافری که نماز را شکسته خوانده است - اگر چه در وقت به وطن خود برسد - لازم نیست آن نماز را دوباره تمام بخواند.

(مسأله ۵۱۱) کسی که مسافر نیست اگر در اول وقت نماز نخواند و مسافرت کند، در سفر باید نماز را شکسته بخواند.

(مسأله ۵۱۲) اگر نماز ظهر یا عصر و یا عشا از مسافری که باید آنها را شکسته می‌خواند قضا شود، باید آن را دو رکعتی قضا نماید، هر چند در غیر سفر بخواند قضای آن را بجا آورد. و اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود، باید چهار رکعتی قضا نماید؛ هر چند در سفر بخواند آن را بجا آورد.

(مسأله ۵۱۳) مستحب است مسافر بعد از هر نمازی که شکسته می‌خواند سی مرتبه

بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

نماز خوف

(مسأله ۵۱۴) «نماز» از انسان بالغ و عاقل واجد شرایط در هیچ حالی ساقط نمی‌شود، حتی در حال درگیری مسلحانه، حمله دزد یا درنده به هر شکل ممکن باید نماز خود را بخواند، اگر ممکن باشد ایستاده و گرنه نشسته یا در حال راه رفتن، پیاده یا سواره یا خوابیده و باید تا ممکن است تکبیره

مسائل نماز

الاحرام را رو به قبله بگوید و بقیه نماز را هم هر قدر که می‌تواند رو به قبله انجام دهد و اگر نمی‌تواند رکوع و سجود را به طور کامل بجا آورد به اشاره انجام دهد. و چنانچه نماز خواندن برای او به این اندازه هم ممکن نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید پس از نیت، تکبیره الاحرام را به قصد ما فی الذمه^۱ بگوید و به جای هر رکعت یک «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» گفته و به دنبال آن دعای دیگری هم بخواند و سپس با تشهد و سلام نماز را تمام نماید. و اگر به وظیفه خود به شکل ممکن عمل کند نمازش اعاده یا قضا ندارد.

(مسئله ۵۱۵) اگر به جهت ضرورت، بعضی از نماز را به عنوان مثال در حال راه رفتن یا سواره بخواند و در بین نماز ضرورت برطرف شود، باید باقیمانده نماز را بر طبق وظیفه فعلی تمام و کامل بجا آورد و اگر وقت باقی است بنا بر احتیاط دوباره نماز را به طور کامل بخواند، همچنین اگر بعضی از نماز را کامل انجام داده و در بین آن خوف و ضرورت پیدا شده است باقیمانده را بر طبق ضرورت بجا آورد.

(مسئله ۵۱۶) اگر انسان به وجود دشمن یا درنده یقین کند و نماز را شکسته یا در حال راه رفتن بجا آورد و بعد معلوم شود اشتباه کرده است، چنانچه وقت نماز باقی است بنا بر احتیاط نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا ندارد.

(مسئله ۵۱۷) اگر نماز گزار برای دفع حمله حیوان درنده یا دزد، نماز را به نیت نماز خوف، دو رکعتی یا سواره و یا در حال راه رفتن بجا آورد، چنانچه تا آخر وقت نماز، خوف او باقی باشد نمازش صحیح است و گرنه بنا بر احتیاط نماز را دوباره به طور کامل بخواند.

۱. یعنی به قصد آنچه در واقع به عهده اوست.

نماز قضا

(مسأله ۵۱۸) کسی که از روی عمد یا اشتباه و یا ندانستن مسأله نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باشد باید قضای آن را بجا آورد، همچنین است اگر در تمام وقت نماز خواب و یا مست بوده یا مدتی از دین برگشته و مرتد شده باشد. و چنانچه از روی اختیار خود را بیهوش کرده باشد، بنابر احتیاط نمازهای زمان بیهوشی خود را قضا نماید، بلکه اگر بیهوشی او غیر اختیاری بوده بنابر احتیاط مستحب قضا نماید.

(مسأله ۵۱۹) کسی که یقین داشته برای نماز وقت دارد و نیت ادا نموده و بعد فهمیده وقت نداشته، چنانچه یک رکعت از نماز او در وقت واقع شده باشد نمازش صحیح است و قضا ندارد، ولی اگر همه نماز در خارج وقت واقع شده بنابر احتیاط قضای آن را بجا آورد.

(مسأله ۵۲۰) نمازهای یومیهای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده قضا ندارد، همچنین نمازهای واجبی که از انسان در حال کفر یا جنون یا بیهوشی که به اختیار خود او نبوده ترک شده، در صورتی که کفر یا جنون یا بیهوشی در همه وقت نماز بوده است، قضا ندارد و اگر در وقت نماز، مسلمان یا عاقل شود یا به هوش آید و یا پاک گردد باید نماز خود را بجا آورد، هر چند تنها به مقدار یک رکعت از وقت باقی مانده باشد.

(مسأله ۵۲۱) اگر اول وقت به مقدار خواندن نماز به حسب تکلیف فعلی خود داشته باشد و نماز را بجا نیاورد و سپس یکی از عذرهایی که گفته شد برای او پیش آید، باید قضای آن نماز را بجا آورد.

(مسأله ۵۲۲) اگر بعد از وقت نماز بفهمید نمازی را که خوانده باطل بوده باید قضای آن را بجا آورد، هر چند باطل بودن نماز به واسطه ندانستن مسأله باشد، در صورتی که در دانستن مسأله کوتاهی کرده باشد.

(مسأله ۵۲۳) کسی که وظیفه اش خواندن نماز جمعه بوده، اگر به هر دلیل آن را بجا نیاورد تا وقت آن بگذرد باید نماز ظهر را بخواند و اگر نماز

مسائل نماز

ظهر را هم نخواند باید قضای ظهر را بجا آورد.

- (مسئله ۵۲۴) اگر انسان احتمال دهد که نماز قضایی دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده، مستحب است احتیاطاً قضای آنها را بجا آورد.
- (مسئله ۵۲۵) کسی که نماز قضا دارد باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی در صورتی که اطمینان داشته باشد در آینده بتواند آن را انجام دهد لازم نیست فوراً آن را بجا آورد.
- (مسئله ۵۲۶) کسی که نماز قضا دارد می تواند نماز مستحبی یا نماز قضای دیگران را بخواند.

(مسئله ۵۲۷) در هر یک از نمازهای یومیه که ترتیب در آن شرط بوده در قضای آن هم ترتیب شرط است، مثلاً اگر نماز ظهر و عصر او قضا شده باید اول قضای ظهر و سپس قضای عصر را بخواند و اگر در یک روز نماز عصر و در روز بعد نماز ظهر او قضا شده، بنا بر احتیاط اول نماز عصر و سپس نماز ظهر روز بعد را قضا کند. ولی در قضای نمازهای واجب دیگر، مثل نماز آیات ترتیب شرط نیست.

(مسئله ۵۲۸) اگر بخواهد قضای یک نماز یومیه و یک نماز غیر یومیه را بخواند لازم نیست آنها را به ترتیب بجا آورد.

(مسئله ۵۲۹) اگر کسی نداند نمازهایی که از او قضا شده کدام یک جلوتر بوده بنا بر احتیاط مستحب به گونه ای بخواند که ترتیب حاصل شود و اگر می داند کدام یک جلوتر قضا شده، پس آنچه در ادای آنها ترتیب شرط بوده - مثل نماز ظهر و عصر یک روز - باید به ترتیب خوانده شود و در غیر این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب به ترتیب قضا نماید.

(مسئله ۵۳۰) کسی که چند نماز، مثلاً چند نماز صبح یا چند نماز ظهر یا هر دو، از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند، بنا بر احتیاط باید به اندازه ای بخواند که گمان پیدا کند قضای همه نمازها را خوانده است و چیزی بر عهده او نمی باشد، ولی اگر مقدار نمازها را می دانسته و فراموش

مسائل نماز

کرده بنا بر احتیاط به قدری بخواند که یقین کند چیزی بر عهده او نمانده است.

(مسأله ۵۳۱) کسی که یک نماز چهار رکعتی از او قضا شده و نمی‌داند ظهر بوده یا عصر و یا عشا، اگر تنها یک نماز چهار رکعتی به نیت نمازی که نخوانده است بجا آورد کافی است و در بلند یا آهسته خواندن حمد و سوره هم اختیار با خود اوست، همچنین کسی که می‌داند یکی از نمازهای واجب یومیه را نخوانده و نمی‌داند کدام است، کافی است یک نماز صبح و یک نماز مغرب و یک نماز چهار رکعتی به قصد نمازی که نخوانده (قصد ما فی الذمه) بجا آورد.

(مسأله ۵۳۲) کسی که نماز قضا از همین روز یا روزهای پیش دارد، پس اگر یک نماز باشد و وقت وسعت دارد بنا بر احتیاط، اول آن نماز قضا را بجا آورد و اگر بیشتر از یک نماز باشد لازم نیست نمازهای قضا را اول بخواند، هر چند بهتر است.

(مسأله ۵۳۳) نماز گزار می‌تواند نیت خود را از نماز قضای لاحق - مثل نماز عصر - به نماز قضای سابق - مثل نماز ظهر - برگرداند، ولی عدول از نماز قضای سابق به لاحق، مثلاً از نماز قضای ظهر به عصر، محل اشکال و تأمل است.

(مسأله ۵۳۴) کسی که نماز قضا به عهده اوست و نمی‌تواند نمازها خود را به طور کامل و با رعایت همه شرایط آن بخواند، باید انجام نماز قضا را تا برطرف شود عذر خود تأخیر اندازد. ولی کسی که می‌داند عذرش تا آخر عمر برطرف نمی‌شود و می‌ترسد ناگهان مرگ او برسد، می‌تواند در حال عذر نماز قضاها را بجا آورد و اگر بعداً عذر او برطرف شد بنا بر احتیاط آنها را اعاده نماید.

(مسأله ۵۳۵) تا هنگامی که انسان زنده است، گرچه از خواندن نمازهای قضای خود ناتوان باشد، دیگری نمی‌تواند قضای نمازهای او را

مسائل نماز

بخواند.

(مسأله ۵۳۶) نماز قضا را می‌توان با جماعت بجا آورد و فرقی نمی‌کند که امام جماعت در حال خواندن نماز قضا یا ادا باشد، ولی باید نماز قضای امام یقینی بوده و بنا بر احتیاط برای خودش باشد نه برای میت. و لازم نیست امام و مأوم یک نماز بخوانند، بلکه اگر مثلاً امام جماعت نماز قضا یا ادای ظهر را می‌خواند می‌توان هر نماز قضایی را به او اقتدا کرد.

(مسأله ۵۳۷) کسی که تا نصف شب خواب مانده و نماز عشاء او قضا شده بنا بر احتیاط، علاوه بر قضای نماز، فردای آن روز را روزه بگیرد، ولی اگر روزه نگرفت قضای روزه بر او واجب نمی‌شود. و در صورتی که بیدار بوده و در اثر فراموشی یا به علت دیگر نماز عشاء او قضا شده این حکم جاری نمی‌شود و تنها قضای نماز کفایت می‌کند.

(مسأله ۵۳۸) مستحب است بچه ممیز^۱ را به خواندن نماز و عبادت‌های دیگر عادت دهند، بلکه مستحب است او را به قضای نمازها نیز وادار نمایند، به شرط آنکه از حد اعتدال خارج نشده و موجب اثرات منفی نشود.

نماز قضای پدر و مادر:

(مسأله ۵۳۹) نماز و روزه قضا شده پدر و همچنین - بنا بر احتیاط - مادر چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده باشند به عهده پسر بزرگتر بلکه بنا بر احتیاط به عهده بزرگترین مرد در میان وارثان - مطابق طبقات ارث - خواهد بود که او باید پس از مرگشان بجا آورد و یا برای آنها اجیر بگیرد؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشند به همین شکل عمل شود. و چنانچه پدر میت زنده است بنا بر احتیاط با مشارکت پسر بزرگتر میت آن را انجام دهند.

(مسأله ۵۴۰) اگر نماز و روزه شخص دیگری بر عهده پدر و یا مادر

۱. «بچه ممیز» به بچه‌ای می‌گویند که بالغ نشده است، ولی به حدی رسیده که خوب و بد را تشخیص می‌دهد.

مسائل نماز

بوده و انجام نداده باشند، مثلاً نماز و روزه استیجاری داشته و انجام نداده باشند، قضای آن بر بزرگترین وارث مرد واجب نیست؛ ولی پول آن باید از ترکه میّت پرداخت شود.

(مسأله ۵۴۱) کسی که باید قضای نماز میّت را بجا آورد چنانچه شک داشته باشد که میّت نماز یا روزه قضا داشته یا نه، چیزی بر او واجب نیست، ولی اگر بداند نماز یا روزه قضا داشته و شک کند که بجا آورده یا نه، بنابر احتیاط واجب باید قضا نماید.

(مسأله ۵۴۲) کسی که قضای نماز پدر یا مادر بر او واجب است اگر بخواهد نماز آنان را قضا کند باید به تکلیف خود عمل کند، مثلاً مرد حمد و سوره نماز قضای صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند.

(مسأله ۵۴۳) کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد چنانچه نماز و روزه پدر یا مادر هم بر او واجب شود، هر کدام را اول بجا آورد صحیح است.

(مسأله ۵۴۴) کسی که قضای نماز پدر یا مادر بر عهده اوست بنابر احتیاط واجب نباید انجام آن را به تأخیر اندازد، مگر آنکه اطمینان به زنده بودن و قدرت به انجام آن داشته باشد.

(مسأله ۵۴۵) اگر میّت وصیت کرده باشد که نماز و روزه او را به کسی بدهند، پس از آنکه آن شخص نماز و روزه او را به طور صحیح انجام داد چیزی بر عهده بزرگترین وارث مرد نمی‌باشد.

(مسأله ۵۴۶) اگر هنگام مرگ پدر یا مادر، ولی او؛ یعنی کسی که قضای نماز و روزه آنها بر عهده اوست دیوانه باشد و یا به حد بلوغ نرسیده باشد، چنانچه بعداً عاقل یا بالغ شود واجب بودن قضای نماز و روزه پدر و مادر بر او محل اشکال است، هر چند احوط است و اگر بزرگترین مرد از وارثان، قبل از بلوغ یا قبل از عاقل شدن فوت کند، واجب شدن قضای نماز و روزه پدر و مادر بر بزرگترین مرد از وارثان پس از او نیز محل اشکال

است.

(مسأله ۵۴۷) پسری که مکلف نشده ولی خوب و بد را تشخیص می‌دهد و نماز خود را به طور صحیح می‌خواند می‌تواند قضای نماز پدر یا مادر را بجا آورد.

(مسأله ۵۴۸) کسی که قضای نماز و روزه پدر یا مادر بر عهده اوست اگر پیش از آنکه نماز یا روزه آنها را قضا کند بمیرد، چنانچه بین مرگ پدر و یا مادر و مرگ او به اندازه‌ای فاصله بوده که می‌توانسته قضای نماز و روزه را بجا آورد بر بزرگترین مرد از وارثان پس از او چیزی واجب نیست و اگر این مقدار فاصله نشده بنا بر احتیاط واجب بزرگترین مرد از وارثان پس از او قضای نماز و روزه را بجا آورد.

نایب گرفتن برای نماز و روزه قضا:

به کسی که برای بجا آوردن نماز یا روزه و سایر عبادت‌های میّت معین می‌کنند «اجیر» یا «نایب» گفته می‌شود.

(مسأله ۵۴۹) بعد از مرگ انسان می‌توان برای نماز و عبادت‌های دیگر او که در زندگی بجا نیاورده فرد دیگری را اجیر نمود؛ یعنی به او مزد داد تا آنها را به نیابت از میّت بجا آورد و چنانچه بدون مزد هم انجام دهد صحیح است.

(مسأله ۵۵۰) کسی که برای نماز قضای میّت نایب شده است باید مسائل مورد نیاز را بداند.

(مسأله ۵۵۱) نایب باید موقع نیت، میّت را معین کند و لازم نیست اسم او را بداند، پس اگر نیت کند از طرف کسی نماز می‌خوانم که برای او اجیر شده‌ام کافی است.

(مسأله ۵۵۲) نایب باید خود را بجای میّت فرض کند و عبادت‌های او را قضا نماید، بنابراین اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای میّت هدیه کند کافی نیست.

مسائل نماز

(مسأله ۵۵۳) باید کسی را اجیر کنند که اطمینان داشته باشند عمل را به طور صحیح انجام می‌دهد، بنابراین اگر کسی را اجیر کنند و بعد معلوم شود عباداتی را که به عهده او گذاشته شده انجام نداده یا باطل انجام داده است، باید دوباره برای انجام آنها نایب بگیرند.

(مسأله ۵۵۴) هر گاه شك کنند که نایب عمل را انجام داده یا نه، اگر چه بگویند انجام داده‌ام، در صورتی که متهم به دروغگویی باشد باید دوباره نایب بگیرند، ولی اگر شك کنند که عمل او صحیح بوده یا نه، حکم به صحت آن می‌شود.

(مسأله ۵۵۵) کسی را که عذری دارد و مثلاً نماز خود را نشسته یا با تیمم می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب نمی‌شود برای نمازهای میّت نایب گرفت، اگر چه نمازهای میّت هم به همین صورت قضا شده باشد.

(مسأله ۵۵۶) مرد را برای زن و زن را برای مرد می‌توان نایب گرفت، ولی اگر مرد از طرف زن نیاب شود باید حمد و سوره را در نمازهای صبح و مغرب و عشا بلند بخواند و اگر زن از طرف مرد نایب شود بنا بر احتیاط حمد و سوره را در نمازهای ذکر شده بلند بخواند، لکن در جائی که مردم نا محرم صدای او را نشنود. همچنین اگر زن از طرف مرد یا مرد از طرف زن به صورت تبرّعی و مجانی نایب شود همین حکم را دارد.

(مسأله ۵۵۷) هر گاه با اجیر شرط کنند که نماز را به گونه مخصوصی انجام دهد، باید به شرط عمل نماید، ولی اگر با او شرط نکنند باید به وظیفه خود عمل کند. و احتیاط مستحب آن است که از وظیفه خودش و میّت، هر کدام که به احتیاط نزدیکتر است به آن عمل نماید.

(مسأله ۵۵۸) اگر با اجیر شرط نکنند که نماز را با چه مقدار از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است بجا آورد.

(مسأله ۵۵۹) در قضای نمازهای میّت آنچه در ادای آنها ترتیب معتبر

مسائل نماز

بوده، مثل ظهر و عصر یک روز، باید به ترتیب خوانده شود و در غیر این صورت نیز چنانچه میّت ترتیب قضا شدن را می دانسته بنا بر احتیاط باید طوری انجام دهند که ترتیب حاصل شود. بنابراین اگر چند نفر را اجیر کنند باید بنا بر احتیاط برای هر یک وقت مرتبی را معین کنند که با وقت دیگری همزمان نباشد، مثلاً اگر با یکی از آنها قرار گذاشتند که از صبح تا ظهر برای میّت نماز قضا بخوانند، با دیگری قرار بگذارند که از ظهر تا شب بخواند و نیز نمازی را که در هر مرتبه شروع می کند معین نمایند، مثلاً قرار بگذارند که در هر دفعه نماز یک شبانه روز را تمام کنند و اگر ناقص بگذارند آن را حساب نکنند و دفعه بعد، نماز یک شبانه روز را از اول شروع نمایند.

(مسأله ۵۶۰) اگر بخواهند برای میّت نماز قضا بخوانند و بدانند که او ترتیب قضا شدن را نمی دانسته یا ندانند که می دانسته یا نه، بنا بر احتیاط مستحب به طوری برای او قضا کنند که ترتیب حاصل شود، پس اگر بخواهند چند نفر را برای بجا آوردن نماز میّت اجیر کنند بنا بر احتیاط مستحب وقت معین کنند.

(مسأله ۵۶۱) اگر کسی نایب شود که مثلاً در مدت یک سال نمازهای میّت را بخواند، ولی پیش از تمام شدن سال بمیرد، باید برای نمازهایی که می دانند بجا نیاورده دیگری را نایب نمایند، بلکه برای نمازهایی هم که احتمال می دهند بجا نیاورده بنا بر احتیاط واجب نایب بگیرند.

(مسأله ۵۶۲) کسی را که برای نمازهای میّت اجیر کرده اند، اگر پیش از تمام کردن نمازها بمیرد و اجرت همه آنها را گرفته باشد، چنانچه شرط کرده باشند که همه نمازها را خودش بخواند یا قرینه ای در بین باشد که نظر داشته اند خودش بخواند، باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او به ولی میّت بدهند، ولی اگر شرط نکرده باشند و قرینه ای هم در بین نباشد، باید ورثه اجیر از مال او نایب بگیرند و چنانچه مالی نداشته باشد بر ورثه او

مسائل نماز

چیزی واجب نیست.

(مسأله ۵۶۳) اگر نایب پیش از تمام کردن نمازهای میّت بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد، چنانچه شرط نکرده باشند خودش بخواند، باید از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده، دیگری را نایب بگیرند و اگر چیزی زیاد آمد در صورتی که وصیت کرده باشد و وارثان هم اجازه دهند برای تمام نمازهای خودش نایب بگیرند و چنانچه وارثان اجازه ندهند، یک سوم آن را به مصرف نماز خودش برسانند و در صورتی که وصیت نکرده باشد یا یک سوم آن کافی نباشد ولی او، یعنی بزرگترین مرد از وارثان، آنها را بجا آورد و اگر ولی موجود نباشد بنا بر احتیاط واجب وارثان بالغ میّت از سهم خودشان آنها را بجا آورند.

(مسأله ۵۶۴) اگر فتوای مرجع تقلید نایب با فتوای مرجع تقلید میّت، تفاوت داشته باشد، در صورتی که هنگام اجیر شدن خصوصیات عمل تعیین نشده باشد و منصرف به نحو خاصی نیز نباشد، باید نایب عمل را طبق فتوای مرجع تقلید خود انجام دهد، هر چند احتیاط آن است که وصی با نایب شرط کند که عمل را طوری انجام دهد که هم مطابق نظر مرجع تقلید میّت و هم مطابق مرجع تقلید خود باشد.

(مسأله ۵۶۵) کسی که برای انجام نماز یا سایر عبادات اجیر شده نمی‌تواند دیگری را برای انجام آن اجیر نماید، مگر در صورتی که اجیر کننده اجازه داده باشد یا اجاره، منصرف به انجام عمل توسط شخص اجیر نباشد.

(مسأله ۵۶۶) اجیر شدن برای انجام عبادات واجب شخص زنده و یا انجام آن به صورت تبرّعی جایز نیست، مگر در نیابت از حج که اگر شخصی مستطیع شده و از انجام اعمال حج عاجز باشد و امید هم ندارد که در آینده بتواند خودش بجا آورد می‌تواند نایب بگیرد.

(مسأله ۵۶۷) انسان می‌تواند برای بعضی از کارهای مستحبی، مانند

زیارت پیامبر (ص) و امامان (ع)، از طرف زندگان اجیر شود، همچنین می‌تواند کار مستحبی را انجام داده و ثواب آن را به مردگان یا زندگان هدیه نماید.

نماز جماعت

فضیلت نماز جماعت:

در مورد اهمیت نماز جماعت روایات و احادیث بسیاری از معصومین (ع) وارد شده و در یکی از احادیث آمده است: «اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز را دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعت ثواب ششصد نماز را دارد؛ (و هر چه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر می‌شود تا اینکه شمار آنان به ده نفر برسد) و هر گاه بیشتر از ده نفر باشند، اگر تمام دریاها مرگب، درختها قلم، و جن و انس و فرشتگان، نویسنده شوند توان نوشتن ثواب یک رکعت از آن را نخواهند داشت»^۱.

(مسأله ۵۶۸) مستحب است نمازهای یومیه و نماز میّت و نماز آیات را به جماعت بخوانند و در نمازهای یومیه، به ویژه نمازهای صبح، مغرب و عشا مخصوصاً برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان را می‌شنود بیشتر سفارش شده است.

(مسأله ۵۶۹) هر گاه جماعت دیرتر از اول وقت برپا می‌شود مستحب است مؤمنان صبر کنند و نماز خود را با جماعت بخوانند و نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادی؛ یعنی به تنهایی خوانده شود بهتر است، همچنین نماز جماعتی که مختصر خوانده شود از نماز فرادایی که آن را طول بدهند بهتر می‌باشد.

(مسأله ۵۷۰) کسی که نماز خود را در اول وقت به تنهایی خوانده،

۱. برگرفته از مستدرک المسائل، کتاب الصلاة، باب ۱ از ابواب «صلاة الجماعة»، حدیث ۳، ج ۶، ص ۴۴۴.

مسائل نماز

مستحب است دوباره آن را به جماعت بخواند، امام باشد یا مأموم، و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده نماز دوم او کافی است.

(مسأله ۵۷۱) اگر موقعی که مشغول نماز مستحبی است جماعت برپا شود، چنانچه اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد مستحب است نماز را رها کند و مشغول نماز جماعت شود، بلکه اگر اطمینان نداشته باشد که به رکعت اول برسد مستحب است به همین دستور رفتار نماید.

(مسأله ۵۷۲) اگر موقعی که مشغول نماز سه یا چهار رکعتی است جماعت برپا شود، چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته و اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است به نیت نماز مستحبی نماز را دو رکعتی تمام کند و خود را به جماعت برساند.

موارد وجوب نماز جماعت:

(مسأله ۵۷۳) نماز «جمعه» و همچنین نمازهای «عید فطر و قربان، هر گاه واجب شوند»، فقط در صورتی صحیحند که با جماعت خوانده شوند.

(مسأله ۵۷۴) کسی که به اندازه‌ای وسواس دارد که عمل به آن حرام یا موجب باطل شدن نماز او می‌گردد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود، باید نماز را با جماعت بخواند.

(مسأله ۵۷۵) کسی که حمد و سوره را نمی‌تواند صحیح ادا کند، واجب است احتیاطاً در صورت امکان نمازش را با جماعت بخواند.

(مسأله ۵۷۶) اگر پدر یا مادر، به فرزند خود امر کند که در جماعت حاضر شود، چنانچه مخالفت او موجب اذیت و ناراحتی آنان شود واجب است نماز را به جماعت بخواند و اگر موجب اذیت آنان نشود نیز بنا بر احتیاط نماز را به جماعت بخواند و در هر دو صورت قصد استحباب نماید.

(مسأله ۵۷۷) سزاوار نیست که انسان بدون داشتن عذر، نماز جماعت را ترک نماید.

شرایط برپایی جماعت:

(مسئله ۵۷۸) هنگامی که امام جماعت، یکی از نمازهای یومیه خود را می‌خواند، تمام باشد یا شکسته، می‌توان هر یک از نمازهای یومیه را، تمام باشد یا شکسته، به او اقتدا کرد، ولی اگر امام جماعت آن نماز را احتیاطاً دوباره می‌خواند، فقط در صورتی که احتیاط مأموم با امام یکی باشد می‌تواند به او اقتدا نماید، مثلاً چنانچه امام و مأموم در نماز چهار رکعتی شک بین سه و چهار نمایند و قبل از خواندن نماز احتیاط حرف بزنند پس از خواندن یک رکعت نماز احتیاط بنابر احتیاط باید دوباره نمازشان را اعاده نمایند، و این چهار رکعت را می‌توانند به جماعت بخوانند.

(مسئله ۵۷۹) اگر انسان نداند نمازی را که امام می‌خواند یکی از نمازهای یومیه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا نماید.

(مسئله ۵۸۰) امام یا مأموم اگر بخواهد نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بجا آورد اشکال ندارد و احوط ترک است.

شرایط نماز جماعت:

شرط اول: بین امام و مأموم حائل نباشد.

(مسئله ۵۸۱) در نماز جماعت باید بین مأموم و امام جماعت پرده یا چیز دیگری که مانع صدق ارتباط و یک جماعت بودن است فاصله نشود، همچنین نباید میان مأموم و مأموم دیگری که به واسطه او به امام متصل شده است چنین چیزی فاصله شود، ولی اگر امام جماعت، مرد و مأموم زن باشد و بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم مرد دیگری که زن به واسطه او به امام متصل شده است پرده یا مانند آن باشد اشکال ندارد، ولی باید به شکلی باشد که همه آنان یک اجتماع شمرده شوند.

(مسئله ۵۸۲) اگر امام جماعت در محراب باشد و کسی پشت سر او اقتدا نکرده باشد، افرادی که در دو سمت محراب ایستاده‌اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی‌بینند نمی‌توانند اقتدا نمایند، ولی اگر کسی پشت

مسائل نماز

سر امام اقتدا کرده باشد، اقتدا کردن کسانی که دو طرف محراب ایستاده‌اند و به آن مأموم متصلند، ولی به واسطه دیوار محراب امام را نمی‌بینند، بنا بر اقوی صحیح است.

(مسئله ۵۸۳) اگر به واسطه طولانی بودن صف اول، کسانی که دو طرف صف ایستاده‌اند امام جماعت را نبینند می‌توانند اقتدا کنند، همچنین اگر به واسطه طولانی بودن یکی از صفهای دیگر، کسانی که در دو سمت آن ایستاده‌اند صف جلوی خود را نبینند می‌توانند اقتدا نمایند.

(مسئله ۵۸۴) اگر صفهای جماعت تا در مسجد برسد، کسی که مقابل در و پشت صف ایستاده و نیز کسانی که پشت سر او ایستاده‌اند نمازشان صحیح می‌باشد، بلکه بنا بر اقوی، نماز کسانی که دو طرف او ایستاده‌اند و صف جلو را نمی‌بینند نیز صحیح می‌باشد.

(مسئله ۵۸۵) کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ به وسیله مأموم دیگر به امام متصل نباشد نمی‌تواند اقتدا کند، ولی اگر از دو طرف یا یک طرف متصل باشد اما با صف جلو اتصال نداشته باشد، بنا بر اقوی جماعتش صحیح است.

شرط دوم: جای ایستادن امام از مأموم بلندتر نباشد.

(مسئله ۵۸۶) نباید جایی که امام جماعت ایستاده از جای مأموم بلندتر باشد، ولی اگر زمین سراشیب باشد و امام در طرف بلندتر بایستد، در صورتی که سراشیبی آن زیاد نباشد، بلکه به گونه‌ای باشد که به آن زمین مسطح بگویند، مانعی ندارد.

(مسئله ۵۸۷) اگر جای ایستادن مأموم از جای امام جماعت بلندتر باشد، در صورتی که بلندی به مقدار متعارف باشد به گونه‌ای که همه آنان یک اجتماع شمرده شوند، اشکال ندارد، ولی اگر بلندی زیاد باشد به شکلی که همه آنان یک جمعیت شمرده نشوند، جماعت اشکال دارد.

شرط سوم: بنا بر احتیاط واجب، فاصله بین امام و مأموم، یا مأمومین با

یکدیگر، بیشتر از یک گام معمولی نباشد.

ملاک عدم فاصله عرفی می باشد. بنا بر این بک گام و امثال آن تعیین مصادیق عرفی است و صدق عرفی در جماعت واحد ملاک می باشد.

(مسأله ۵۸۸) احتیاط واجب آن است که بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام جماعت بیشتر از یک گام معمولی فاصله نباشد، همچنین اگر انسان به واسطه مأمومی که جلوی او ایستاده به امام متصل باشد، بنابر احتیاط واجب باید فاصله جای سجده اش از جای ایستادن او بیشتر از یک گام معمولی نباشد و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأموم با جای کسی که جلوی او ایستاده، بیش از حد لازم متعارف فاصله نداشته باشد.

(مسأله ۵۸۹) اگر مأموم به واسطه کسی که سمت راست یا چپ او اقتدا کرده به امام جماعت متصل باشد و از جلو به او متصل نباشد، بنابر احتیاط واجب باید با کسی که سمت راست یا چپ او اقتدا کرده بیشتر از یک گام معمولی فاصله نداشته باشد.

(مسأله ۵۹۰) اگر بین کسانی که در صف اول ایستاده اند بچه ممیز؛ یعنی بچه ای که خوب و بد را تشخیص می دهد، فاصله شود، چنانچه اطمینان داشته باشند که نماز او صحیح است می توانند اقتدا کنند، بلکه فاصله شدن یک بچه غیر ممیز نیز در صورتی که فاصله کم باشد، مانعی ندارد.

شرط چهارم: مأموم جلوتر از امام نایستد.

(مسأله ۵۹۱) مأموم نباید جلوتر از امام جماعت بایستد و بنابر احتیاط مستحب مساوی او هم نباشد، بلکه در تمام حالات کمی از او عقب تر باشد.

وظیفه مأمومین در جماعت:

(مسأله ۵۹۲) موقعی که مأموم، نیت اقتدا می کند باید امام جماعت را معین نماید، ولی دانستن نام و مشخصات او لازم نیست. و چنانچه قصد کند که نماز خود را با جماعت به امام حاضر عادل اقتدا می کند کافی است.

مسائل نماز

(مسئله ۵۹۳) اگر به قصد اقتدا به شخص خاصی نیت کند و پس از نماز معلوم شود امام جماعت، فرد دیگری بوده، چنانچه قصدش اقتدا به امام حاضر بوده و او را نیز دارای شرایط امامت می دانسته جماعت و نمازش صحیح است، ولی اگر اقتدا را مقید به همان شخص نموده باشد، به شکلی که اگر دیگری باشد اقتدا نمی کند یا اینکه دیگری را دارای شرایط امامت نمی دانسته، باید نمازش را دوباره بخواند، مگر اینکه جز ترک حمد و سوره، سایر کارهای نماز را به طور صحیح و کامل انجام داده و رکنی را کم یا زیاد نکرده باشد که در این صورت اعاده نماز لازم نیست.

(مسئله ۵۹۴) مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده تکبیر نگوید.

(مسئله ۵۹۵) مأموم باید به جز حمد و سوره، همه ذکرهای دیگر نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند و بنابر احتیاط حتی «بسم الله» آن را نیز آهسته بخواند.

(مسئله ۵۹۶) در نماز «صبح» و «مغرب» و «عشا» اگر مأموم در رکعت اول و دوم صدای حمد و سوره امام جماعت را بشنود، اگر چه کلمات را تشخیص ندهد، حمد و سوره را نخواند و در صورتی که صدای امام جماعت را نشنود، مستحب است حمد و سوره را بخواند، ولی باید آهسته بخواند و چنانچه از روی اشتباه بلند بخواند اشکال ندارد.

(مسئله ۵۹۷) اگر مأموم، بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود، بنابر احتیاط واجب، حمد و سوره را نخواند.

(مسئله ۵۹۸) اگر مأموم از روی اشتباه، حمد و سوره را بخواند یا خیال کند صدایی را که می شنود صدای امام نیست و بعد بفهمد صدای امام بوده نمازش صحیح است.

(مسئله ۵۹۹) بنابر احتیاط، مأموم در رکعت اول و دوم نماز «ظهر» و

مسائل نماز

«عصر»، حمد و سوره را نخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.
(مسئله ۶۰۰) اگر مأوم، سلام نماز امام را بشنود یا بداند که چه وقت سلام می گوید احتیاط آن است که پیش از امام سلام ندهد، مگر اینکه عذری داشته باشد. و چنانچه از روی عمد و بدون عذر، پیش از امام سلام دهد نمازش خالی از اشکال نیست، ولی اگر از روی اشتباه یا با داشتن عذر، پیش از امام سلام دهد نمازش صحیح است و لازم نیست دوباره با امام سلام دهد.

(مسئله ۶۰۱) اگر مأوم به جز تکبیرة الاحرام و سلام، ذکرهای دیگر نماز را پیش از امام بگوید اشکال ندارد، ولی اگر آنها را بشنود یا بداند امام چه وقت می گوید بنا بر احتیاط مستحب، پیش از امام نگوید.

(مسئله ۶۰۲) مأوم غیر از آنچه در نماز خوانده می شود کارهای دیگر آن را، مانند رکوع و سجود، کمی بعد از امام جماعت بجا آورد و اگر از روی عمد پیش از امام یا دقیقاً همزمان با او یا با فاصله طولانی پس از او انجام دهد، صحت نمازش محل اشکال است.

(مسئله ۶۰۳) کسی که از روی اشتباه جلوتر از امام به رکوع رفته است چنانچه بداند که اگر برگردد قیام امام را درک نمی کند، لازم نیست برگردد و نمازش صحیح است.

(مسئله ۶۰۴) کسی که از روی اشتباه جلوتر از امام سر از رکوع یا سجده برداشته، چنانچه امام هنوز در رکوع یا سجده باشد بنا بر احتیاط واجب برگردد و از امام پیروی کند و اضافه شدن یک رکوع یا سجده در چنین موردی نماز را باطل نمی کند، اما اگر پیش از آنکه به رکوع برسد امام سر از رکوع بردارد، بنا بر احتیاط مستحب باید نماز را تمام کند و دوباره هم بخواند، همچنین است اگر در هر دو سجده یک رکعت، چنین اتفاق بیفتد.

(مسئله ۶۰۵) کسی که جلوتر از امام سر از رکوع یا سجده برداشته، چنانچه از روی اشتباه یا به خیال اینکه به رکوع یا سجده امام نمی رسد،

مسائل نماز

برنگردد نمازش صحیح است.

(مسأله ۶۰۶) اگر امام جماعت در رکعتی که قنوت ندارد از روی اشتباه قنوت بخواند یا در رکعتی که تشهد ندارد اشتباها تشهد بخواند، مأمومین باید به طوری که نمازشان باطل نشود او را به اشتباه خود آگاه نمایند و اگر توان آگاه کردن او را ندارند، نباید قنوت و تشهد را بخوانند، ولی نمی‌توانند پیش از امام به رکوع روند یا پیش از ایستادن امام بایستند، بلکه باید صبر کنند تا قنوت یا تشهد امام تمام شود و بقیه نماز را با او بخوانند.

(مسأله ۶۰۷) اگر مأموم بداند نماز یک صف از صفهای جلو باطل است در صفهای بعد نمی‌تواند اقتدا کند، ولی اگر شک داشته باشد که نماز آنان صحیح است یا نه، می‌تواند اقتدا نماید.

(مسأله ۶۰۸) بعد از تکبیر الاحرام امام جماعت چنانچه صفهای جلو آماده نماز و گفتن تکبیر باشند، کسانی که در صفهای بعد ایستاده‌اند می‌توانند تکبیر بگویند، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کنند تا تکبیر صفهای جلو تمام شود.

(مسأله ۶۰۹) اگر اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کند و پیش از آنکه به رکوع رود امام جماعت سر از رکوع بردارد، نماز او به طور جماعت صحیح است و باید رکوع کند و خود را به جماعت برساند.

(مسأله ۶۱۰) اگر در حالی که امام جماعت در رکوع است به او اقتدا کند یکی از سه حالت را دارد:

الف - چنانچه به رکوع امام جماعت برسد، گرچه ذکر امام جماعت تمام شده باشد، نمازش به جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می‌شود.

ب - اگر در حال خم شدن او، امام جماعت از رکوع برخیزد و یا شک کند که به رکوع امام جماعت رسیده یا نه، جماعتش باطل می‌شود و بنابر

مسائل نماز

احتیاط باید رکوع را تمام نماید و به سجده رود و نماز را فرادی تمام کند و دوباره نمازش را بخواند.

ج - اگر پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود، امام سر از رکوع بردارد، بنا بر احتیاط بایستد تا امام سجده‌های خود را بجا آورد و برای رکعت بعد برخیزد و مأموم رکعت بعد امام را رکعت اول خود حساب نماید، ولی اگر رکعت آخر امام بوده یا اینکه برخاستن امام جماعت به اندازه‌ای طول می‌کشد که این شخص از حالت جماعت خارج می‌شود، باید قصد فرادی کرده و نمازش را به تنهایی تمام نماید.

(مسأله ۶۱۱) کسی که پس از شروع نماز جماعت وارد می‌شود و اقتدا می‌کند، در صورتی که نماز امام و مأموم چهار رکعتی باشد دارای چند حالت است:

الف - اگر مأمومین ساکت ایستاده‌اند و رکعت اول یا دوم جماعت است، او هم به تیت نمازی که قصد داشته اقتدا کند و ساکت بایستد، پس اگر امام بعد از خواندن حمد و سوره قنوت نخواند معلوم می‌شود رکعت اول جماعت بوده و او هم بقیه نماز را همراه امام تمام نماید.

ب - اگر امام پس از خواندن حمد و سوره قنوت بخواند رکعت دوم جماعت است، پس او هم به قصد متابعت، قنوت را با امام بخواند و بعد از رکوع و دو سجده در حال تشهد امام بنا بر احتیاط به حالت نیم خیز^۱ بنشیند و می‌تواند ذکر تشهد را با امام بخواند و پس از برخاستن، حمد و سوره را خوانده و همراه با امام به رکوع رود و اگر می‌داند با خواندن حمد و سوره، به رکوع سوم امام نمی‌رسد فقط حمد را بخواند و خود را به رکوع یا سجده امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد احتیاطاً بعد از قیام رکعت را حساب کند و پس از رکوع و دو سجده، واجبات تشهد را بجا آورد و برای

۱. یعنی زانوها و کف پاها را از زمین بلند کرده، روی انگشتان دست و پا بنشیند.

مسائل نماز

رکعت سوم همراه امام برخیزد و تسیحات را سه مرتبه بخواند و چنانچه می‌ترسد به رکوع رکعت چهارم امام نرسد بنا بر احتیاط، تسیحات را سه مرتبه با عجله بخواند و به یک مرتبه اکتفا نکند و رکوع و دو سجده را با امام بجا آورد و هنگام تشهد و سلام نماز امام بنا بر احتیاط به حالت نیم‌خیز بنشیند و می‌تواند در آن حال، ذکر تشهد را با امام بخواند، ولی سلام را نگوید و پس از سلام امام برخیزد و نماز خود را ادامه دهد.

ج - اگر امام و مأمومین مشغول خواندن تسیحات باشند و می‌دانند چنانچه بخواهد اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی‌رسد، بنا بر احتیاط واجب صبر کند تا هنگامی که امام به رکوع رفت اقتدا کرده و به رکوع رود و این رکعت را رکعت اول خود حساب نماید، پس اگر امام بعد از رکوع و دو سجده برخاست معلوم می‌شود رکعت سوم جماعت بوده، او هم به قصد رکعت دوم برخیزد و حمد و سوره بخواند و خود را به رکوع امام برساند و اگر به اندازه کافی وقت ندارد فقط حمد بخواند و سوره و قنوت را ترک نماید و پس از رکوع و دو سجده تشهد را به حال معمول بجا آورده و هنگام سلام نماز امام به حالت نیم‌خیز بنشیند و پس از سلام امام برخیزد و نماز خود را به تنهایی ادامه دهد. و اگر امام پس از تسیحات و بجا آوردن رکوع و دو سجده مشغول تشهد شود معلوم می‌شود رکعت آخر نماز جماعت است، پس باید بنا بر احتیاط به حالت نیم‌خیز بنشیند و می‌تواند در آن حال ذکر تشهد را با امام بخواند، ولی سلام را نگوید و پس از سلام امام برخیزد و بقیه نماز خود را به تنهایی بخواند.

(مسأله ۶۱۲) اگر تعداد رکعات نماز امام با تعداد رکعات نماز مأموم تفاوت داشته باشد، مثلاً امام نماز چهار رکعتی می‌خواند و مأموم بخواهد نماز دو رکعتی بخواند چنانچه مأموم پس از شروع نماز جماعت وارد شود می‌تواند اقتدا نماید و نماز خود را همراه با جماعت بجا آورد، ولی باید موارد زیر را رعایت نماید:

مسائل نماز

۱ - وقتی امام مشغول خواندن حمد و سوره است مأموم می تواند اقتدا کند و چنانچه امام در رکعت دوم باشد مأموم به قصد متابعت قنوت را با امام بخواند.

۲ - وقتی امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و تسیحات می خواند مأموم می تواند اقتدا کند، ولی باید حمد را بخواند و چنانچه بداند اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی رسد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع رود آنگاه اقتدا نماید.

۳ - پس از آنکه مأموم اقتدا کرد، چنانچه امام مشغول تشهد شود و مأموم در رکعتی باشد که تشهد ندارد بنابر احتیاط باید به حالت نیم خیز بنشیند و می تواند در آن حال ذکر تشهد را با امام بخواند، پس اگر امام برای رکعت بعد برخاست او هم برخیزد و نماز را با جماعت طبق دستوری که گفته شد ادامه دهد و اگر امام سلام نماز را داد او سلام را نگوید و به حال نیم خیز صبر کند تا نماز امام تمام شود، آنگاه برخاسته و بقیه نماز را تنها بجا آورد.

(مسئله ۶۱۳) اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند باید حمد و سوره را بخواند و چنانچه برای سوره وقت ندارد باید حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.

(مسئله ۶۱۴) کسی که می داند اگر سوره یا قنوت را بخواند در رکوع به امام نمی رسد باید آن را نخواند و اگر بخواند نماز فرادی می شود.

(مسئله ۶۱۵) کسی که اطمینان دارد اگر سوره را شروع کند یا تمام نماید به رکوع امام می رسد، احتیاط واجب آن است که سوره را شروع کند یا اگر شروع کرده تمام نماید.

(مسئله ۶۱۶) کسی که یقین دارد اگر سوره را بخواند به رکوع امام می رسد، چنانچه سوره را بخواند و به رکوع نرسد نمازش صحیح است.

مسائل نماز

(مسأله ۶۱۷) اگر امام جماعت ایستاده باشد و مأموم نداند که در کدام رکعت است می تواند اقتدا کند، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند. و اگر چه بعد بفهمد که امام جماعت در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است.

(مسأله ۶۱۸) اگر به خیال اینکه امام جماعت در رکعت اول یا دوم است حمد و سوره را نخواند و پس از رکوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده، نمازش صحیح است و احتیاطاً بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد، ولی اگر پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد فقط حمد را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند، هر چند در صورتی که در سجده به امام برسد احتیاطاً نمازش را دوباره بخواند. بعد از قیام رکعة اولی حساب شود.

(مسأله ۶۱۹) اگر به خیال اینکه امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم است حمد و سوره یا مقداری از آن را بخواند و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمد که در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است.

(مسأله ۶۲۰) اگر هنگامی که امام جماعت مشغول خواندن تشهد آخر نماز است وارد شود و بخواهد به ثواب جماعت برسد، پس از نیت و گفتن تکبیر الاحرام به حال نیم خیز بنشیند و تشهد را به قصد ذکر مطلق^۱ با امام بخواند ولی سلام را نگوید و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد، سپس بایستد و بدون آنکه دوباره نیت کند و تکبیر بگوید، حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول خود حساب نماید.

نیت فرادی در جماعت:

(مسأله ۶۲۱) نیت فرادی در نماز جماعت محل اشکال است، لکن خللی در نماز وی ایجاد نمی شود گرچه از اول قصد فرادی داشته باشد.

۱. یعنی بدون قصد وجوب یا استحباب؛ بلکه به قصد ذکری که در نماز دستور داده‌اند.

مسائل نماز

مخصوصاً اگر از اول نماز چنین قصدی نداشته باشد، ولی انسان در حال ضرورت و عذر می‌تواند نیت فرادی کرده و از امام جماعت جلو بیفتد و نماز خود را به تنهایی تمام نماید.

(مسئله ۶۲۲) اگر در بین نماز جماعت به واسطه عذری قصد فرادی نماید نباید دوباره نیت جماعت کند، بلکه اگر مردد شود که فرادی کند یا نه و بعد بلافاصله تصمیم بگیرد نماز را با جماعت تمام نماید، باقی ماندن او به جماعت محل اشکال است ولی نمازش صحیح است. در صورتی که به وظیفه فرادی عمل نماید.

(مسئله ۶۲۳) اگر شك کند نیت فرادی کرده یا نه و خود را در حال جماعت می‌یابد، بنا بگذارد که نیت فرادی نکرده است.

(مسئله ۶۲۴) اگر مأموم به واسطه عذری در بین حمد و سوره امام جماعت نیت فرادی نماید، از همان محلی که نیت ترک کرده بقیه حمد یا سوره را بخواند.

(مسئله ۶۲۵) اگر بعد از شروع به نماز بین مأموم و امام جماعت، یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او به امام جماعت متصل است چیزی حائل باشد یا فاصله که عرفاً جزو جماعت محسوب نشود، قصد فرادی نماید و نمازش صحیح است.^۱

(مسئله ۶۲۶) اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه نیت فرادی نمایند، چنانچه فاصله به اندازه ئی باشد که عرفاً جماعت محسوب نشود قصد فرادی کنند و نمازشان صحیح است.

(مسئله ۶۲۷) اگر نماز امام تمام شود و مأموم مشغول تشهد یا سلام اول باشد، لازم نیست نیت فرادی نماید.

(مسئله ۶۲۸) اگر هنگام برپایی نماز جماعت، کسی به صورت فرادی

۱. همان گونه که گذشت حائل شدن پرده میان مأموم زن و امام جماعت یا مأموم دیگر در صورتی که مرد باشد اشکال ندارد.

نماز بخواند و این عمل او موجب خدشه وارد آمدن به جماعت یا تفسیق امام جماعت باشد، نمازش صحیح لکن گناه کرده است.

شرایط امام جماعت:

(مسئله ۶۲۹) امام جماعت باید عاقل، عادل، دوازده امامی، حلال‌زاده و بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد و در خواندن حمد و سوره و دیگر ذکرهای نماز و نیز در بجا آوردن افعال نماز، غلط و ایرادی نداشته باشد و اگر مأمومین مرد یا مرد و زن هستند، امام جماعت نیز باید مرد باشد.

(مسئله ۶۳۰) احوط ترک امامت جماعت زن برای زنان مگر در جائی که صرفاً زنان هستند و امام جماعت مرد نیست گرچه در این مورد هم خوب است ترک شود.

(مسئله ۶۳۱) اقتدا کردن بچه ممیز که خوب و بد را می‌فهمد به بچه ممیز دیگر خالی از اشکال نیست، مگر اینکه به امید ثواب یا برای تمرین باشد.

(مسئله ۶۳۲) عدالت^۱ امام جماعت از دو راه ثابت می‌شود:

الف - شهادت دو مرد عادل، به شرط آنکه دو یا حتی یک مرد عادل دیگر که گفته او موجب وثوق است خلاف آن شهادت ندهند.

ب - اطمینان انسان به عدالت او، خواه از راه معاشرت با او حاصل شود، یا از شهادت یک مرد عادل، یا اقتدا کردن دو مرد عادل یا عده‌ای از مردم مؤمن به او و یا تأیید عدالت او توسط جماعتی از مردم.

(مسئله ۶۳۳) اگر شک کند امام جماعتی را که عادل می‌دانسته از عدالت بیرون رفته یا نه، می‌تواند به او اقتدا نماید.

(مسئله ۶۳۴) اگر مأموم پس از نماز بفهمد که امام عادل نبوده یا به جهتی نمازش باطل بوده، مثلاً بدون وضو نماز خوانده است، نمازش صحیح

۱. معنای «عدالت» در پاورقی مسئله «۶» کتاب الطهارة گذشت.

مسائل نماز

است.

(مسأله ۶۳۵) هر گاه بداند نماز امام باطل است، اگر چه خود امام متوجه نباشد، نمی تواند به او اقتدا کند.

(مسأله ۶۳۶) اگر مأموم در صحت قرائت امام جماعت شک کند، در صورتی که شک او به گونه ای باشد که بتواند حمل بر صحت نماید می تواند اقتدا کند.

(مسأله ۶۳۷) اگر امام جماعت پس از نماز یا در بین آن بفهمد که نمازش باطل بوده لازم نیست به مأمومین اطلاع دهد و نماز مأمومین صحیح است، ولی اگر در بین نماز متوجه شود، ادامه صورت نماز توسط امام جماعت محل اشکال است. بلکه باید بوظیفه خود عمل نماید.

(مسأله ۶۳۸) کسی که ایستاده نماز می خواند بنا بر احتیاط نمی تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند اقتدا نماید و کسی هم که نشسته نماز می خواند بنا بر احتیاط نمی تواند به کسی که خوابیده نماز می خواند اقتدا کند، ولی کسی که نشسته نماز می خواند می تواند به فرد دیگری که او هم نشسته نماز می خواند اقتدا نماید.

(مسأله ۶۳۹) اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمم یا وضوی جبیره ای نماز بخواند می توان به او اقتدا کرد، ولی اگر به واسطه عذر با لباس نجس نماز بخواند، یا نتواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع خود جلوگیری کند یا دارای یکی از عذرهای دیگر باشد بنا بر احتیاط واجب نمی توان به او اقتدا نمود.

(مسأله ۶۴۰) بنا بر احتیاط کسانی که حد شرعی خورده اند و توبه نکرده اند و کسانی که بیماری خوره یا پیسی نمایان دارند نباید امام جماعت برای افراد غیر پیسی و خوره شوند.

آنچه در نماز جماعت مستحب است:

(مسأله ۶۴۱) خوب است اگر مأموم یک مرد باشد طرف راست امام

مسائل نماز

جماعت بایستد و اگر یک زن باشد در طرف راست امام به گونه‌ای بایستد که جای سجده‌اش مساوی زانو یا قدم امام باشد و یا اینکه پشت سر امام بایستد و چنانچه مأمومین، یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند، مرد در طرف راست امام و بقیه پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد یا چند زن باشند پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد و چند زن باشند، مردها پشت سر امام و زنها پشت سر مردها بایستند.

(مسأله ۶۴۲) اگر امام و مأموم، هر دو زن باشند خوب و شایسته آن است که امام کمی جلوتر بایستد.

(مسأله ۶۴۳) خوب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند.

(مسأله ۶۴۴) خوب است صفهای جماعت منظم بوده و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند فاصله نباشد و شانهای آنان در ردیف یکدیگر باشد.

(مسأله ۶۴۵) مستحب است پس از گفتن «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» مأمومین برخیزند.

(مسأله ۶۴۶) مستحب است امام جماعت حال مأمومی را که از همه ضعیف‌تر است رعایت نماید و عجله نکند تا افراد ضعیف به او برسند، همچنین قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر اینکه بدانند همه مأمومین به این امر تمایل دارند.

(مسأله ۶۴۷) مستحب است امام جماعت در حمد و سوره و ذکرهایی که بلند می‌خواند صدای خود را به قدری بلند کند که مأمومین بشنوند، ولی باید بیش از اندازه متعارف صدا را بلند ننماید.

(مسأله ۶۴۸) اگر امام جماعت هنگام رکوع متوجه شود فردی تازه رسیده و می‌خواهد اقتدا نماید مستحب است رکوع را دو برابر همیشه طول بدهد و سپس برخیزد، هر چند فرد دیگری هم برای اقتدا وارد شده باشد.

آنچه در نماز جماعت مکروه است:^۱

- (مسأله ۶۴۹) اگر در صفهای جماعت جا باشد مکروه است نماز گزار تنها بایستد.
- (مسأله ۶۵۰) مکروه است مأموم ذکرهای نماز را به گونه‌ای بگوید که امام بشنود.
- (مسأله ۶۵۱) مسافری که نماز ظهر و عصر و عشا را دو رکعتی می‌خواند مکروه است در این نمازها - با وجود مسافر - به کسی که مسافر نیست اقتدا کند، همچنین کسی که مسافر نیست مکروه است در این نمازها - با وجود غیر مسافر - به مسافر اقتدا نماید، پس بهتر است مسافر به مسافر و حاضر به حاضر اقتدا کند.

نماز جمعه

وجوب نماز جمعه:

- (مسأله ۶۵۲) یکی از نمازهای واجب یومیه «نماز جمعه» است که در روزهای جمعه با وجود شرایط آن به جای نماز ظهر خوانده می‌شود، در قرآن کریم و احادیث شریف در مورد نماز جمعه سفارش بسیار شده است.
- (مسأله ۶۵۳) اگر فراهم کردن شرایط نماز جمعه در زمان غیبت حضرت امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ ممکن باشد بنا بر احتیاط برپا کردن آن مستحب است و پس از برپایی نماز جمعه حضور در آن برای افرادی که واجد شرایط هستند بنا بر احتیاط مستحب است و بدون عذر شرعی آن را ترک نکنند.
- (مسأله ۶۵۴) اگر نماز جمعه با وجود همه شرایط آن برپا شود، صحت نماز ظهری که قبل از تمام شدن نماز جمعه خوانده شود اشکال ندارد. همچنین انجام کارهای دیگری که مزاحم نماز جمعه می‌باشند نظیر معاملات

۱. مراد از «کراهت در عبادات» به این معناست که آن عبادت با انجام این عمل ثواب کمتری خواهد داشت.

مسائل نماز

پیش از اتمام نماز جمعه جایز است، و باطل نمی‌باشند.

(مسأله ۶۵۵) حاضر شدن به نماز جمعه بر کودکان، دیوانگان، پیران سالخورده، بیماران، نابینایان، مسافران، زنان، کسانی که بیش از دو فرسخ از محل برگزاری نماز جمعه فاصله دارند، کسانی که حضور آنان در نماز جمعه مایه آشفتگی نظم اجتماعی می‌شود و یا دشواری و سختی به همراه دارد و نیز هنگام باریدن باران یا برف، واجب نیست، هر چند حاضر شدن آنان موجب بطلان نمازشان نیست و به جای نماز ظهر محسوب می‌گردد، بلکه بجز کودکان و دیوانگان، سایر طبقات در صورتی که در محل نماز جمعه حاضر شدند بنا بر احتیاط مستحب باید در نماز جمعه شرکت کنند.

(مسأله ۶۵۶) نماز جمعه قضا ندارد و چنانچه کسی آن را ترک کند باید به جای آن نماز ظهر را بجا آورد و اگر وقت نماز ظهر هم گذشته است باید نماز ظهر را قضا نماید.

کیفیت نماز جمعه:

(مسأله ۶۵۷) نماز جمعه همانند نماز صبح دو رکعت است، با این تفاوت که مستحب مؤکد است در رکعت اول آن پس از حمد «سوره جمعه» و در رکعت دوم پس از حمد «سوره منافقین» خوانده شود و نیز در رکعت اول پیش از رفتن به رکوع یک قنوت، و در رکعت دوم پس از رکوع یک قنوت بخوانند، همچنین واجب است پیش از شروع در نماز به تفصیلی که در مسائل آینده خواهد آمد دو خطبه خوانده شود.

(مسأله ۶۵۸) نماز گزار در نماز جمعه باید توجه داشته باشد که در رکعت دوم پس از قنوت به رکوع نرود و اگر رفت نماز باطل می‌شود.

(مسأله ۶۵۹) شک در تعداد رکعات نماز جمعه، همانند نماز صبح، موجب بطلان نماز می‌گردد، همچنین نماز جمعه در سایر احکام حکم نماز دو رکعتی را دارد.

(مسأله ۶۶۰) بنا بر احتیاط امام جمعه، حمد و سوره نماز جمعه را بلند

بخواند.

وقت نماز جمعه:

(مسأله ۶۶۱) بنا بر احتیاط باید اول ظهر شرعی بلافاصله اذان و سپس خطبه‌های جمعه شروع شود و خواندن خطبه پیش از ظهر خلاف احتیاط است، مگر اینکه امام جمعه پس از داخل شدن وقت، مقدار واجب خطبه را تکرار کند.

(مسأله ۶۶۲) بنا بر احتیاط واجب باید تا زمانی که سایه شاخص به اندازه دو هفتم آن شود (حدود یک ساعت بعد از ظهر شرعی)^۱ نماز جمعه تمام شده باشد و اگر تا این زمان به اتمام نرسیده باشد نماز ظهر را هم بخواند.

(مسأله ۶۶۳) اگر شک کنند که وقت جمعه هنوز باقی است یا نه، نماز جمعه صحیح است.

(مسأله ۶۶۴) اگر در وسط نماز جمعه وقت آن بگذرد، چنانچه یک رکعت آن در وقت واقع شده باشد صحیح است، و گرنه بنا بر احتیاط، نماز جمعه را تمام کرده و نماز ظهر را هم بخواند.

شرایط برپایی نماز جمعه:

(مسأله ۶۶۵) در نماز جمعه علاوه بر شرایط عمومی که برای صحت نماز گفته شده است چهار شرط دیگر هم وجود دارد:

- ۱ - نماز جمعه باید حتماً به جماعت خوانده شود.
- ۲ - حداقل تعداد نمازگزاران با امام جمعه باید هفت نفر مرد بالغ و عاقل و بنا بر احتیاط واجب غیر مسافر باشند؛ و اگر مجموع امام و مأموم پنج نفر هم باشند نماز صحیح است.
- ۳ - امام جمعه به تفصیلی که خواهد آمد، پیش از نماز، دو خطبه

۱. هر چند در روزهای تابستان و زمستان از لحاظ مقدار ساعت تفاوت جزئی به دست می‌آید.

مسائل نماز

بخواند.

۴ - بین دو محلی که نماز جمعه برپا می شود حداقل یک فرسخ شرعی (حدود پنج هزار و هفتصد و پنجاه متر) فاصله باشد.
(مسئله ۶۶۶) هنگامی که نماز جمعه با شرایط لازم برپا شود، کسی که هنگام خواندن خطبه‌ها، هر چند از روی عمد، حضور نداشته می تواند در نماز شرکت کند، بلکه کسی هم که به رکوع رکعت دوم رسیده می تواند اقتدا نماید و پس از سلام امام رکعت دوم را خودش بخواند و در این صورت نماز جمعه او صحیح است.

کیفیت خطبه‌های نماز جمعه:

(مسئله ۶۶۷) هر یک از دو خطبه نماز جمعه بنا بر احتیاط واجب باید مشتمل بر حمد و ثنای خدا، صلوات بر پیامبر (ص) و آل پیامبر:، دعوت مردم به تقوا و پرهیزکاری و نیز یک سوره کامل باشد و بنا بر احتیاط باید خطبه دوم مشتمل بر صلوات بر ائمه معصومین (ع)، همراه با نام آنان و طلب آمرزش برای مؤمنان باشد.

(مسئله ۶۶۸) حمد و ثنای خدا و صلوات بر پیامبر (ص) و آل پیامبر (ص) احتیاط باید به عربی گفته شود، ولی دعوت مردم به تقوا و موعظه و تذکرات و بیان مسائل سیاسی و اجتماعی به زبان حاضرین مانعی ندارد و اگر مستمعین اهل زبانهای مختلف باشند، خوب است امام جمعه به اندازه قدرت با همه آن زبانها صحبت نماید.

(مسئله ۶۶۹) بنا بر احتیاط در حمد و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر (ص) و آل پیامبر: و دعوت مردم به تقوا و خواندن یک سوره کامل در دو خطبه ترتیب مراعات گردد.

(مسئله ۶۷۰) خطبه‌های جمعه را باید شخص امام جمعه در حال ایستاده و با صدای رسا بخواند و شایسته است به گونه‌ای بلند خوانده شود که همه حاضرین بشنوند و یا به وسیله بلندگو صدا به همه منتقل شود،

مسائل نماز

همچنین واجب است میان دو خطبه، گر چه با اندکی نشستن، فاصله شود. (مسأله ۶۷۱) بنا بر احتیاط واجب امام جمعه در حال خطبه باید با وضو باشد.

(مسأله ۶۷۲) مستحب است امام جمعه در حال خطبه، عمامه بر سر نهاده و به عصا یا اسلحه تکیه دهد و هنگام اذان روی منبر بنشیند و پیش از شروع خطبه‌ها به حاضرین سلام کند و بر مستمعین، واجب کفایی است که جواب سلام امام را بدهند.

(مسأله ۶۷۳) بنا بر احتیاط واجب حاضرین باید به خطبه‌ها گوش داده و سکوت را رعایت نمایند و از خواندن نمازهای نافله پرهیزند، همچنین بنا بر احتیاط به طرف خطیب نشسته و مثل حال نماز باشند و به راست و چپ و پشت سر نگاه نکنند و جابجا نشوند. ولی پس از پایان خطبه‌ها صحبت کردن و جابجا شدن و نگاه به چپ و راست مانعی ندارد.

(مسأله ۶۷۴) اگر مأمومین اموری را که در مسأله قبل گفته شد رعایت نکنند، خلاف احتیاط عمل کرده‌اند، ولی نماز جمعه آنان صحیح است. (مسأله ۶۷۵) شعارها و تکبیرهایی که در وسط خطبه‌ها گفته می‌شود هر چند خلاف احتیاط است، ولی به صحت نماز ضرری نمی‌رساند.

شرایط امام جمعه:

(مسأله ۶۷۶) امام جمعه باید بالغ، عاقل، مرد، مؤمن، حلال‌زاده و عادل باشد و توانایی خواندن خطبه‌ها را در حال ایستاده داشته باشد و بنا بر احتیاط واجب بیماری خوره یا پسی نمایان نداشته و نیز حد شرعی نخورده باشد، همچنین بنا بر احتیاط واجب باید امام جمعه از طرف مجتهد واجد شرایط حاکمیت منصوب باشد و اگر چند مجتهد واجد شرایط باشند، از طرف مجتهدی که واجد شرایط و متصدی اداره شئون اجتماعی و سیاسی مسلمین است نصب شده باشد و اگر اداره این شئون در اختیار مجتهد واجد شرایط نیست، امام جمعه بنا بر احتیاط واجب باید مجتهد لایق این مقام و یا از طرف

مسائل نماز

چنین مجتهدی منصوب باشد و اگر امام جمعه واجد شرایط نباشد حضور در آن جمعه واجب نبوده و نماز صحیح نیست.

(مسأله ۶۷۷) شایسته است امام جمعه، مردی مخلص، مهذب، شجاع، صریح، قاطع، با وقار، سخنگو، دارای فصاحت و بلاغت، آشنا به اوضاع جهان اسلام و آگاه به مصالح اسلام و مسلمانان باشد، و در خطبه‌ها به مسائل اجتماعی، سیاسی، مصالح مسلمانان و نیازهای مادی و معنوی آنان پردازد و بکوشد به وسیله خطبه‌ها به آگاهی و رشد معنوی و سیاسی مردم بيفزاید و چگونگی برخورد آنان با یکدیگر و با سایر ملتها را تذکر دهد و راههای مبارزه با استعمارگران و ستمکاران را به آنان بیاموزد و در عین حال از حرفهای تکراری و تطویل سخن و مطالب مبتذل و خسته کننده پرهیزد. و از آنجا که نماز جمعه همچون حج و نماز عید فطر و قربان، عبادتی است آمیخته با سیاست، لازم است از این جایگاه به سود استقلال و عظمت اسلام و مسلمانان بهره‌گیری شود، زیرا اسلام همه عرصه‌ها و ابعاد زندگی مسلمانان از جمله مسائل سیاسی و اقتصادی آنان را در بر دارد. و کسانی که از مطرح کردن مسائل سیاسی و اقتصادی اسلام پرهیز می‌کنند اسلام را آن چنان که هست نشناخته‌اند و این خود یکی از شیوه‌های دشمنان است که می‌کوشند مسلمانان از توجه به مصالح اجتماعی و سیاسی خود بازمانند و در نتیجه روحیه بی‌اعتمادی به خود و وابستگی به دیگران در آنان ایجاد شود؛ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِهِمْ.

نماز عید فطر و قربان

وجوب نماز عید فطر و قربان

(مسأله ۶۷۸) «نماز عید فطر و قربان» در زمان حضور و اقتدار حکومت امام معصوم (ع) واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان غیبت نیز اگر فراهم کردن شرایط آن میسر باشد بنابر احتیاط واجب برپا گردد و افراد واجد شرایط نیز چنانچه عذر شرعی ندارند باید در آن شرکت

نمایند.

(مسأله ۶۷۹) افرادی که طبق مسأله «۶۵۵» واجب نبود به نماز جمعه حاضر شوند، حضور در نماز عید نیز بر آنان واجب نمی‌باشد.

شرایط نماز عید فطر و قربان:

(مسأله ۶۸۰) خطبه‌های نماز عید همانند خطبه‌های نماز جمعه است، با این تفاوت که دو خطبه نماز عید فطر و قربان باید بعد از نماز خوانده شود.

(مسأله ۶۸۱) خوب است در خطبه نماز عید فطر احکام زکات فطره، و در خطبه نماز عید قربان احکام قربانی را بگویند.

(مسأله ۶۸۲) شرایطی که مطابق مسأله «۶۷۶» در امام جمعه معتبر بود در امام نماز عید واجب نیز معتبر است.

(مسأله ۶۸۳) اگر نماز عید واجب با شرایطش برگزار نشد یا افرادی به خاطر داشتن عذر نتوانستند در آن شرکت کنند، مستحب است اشخاص خودشان نماز عید را به تنهایی بخوانند، بلکه بنا بر اقوی به جماعت نیز می‌توانند بجا آورند و در این صورت فاصله شدن یک فرسخ میان دو محلی که نماز عید خوانده می‌شود و نیز خواندن خطبه لازم نیست، هر چند خواندن خطبه در جماعت به امید ثواب مانعی ندارد. و بنا بر احتیاط در جماعت حداقل هفت نفر مرد بالغ عاقل وجود داشته باشند، ولی اگر نباشند خواندن آن به قصد رجا و امیدواری مانعی ندارد.

کیفیت و احکام نماز عید فطر و قربان:

(مسأله ۶۸۴) نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در رکعت اول پس از تکبیره الاحرام و حمد و سوره باید بنا بر احتیاط واجب پنج تکبیر بگویند و پس از هر تکبیر یک قنوت بخوانند و پس از قنوت پنجم، تکبیر دیگری گفته و به رکوع روند و دو سجده را بجا آورده و برخیزند و در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته و پس از هر تکبیر یک

مسائل نماز

قنوت بخوانند و تکبیر پنجم را بگویند و به رکوع روند و دو سجده و تشهد را به جا آورده و نماز را پایان دهند.

(مسئله ۶۸۵) نماز عید سوره مخصوصی ندارد، ولی بهتر است در رکعت اول سوره «أعلى» (سوره ۸۷) و در رکعت دوم سوره «شمس» (سوره ۹۱) را بخوانند، یا در رکعت اول سوره «شمس» و در رکعت دوم سوره «غاشیه» (سوره ۸۸) را بخوانند.

(مسئله ۶۸۶) مستحب است در حالی که عمامه سفید بر سر نهاده پیاده و با پای برهنه و با وقار به نماز عید بروند و نماز عید را در صحرا بخوانند، ولی در مکه مستحب است نماز عید در مسجد الحرام خوانده شود.

(مسئله ۶۸۷) خواندن نماز عید در زیر سقف کراهت دارد.

(مسئله ۶۸۸) مستحب است در روز عید فطر قبل از نماز عید به خرما افطار کنند و در روز عید قربان پس از نماز قدری از گوشت قربانی بخورند.

(مسئله ۶۸۹) مستحب است پیش از نماز عید غسل کنند و دعاهایی که در کتاب‌های دعا نوشته شده به امید ثواب بخوانند.

(مسئله ۶۹۰) نماز عید اذان و اقامه ندارد، بلکه مستحب است در صورتی که به جماعت می‌خوانند پیش از نماز سه بار: «الْصَّلَاةُ» بگویند.

(مسئله ۶۹۱) مستحب است در نماز عید بر زمین سجده کنند و در حال گفتن تکبیرها دست‌ها را بلند نمایند و کسی که نماز عید می‌خواند، چنانچه امام جماعت است یا به تنهایی نماز می‌خواند، نماز را بلند بخواند.

(مسئله ۶۹۲) پس از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح و ظهر و عصر روز عید فطر و نیز پس از نماز عید فطر مستحب است بگویند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا».

(مسئله ۶۹۳) مستحب است انسان در عید قربان، پس از ده نماز که اول

مسائل نماز

آنها نماز ظهر روز عید (دهم ذی حجه) و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است، تکبیرهایی را که در مسأله پیش گفته شد بگویند و پس از آن ادامه دهد: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَيْمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُولَانَا»، ولی اگر عید قربان را در منی باشد، مستحب است پس از پانزده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم است این تکبیرها را بگویند.

(مسأله ۶۹۴) مأموم باید در نماز عید، همچون نمازهای دیگر، به جز حمد و سوره، ذکرهای دیگر نماز را خودش بگوید.

(مسأله ۶۹۵) اگر مأموم موقعی برسد که امام مقداری از تکبیرها و قنوتها را گفته باشد، بعد از آنکه امام به رکوع رفت باید آنچه از تکبیرها و قنوتها را که با امام نگفته خودش بگوید و سپس خود را به امام برساند و چنانچه در هر قنوت یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید کافی است.

(مسأله ۶۹۶) اگر مأموم امام جماعت را در رکوع رکعت اول نماز عید در رکعت کند اقتدا نماید و هر اندازه از تکبیرها را با قنوت مختصر که می تواند به جا آورد و خود را به رکوع امام برساند و اگر در رکعت دوم برسد اقتدا نماید و پس از چهار قنوت امام قنوت پنجم و تکبیر آن را خودش بخواند و پس از سلام امام برخیزد و رکعت دوم را خودش به جا آورد.

(مسأله ۶۹۷) اگر نماز گزار در شماره تکبیرها یا قنوتهای نماز عید شک کند، چنانچه از محل آن گذشته باشد به شک خود اعتنا نکند و اگر از محل آن نگذشته باشد بنا را بر کمتر بگذارد و در صورتی که بعد معلوم شود گفته بوده اشکال ندارد.

(مسأله ۶۹۸) اگر قرائت یا تکبیرها و یا قنوتهای نماز عید را فراموش کند و بجا نیارد نمازش صحیح است، ولی اگر رکوع یا دو سجده یا تکبیره الاحرام را فراموش نماید نمازش باطل می شود.

مسائل نماز

(مسأله ۶۹۹) اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند احتیاط آن است که پس از نماز آن را بجا آورد و اگر کاری کند که برای آن در نمازهای یومیه سجده سهو لازم است بنا بر احتیاط بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

(مسأله ۷۰۰) وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید است تا ظهر آن روز و بهتر است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند و در عید فطر مستحب است پس از بلند شدن آفتاب افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند، بعد نماز عید را بخوانند.

(مسأله ۷۰۱) اگر نماز عید در وقت خود خوانده نشود قضا ندارد، ولی اگر ماه تا ظهر روز عید فطر ثابت نشود، بر حسب اخبار وارده اقامه نماز عید در صبح روز بعد مانعی ندارد، ولی خوب است این عمل به قصد رجا و امید ثواب انجام شود.

نماز آیات

وجوب نماز آیات:

(مسأله ۷۰۲) «نماز آیات» یکی از نمازهای واجب است که در چهار مورد واجب می‌شود:

۱ و ۲ - هنگام گرفتن خورشید (کسوف) یا ماه (خسوف)، گرچه اندکی از آنها گرفته شود و کسی هم نترسد.

۳ - پس از زلزله به هر اندازه که باشد، گرچه کسی هم نترسد.

۴ - پس از رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند آن در صورتی که بیشتر مردم بترسند، بلکه بنا بر احتیاط در همه حوادث آسمانی یا زمینی مهم که خارج از متعارف باشد، هر چند بیشتر مردم نترسند.

(مسأله ۷۰۳) هر گاه دو یا چند مورد از موارد وجوب نماز آیات اتفاق بیفتد، مثل اینکه خورشید بگیرد و زلزله هم بشود، باید برای هر کدام یک نماز آیات بخواند.

مسائل نماز

(مسئله ۷۰۴) کسی که چند نماز آیات بر او واجب شده است اگر همه آنها برای یک چیز واجب شده باشد، مثلاً سه مرتبه خورشید گرفته و نماز آنها را نخوانده است، موقعی که قضای آنها را می‌خواند لازم نیست معین کند که برای کدام دفعه می‌باشد، بلکه اگر سه نماز آیات قضا به جا آورد کافی است. بلکه اگر برای چند چیز مانند خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی و زلزله یا مثلاً برای دو مورد از این‌ها نمازهایی بر او واجب شده باشد، کافی است به مقدار آنچه واجب شده به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

(مسئله ۷۰۵) چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است در هر محلی اتفاق بیفتد فقط مردم همان محل باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست، و مردم توابع و حومه محلی که در آنجا گرفتگی خورشید یا ماه و یا زلزله اتفاق افتاده است، اگر گرفتگی خورشید یا ماه را رؤیت کردند یا زلزله را احساس نمودند، باید نماز آیات را بخوانند و در غیر این صورت واجب نیست.

(مسئله ۷۰۶) هر گاه انسان به یکی از موارد وجوب نماز آیات یقین یا اطمینان نماید، به عنوان مثال از گفته کسانی که از راههای علمی، زمان گرفتن خورشید یا ماه را تعیین می‌کنند اطمینان پیدا کند، یا دو مرد عادل به وقوع آن خبر دهند، باید نماز آیات را بخواند، و اگر یک مرد عادل نیز خبر دهد بنابر احتیاط واجب نماز آیات را بجا آورد.

(مسئله ۷۰۷) هر گاه شماری از مردم یا دو نفر که عدالت آنها معلوم نیست بگویند خورشید یا ماه گرفته است، چنانچه از گفته آنان یقین پیدا نشود و نماز آیات را نخواند، ولی بعد معلوم شود راست گفته‌اند، در صورتی که تمام خورشید یا ماه گرفته باشد باید نماز آیات را بخواند، بلکه اگر مقداری از آن هم گرفته باشد احتیاط آن است که نماز آیات را بجا آورد.

وقت نماز آیات:

مسائل نماز

(مسأله ۷۰۸) از هنگامی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند تا هنگامی که هنوز همه آن باز نشده انسان می‌تواند نماز آیات را بخواند، ولی بنابر احتیاط مستحب به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن نماید.

(مسأله ۷۰۹) اگر پس از شروع به باز شدن خورشید یا ماه به نماز بایستد بنابر احتیاط مستحب نیت ادا یا قضا نکند، بلکه به نیت آنچه بر عهده او واجب شده (ما فی الذمه) نماز بخواند. و اگر پس از باز شدن تمام ماه یا خورشید بخواند نماز را بخواند باید به قصد قضا بجا آورد.

(مسأله ۷۱۰) در صورتی که تمام ماه یا خورشید گرفته بوده و از روی عمد نماز آیات را نخوانده باشد بنابر احتیاط واجب، اول غسل کند و بعد قضای نماز را بجا آورد.

(مسأله ۷۱۱) اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه بیشتر از خواندن یک رکعت باشد و انسان نماز آیات را نخواند، تا هنگامی که به اندازه خواندن یک رکعت به آخر آن وقت مانده باید نیت ادا کند، بلکه اگر مدت گرفتن آنها به اندازه خواندن یک رکعت یا کمتر هم باشد بنابر احتیاط باید نماز آیات را به نیت ادا بخواند.

(مسأله ۷۱۲) اگر پس از باز شدن خورشید یا ماه بفهمد تمام آن گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بخواند، ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده قضا بر او واجب نیست.

(مسأله ۷۱۳) غیر از گرفتن ماه و خورشید، که احکام آن گفته شد، اگر زلزله یا سایر حوادث اتفاق افتد، انسان باید بلافاصله نماز آیات را بجا آورد و اگر نخواند معصیت کرده و تا پایان عمر بر او واجب است و هنگام خواندن، هر چند وقت گذشته باشد، باید نیت ادا نماید.

(مسأله ۷۱۴) اگر بفهمد نماز آیاتی که خوانده، باطل بوده باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(مسأله ۷۱۵) اگر زن در حال حیض یا نفاس باشد و خورشید یا ماه

مسائل نماز

بگیرد و تا آخر مدتی که خورشید یا ماه باز می‌شود در حال حیض یا نفاس بماند، نماز آیات در آن حالت بر او واجب نیست، ولی بنابر احتیاط باید قضا نماید، همچنین اگر زلزله یا سایر حوادث پدید آید بنابر احتیاط پس از پاک شدن، نماز آیات را به نیت ادا بجا آورد.

(مسئله ۷۱۶) کسی که هنگام گرفتن خورشید یا ماه جنب است، اگر وقت دارد و متمکن از غسل کردن باشد باید فوراً غسل نماید و نماز آیات را بخواند و اگر نمی‌تواند غسل کند یا وقت آن را ندارد باید با تیمم نماز آیات را بجا آورد.

(مسئله ۷۱۷) اگر در وقت نماز یومیه، نماز آیات نیز بر انسان واجب شود پنج حالت دارد:

الف - اگر برای هر دو نماز وقت کافی وجود دارد، هر کدام را شروع کند اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که نماز یومیه را مقدم بدارد.

ب - اگر وقت یکی از آنها تنگ و وقت دیگری وسیع باشد، باید نمازی را که وقت آن تنگ است اول بخواند.

ج - اگر در وسط نماز یومیه که وقت آن وسعت دارد بفهمد نماز آیات بر او واجب شده و وقت آن تنگ است، باید نماز یومیه را رها کرده و نماز آیات را شروع نماید و چنانچه وقت نماز یومیه هم تنگ باشد، باید آن را تمام کرده و بعد نماز آیات را بخواند.

د - اگر وقت نماز یومیه و نماز آیات - هر دو - تنگ باشد، باید نماز یومیه را مقدم دارد.

ه - در صورتی که نماز آیات را شروع کرده و در بین نماز توجه شود وقت نماز یومیه تنگ است، باید نماز آیات را رها کرده و مشغول نماز یومیه شود و پس از آنکه آن را تمام کرد بدون انجام کاری که نماز را به هم می‌زند بقیه نماز آیات را از همان جایی که رها کرده ادامه دهد.

دستور نماز آیات:

(مسأله ۷۱۸) نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و به دو شکل می‌توان آن را بجا آورد:

الف - پس از نیت و تکبیره الاحرام، حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود و پس از رکوع، دوباره حمد و سوره را بخواند و به رکوع دوم رود و به همین ترتیب عمل کند تا به رکوع پنجم برسد و پس از بلند شدن از رکوع پنجم به سجده رود و پس از دو سجده، رکعت دوم را نیز به همین صورت انجام دهد و پس از دو سجده رکعت دوم تشهد بخواند و سلام دهد.

ب - پس از نیت و تکبیره الاحرام، حمد را بخواند و سوره را به پنج قسمت تقسیم نماید و پس از حمد، قسمت اول سوره را بخواند و به رکوع رود و پس از رکوع، بدون آنکه حمد بخواند قسمت دوم سوره را خوانده و به رکوع دوم رود و پس از آن قسمت سوم سوره را خوانده و به رکوع سوم رود و به همین ترتیب عمل کند تا به رکوع پنجم برسد و پس از بلند شدن از رکوع پنجم به سجده رود و پس از دو سجده رکعت دوم را نیز به همین ترتیب انجام دهد و پس از دو سجده رکعت دوم تشهد بخواند و سلام دهد.

(مسأله ۷۱۹) در جایی که می‌خواهد سوره را به پنج قسمت تقسیم کند بنابر احتیاط «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و یا کمتر از یک آیه سوره را به عنوان یک قسمت قرار ندهد، مگر اینکه آن قسمت از آیه جمله مستقلی باشد، پس اگر بخواهد سوره «قدر» را به پنج قسمت تقسیم کند، پس از آنکه حمد را تمام نمود بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إنا أنزلناه في ليلة القدر» و به رکوع رود و پس از آن بایستد و بگوید: «وَمَا أَدْرِيكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» و به رکوع رود و پس از آن بایستد و بگوید:

مسائل نماز

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» و به رکوع رود و پس از آن بایستد و بگوید: «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» و به رکوع رود و پس از آن بایستد و بگوید: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» و به رکوع رود و پس از سر برداشتن و انجام دو سجده، رکعت دوم را نیز به همین ترتیب انجام داده و تشهد بخواند و سلام دهد.

(مسأله ۷۲۰) اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک مرتبه حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند مانعی ندارد، همچنین می‌تواند در یک رکعت سوره‌های متفاوت بخواند. و نیز نماز گزار می‌تواند در یک رکعت، دو سوره یا سه و یا چهار سوره را تقسیم کند، به عنوان مثال یک سوره را دو قسمت و سوره دیگری را به سه قسمت نماید، اما باید توجه داشته باشد هر گاه در وسط سوره رکوع کرد، پس از آن حمد نخواند و سوره را از جایی که رها کرده بخواند و هر وقت که سوره را تمام کرد، بعد از رکوع، حمد را بخواند و سوره دیگر را شروع کند و بنابر احتیاط واجب قبل از رکوع پنجم، سوره را تمام کند و رکعت دوم را با حمد و سوره‌ای دیگر آغاز کند.

(مسأله ۷۲۱) آنچه در نمازهای یومیه واجب یا مستحب است در نماز آیات هم واجب یا مستحب می‌باشد، جز اینکه در نماز آیات مستحب است به جای اذان و اقامه سه بار به امید ثواب «الْصَّلَاةُ» گفته شود.

(مسأله ۷۲۲) مستحب است پس از رکوع پنجم و دهم «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» و پیش از هر رکوع و پس از آن «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید؛ ولی پس از رکوع پنجم و دهم گفتن تکبیر مستحب نیست، هر چند برای رفتن به سجده مستحب است.

(مسأله ۷۲۳) اگر در نماز آیات شک کند چند رکعت خوانده و فکرش به جایی نرسد نمازش باطل می‌شود.

(مسأله ۷۲۴) اگر شک کند که در رکوع آخر رکعت اول است یا در

مسائل نماز

رکوع اول رکعت دوم و فکرش به جایی نرسد نمازش باطل است، ولی به عنوان مثال اگر در یک رکعت شک کند که چهار رکوع کرده یا پنج رکوع، چنانچه برای رفتن به سجده خم نشده باید رکوعی را که شک دارد بجا آورده انجام دهد و اگر برای رفتن به سجده خم شده بنا بر احتیاط رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

(مسأله ۷۲۵) هر یک از رکوعهای نماز آیات رکن است که اگر از روی عمد یا اشتباه کم یا زیاد شود نماز باطل می‌شود.

(مسأله ۷۲۶) نماز آیات را می‌توان به جماعت بجا آورد و کیفیت آن مثل نمازهای یومیه است که به جماعت خوانده می‌شود.

